



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

د انوار صابون ۹۹٪ غیر توکایده
مطهر و ایمن، خصوصاً لاند اکسید
آبید تر اکسید لاند خدا یو پاک
سختل غیر تویاده و غیره نه مستخدمه
کولایده و غیر تویاده اکثر بخت
اکسپنر اکا تویاده و بختل لاند
سیر ۹۹٪
و خدمات سختل او را مستخدمه و
تویاده خصوصاً لاند اکسید یو اکسید
اکسید و اکسید ۹۹٪



استغفار در زندگی خود

وینتور لاند اکسید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استغاثه رمز نزدیکی ظهور

نویسنده:

سمیه وحیدی فرد

ناشر چاپی:

سیمای خورشید

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|-------------------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۸ | استغاثه رمز نزدیکی ظهور |
| ۸ | مشخصات کتاب |
| ۸ | اشاره |
| ۱۵ | مقدمه |
| ۱۹ | فصل اول: هدف آفرینش و حقیقت زندگی |
| ۱۹ | هدف آفرینش و حقیقت زندگی |
| ۲۰ | امام، معلم راه معرفت و عبودیت خدا |
| ۲۱ | معرفت امام، کلید عبودیت و سعادت |
| ۲۳ | امام سبب آرامش، امنیت و نجاتبخشی است |
| ۲۶ | تعامل انسان و جامعه و نقش امام |
| ۲۷ | حاکم صالح جهانی تنها راه حل مشکل |
| ۲۹ | نتیجه: |
| ۳۳ | فصل دوم: تشریح وضعیت جهان |
| ۳۳ | تشریح وضعیت جهان |
| ۴۹ | فصل سوم: تعریف استغاثه و مراحل وصول به آن |
| ۴۹ | تعریف استغاثه و مراحل وصول به آن |
| ۵۰ | حقیقت استغاثه |
| ۵۲ | مراحل وصول به استغاثه |
| ۵۲ | اشاره |
| ۵۳ | الف) رغبت اجتماعی |
| ۵۴ | ب) شکایت اجتماعی |
| ۵۵ | ج) استعانت اجتماعی |

| | |
|-----|------------------------------------------------------------------------------|
| ۶۱ | نتیجه: |
| ۶۳ | فصل چهارم: اهداف استغاثه |
| ۶۳ | اهداف استغاثه |
| ۶۳ | اشاره |
| ۶۳ | رفع ظلم |
| ۶۷ | رفع سختیها و مصائب |
| ۷۶ | هدایت |
| ۸۱ | نصرت |
| ۸۷ | ظهور منجی |
| ۸۸ | نتیجه |
| ۹۱ | فصل پنجم: برای چه کسی استغاثه کنیم؟ |
| ۹۱ | استغاثه برای چه کسی؟ |
| ۹۹ | فصل ششم: به چه کسی استغاثه کنیم؟ |
| ۹۹ | به چه کسی استغاثه کنیم؟ |
| ۱۰۹ | نتیجه: |
| ۱۱۱ | فصل هفتم: شرایط اجابت استغاثه |
| ۱۱۱ | شرایط اجابت استغاثه |
| ۱۱۴ | رسیدن به مقام اضطرار |
| ۱۱۶ | ایمان و اعتقاد راسخ به خدای متعال و قدرت بینهایت او در برآوردن خواسته‌های ما |
| ۱۱۹ | بیان و به زبان آوردن حاجت و خواسته به درگاه خدا |
| ۱۲۱ | ایمان به مقام و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام |
| ۱۲۳ | توبه صادقانه از آلودگیها و گناهان |
| ۱۲۷ | استواری، جدیت و مایوس نشدن از توسل و استغاثه |
| ۱۳۰ | ایمان، اخلاص و حضور قلب |

| | |
|-----|-------------------------------------------------------|
| ۱۳۲ | دعای دسته جمعی |
| ۱۳۶ | دعا برای دیگران |
| ۱۳۷ | زمان مناسب |
| ۱۴۰ | مکان مناسب |
| ۱۴۳ | نتیجه: |
| ۱۴۷ | فصل هشتم: آثار تربیتی استغاثه برای امام زمان عجل الله |
| ۱۴۷ | آثار تربیتی استغاثه برای امام زمان عجل الله |
| ۱۴۷ | افزایش محبت |
| ۱۴۸ | راههای افزایش محبت به اهل بیت علیهم السلام |
| ۱۵۴ | کمک و یاری مظلوم |
| ۱۵۹ | وفای به عهد و امانت الهی |
| ۱۶۴ | برخی از وظایف منتظران |
| ۱۷۱ | نتیجه گیری |
| ۱۷۸ | فهرست منابع |
| ۱۸۲ | درباره مرکز |

استغاثه رمز نزدیکی ظهور**مشخصات کتاب**

سرشناسه : وحیدی فرد، سمیه، ۱۳۶۸ -

عنوان و نام پدیدآور : استغاثه رمز نزدیکی ظهور/ تالیف سمیه وحیدی فرد.

مشخصات نشر : یزد: سیمای خورشید، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۱۷۶ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

شابک : ۱۰۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۶۴-۵-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۷۱] - ۱۷۴.

موضوع : استغاثه

رده بندی کنگره : BP۲۲۶/۶ و ۳الف ۵ ۱۳۹۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۸

شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۲۶۱۲

ص: ۱

اشاره

ص: ۳

استغاثه رمز نزدیکی ظهور

ص: ۴

بسم الله الرحمن الرحيم

تألیف: سمیه وحیدی فرد

ویراستار: محدثه خیراندیش

طرح جلد: محمدحسین عزیزی نژاد

صفحه آرایشی: سرکار خانم حشمتی

ناشر: انتشارات سیمای خورشید

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰.۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۶۴-۶-۵

نشانی: یزد، خیابان سلمان فارسی، کوچه گازرگاه، فرهنگسرای تخصصی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

تلفن: ۰۳۵-۳۶۲۷۲۳۹۴

انتشارات سیمای خورشید

وابسته به فرهنگسرای تخصصی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

حق اپ محفوظ و در اختیار انتشارات سیمای خورشید میباشد.

ص: ۵

این اثر ناچیز تقدیم به او که به زودی خواهد آمد

و با ظهورش، غم های تاریخ عالم را از فرق شکافته علی علیه السلام تا پهلوی شکسته زهرا سلام الله علیها و داغ شهید کربلا و زخم اسارت زینب کبری سلام الله علیها مداوا می کند و ریشه ظلم و ستم را از بیخ بر می کند و کامل ترین هدایت را برای بشریت به ارمغان می آورد.

و تقدیم به:

روح ملکوتی هم سنگر امام زمانی مان، محمد علی اعتمادیان.

شادی روحش فاتح مع الصلوات

ص: ۸

مقدمه

و آن گاه که خداوند آفریدمان، چشم و گوش و قلبمان بخشید، عقل و تفکر و اندیشه را ارزانیمان کرد و روح خویش را در کالبد بیجانمان دمید و پیمان گرفت از ما (وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ... (۱) و یادآوریمان کرد که (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (۲)

پرسیدیم: خدایا! عبادت تو؟! چگونه!؟

که فرمان دادی به ملائکه... (اسْجُدُوا لِآدَمَ)...

(فَتَبَارَكَ اللَّهُ) خدای من! با یک فرمان سه نشانه گرفتی:

ملائکه که همیشه اطاعتت کردند.

ابلیسکه نقش خونین دشمنی با خودت را رو کرد.

و ما نیز آموختیم که عبادت یعنی اطاعت، یعنی خشوع.

قرارمان این شد که تنها تو را بپرستیم و تنها از تو اطاعت کنیم، اما هنوز هم این قصه ادامه دارد... آدم که به زمین آمد، شد ولیالله و این بار صحنه امتحان آدمیزاد عوض که نه، شروع شد!

۱- طه: ۱۱۵.

۲- ذاریات: ۵۶.

ص: ۹

فرمودی: تنها به درگاهم بیایید، حق ورود ندارید! اهل هر زمانی با ولی زمانشان بیایند!

و ما منتظر ماندیم تا ولیالله زمانمان را بشناسیم. نوح، موسی، عیسی علیهم السلام و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله همه آمدند، اما ما هنوز نیامده بودیم. علی، حسنبنعلی، حسینبنعلی، علی بن حسین و...

خدایا! پس در کدام صفحه تاریخ، ما را میگذاری؟ آری اینجاست. ما هستیم و بر سرفصل حیاتمان نوشته شده است: «حجتبنالحسنالمهدی عجل الله»

یکی راه آشکار را پیش گرفت، یکی ناامید شد و ناله سر داد: پس کو؟ یکی عهد بست و ثابتقدم ماند! یکی اوج گرفت و تا پله آخر معرفت صعود کرد... اما من... هنوز نقطه پایان زندگیام ناپیدا است.

باید کاری کرد... معرفتی، مودتی، خلوصی، خشوعی به درگاه ولیالله بردن، لازمه انسانیت ماست.

باید راهمان را از راه ابلیس جدا کنیم. باید برگی سبز از حیات خود بر جای بگذاریم تا برای همیشه، تاریخ بنویسد: اینان زمینساز ظهور بودند، اینان باعث فرج آل محمد علیهم السلام بودند و این چیز کمی نیست.

ص: ۱۰

در این اثر به دنبال آن هستیم تا به بررسی ریشه‌های استغاثه، شرایط و اهداف آن پردازیم تا گامی هر چند کوچک در راستای تعالی ارزشهای مهدوی و زمین‌سازی ظهور منجی عالم بشریت، حضرت مهدی عجل الله، برداریم. امید که این برگ سبز هدیه‌های مورد رضای الله و ولی‌الله باشد.

فصل اول: هدف آفرینش و حقیقت زندگی

هدف آفرینش و حقیقت زندگی

آدمی حیات و ویژگی‌های در مقایسه با سایر موجودات دارد. دستیابی به این حیات ویژه که او را در مسیر حرکت به سوی کمال قرار می‌دهد، تنها در گروی عبودیت و بندگی خداست؛ چرا که اگر پروردگار جهان تنها کسی است که توانایی بخشیدن حیات جاودانه به انسان را دارد و همه داراییها در دست اوست، پس فقط او قدرت بر آوردن تمام آرزوها را داراست، بنابراین بدیهی است که باید او را باور کرد و طوق بندگی او را بر گردن نهاد و از او فرمانبرداری کرد.

اگر خدا خالق آدم و عالم است، پس عبودیت و بندگی او همان هدف آفرینش است؛ همچنان که قرآن کریم نیز بیان میدارد: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (۱) عبادت حقیقی خدا جز از راه معرفت عمیق درباره مقام و دستورات او امکان ندارد؛ چرا که ما اگر خدا را آنگونه که هست، شناسیم، عبادت ما پوسته

ص: ۱۳

ظاهری و بدون روح بندگی خواهد بود. در حقیقت عبودیت خداوند از معرفت او آغاز میشود و به فرموده امام باقر علیه السلام «أَنَّمَا يَعْبُدُ اللَّهُ مَنْ يَعْرِفُ اللَّهَ» (۱)؛ تنها کسی خدا را عبادت میکند که به او معرفت داشته باشد. همین است که در آیات قرآن و سخنان ائمه علیهم السلام هدف خلقت، معرفت خدا معرفی شده است. در روایات نیز معیار ارزشگذاری انسانها میزان همین معرفت نسبت به خالق است. چنانکه در روایتی آمده است که «بافضیلتترین شما کسی است که معرفتش بیشتر باشد.» (۲)

امام، معلم راه معرفت و عبودیت خدا

حال که برای رسیدن به کمال، باید از مسیر عبودیت و بندگی خدا پیش رفت و این عبودیت به معرفت او وابسته است، این سؤال مطرح میشود که برای رسیدن به معرفت خدا چه باید کرد؟

در پاسخ باید گفت که اندیشه و عقل محدود ما از فهم چنین معرفتی عاجز است، بنابراین برای این کار باید به واسطه‌هایی متوسل شد؛ زیرا خداوند نظام عالم را بر اساس اسباب و وسایل قرار داده است و اولیای معصوم علیهم السلام

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۴.

ص: ۱۴

بهترین واسطه در شناخت و معرفت خداوند هستند. همین است که امام صادق علیه السلام میفرماید: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا...»؛ خداوند امتناع فرموده که کارها را بدون اسباب فراهم آورد. (۱)

در آیات قرآن نیز این نکته یادآوری میشود که هدایتگری خدا با واسطه است و آن واسطه، انسانهای وارستهای هستند که خلیفه و ولیّ خدایند. چنانچه امام سجاد علیه السلام فرمودند: «میان خدا و حجت او که امام هر زمان است، حجاب و مانعی وجود ندارد؛ پس خداوند پیش روی حجت خود پوششی نیفکنده است. درهای علم خدا، راه مستقیم و کانون علم او، ما هستیم. بازگوکننده و شرح‌دهنده وحی خدا و استوانه‌های اصلی کاخ توحید او، ما هستیم و ماییم جایگاه راز نهانی او.» (۲) همین است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف خود و امامان معصوم میفرماید: «ما وسیله به سوی خدا و رساننده به رضوان اویم.» (۳)

معرفت امام، کلید عبودیت و سعادت

حضرت سیدالشهدا علیه السلام در پاسخ به این پرسش که

۱- کلینی، محمدبنیعقوب، کافی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲- شیخ صدوق، معانی الخبر، ص ۳۵.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۳.

ص: ۱۵

معرفت خدا چیست؟ فرمودند: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»؛ (معرفت اهل هر زمانی به امامشانکه اطاعت از او، بر آنان واجب است). (۱) پس برای عبودیت و اطاعت آگاهانه خداوند تنها یک راه وجود دارد و آن، شناسایی امام و خلیفه خدا و پیروی از اوست.

یکی از جایگاههای امام و خلیفه الهی، اعطای حیات حقیقی و انسانی به آدمیان است؛ به همین دلیل خطاب به امام عصر عجل الله میگوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ»؛ سلام بر تو ای چشمه زندگی. (۲) به همین دلیل است که معرفت به امام زمان عجل الله، رمز حیات حقیقی و عدم شناخت وی به مثابه مرگ جاهلی است.

چنانکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً» (۳) همچنین دین به عنوان ضامن زندگی حقیقی و موفق، تنها به وسیله امام معصوم علیه السلام به دست می‌آید.

اما نکته دیگری که مطرح است، این است که ما با وجود همت بلندی که برای رسیدن به قله کمال داریم، دچار کمبودها و نیازهای فراوانی هستیم و

۱- شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۹.

۲- ابن طاووس، علی بن موسی، جمالا لاسبوع بکمال العمل المشروع، ص ۳۷.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

ص: ۱۶

موانع زیادی بر سر راهمان قرار دارد. قرآن کریم نیز درباره آفرینش انسان چنین میفرماید: (وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا) (۱) باید یادآور شد که مطمئنترین راه برای شناخت کمبودها و از بین بردن آن‌ها، امام است و هیچ راه مطمئنی به جز امام برای رسیدن به سرمنزل سعادت، وجود ندارد و از این روست که اینگونه به امام سلام می‌دهیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَن سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ» (۲)

همچنین امام معصوم همان انسان کمال یافته‌ای است که توجه به او موجب نیرومند شدن اراده ما در رسیدن به هدف خواهد شد؛ برای همین در توصیف او چنین آمده است: «الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ» (۳)

آیا میتوان از ائمه معصومین علیهم السلام که بنابر فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله مصداق کامل رفیق هستند، در این مسیر سخت و طولانی چشمپوشی کرد؟

امام سبب آرامش، امنیت و نجاتبخشی است

تنها کسی که میتواند در طول این مسیر، محافظ ما باشد و برای ما امنیت و آرامش ایجاد کند و ما را از

۱- نساء: ۲۸.

۲- مفاتیح‌الجنان، زیارت حضرت صاحب‌الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

ص: ۱۷

خطرها رهایی بخشد، پروردگار بلندمرتبه است که هم به ما و هم به راه تکامل و هم موانع آن، علم و قدرت کافی دارد، اما از آنجا که بنا بر فرموده قرآن، جریان این امور در دنیا به وسیله ابزار و وسایل است (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (۱) شایسته‌ترین وسیله‌ای که در این جهت می‌تواند قرار بگیرد، همان خلیفه و ولی خدا است؛ انسانی از خود ما ولی دارای علم، قدرت و شفقت کامل از سوی خداوند.

اکنون که جایگاه اهلیت علیهم السلام در نظام هستی مشخص شد، درمیابیم که این بزرگواران عامل آرامش و نجات ما هستند، همانطور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره خود و اهلیت علیهم السلام فرموده‌اند: «هَمانا مَثَلُ إِيشانِ در میان شما مثل کشتی نوح علیه السلام است که هر کس سوارش شود، نجات میابد و هر کس تخلف ورزد، نابود میشود.» (۲) بر این اساس است که ما در سلام به حضرت مهدی عجل الله میگوییم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ یا سَفینَةَ النَّجاةِ» خود امام عصر عجل الله نیز چنین فرموده‌اند:

۱- مائده: ۳۵.

۲- سروی مازندرانی، محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آلایطالب، ج ۱، ص ۲۹۵.

ص: ۱۸

«ما از مراعات و توجه به شما کوتاهی نمیکنیم و یادتان را از خاطر نمیبریم؛ زیرا اگر چنین بود، دشواریها و اذیتها بر شما فرود میآمد و دشمنان بر شما دست درازی میکردند.»^(۱)

همچنین ایشان فرموده‌اند: «من خاتم امامان هستم و خداوند عزوجل به وسیله من، بلا را از اهل و شیعهام دفع میکند.»^(۲)

آری، ولایت و سرپرستی امام و ولی الهی که تجلی ولایت خداست، دژی محکم، ضامن آرامش، امنیت و نجات ماست، اما نکته قابل توجه این است که بهرهمندی از ولایت و حمایت ولیالله الاعظم، امام زمان عجل الله، به پیروی و اقدام عملی ما از وی بستگی دارد، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَا تُنَالُ وَلَا يُتَنَا الْأَ بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ»^(۳) البته این پیروی، به معرفت ایشان نیاز دارد و تا معرفت نسبت به این اسباب و واسطه‌های بین خدا و مردم به دست نیاید، تمسک به آن‌ها ممکن نخواهد بود.

۱- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲- شیخ صدوق، کمالات‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۷۴.

تعامل انسان و جامعه و نقش امام

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است، در تعامل با دیگران از جنبه‌های مختلف و به ویژه صفات روحی تأثیر می‌پذیرد و کسی که می‌خواهد ویژگی‌های انسان صالح را دارا باشد تا با این سرمایه به سعادت ابدی دست یابد، میدانند که جامعه صالح در اصلاح مردم مؤثر است و یکی از بزرگترین موانع در مسیر صلاح آن‌ها، جامعه فاسد است.

برای اصلاح جامعه نیازمند قوانین جامعی هستیم که تمام جوانب امور را در نظر گرفته و سعادت فرد و جامعه را تضمین نماید، اما برای ترسیم این قوانین، نه انسانها کفایت لازم را دارند و نه عقل آدمی. تنها راه به دست آوردن برنامه جامع برای حفظ و اصلاح جامعه انسانی، دریافت آن از سوی آفریدگار انسان و هستی و حاکم و عالم بر آن‌ها است و به طور حتم، خداوند حکیم نیز این قوانین را به واسطه فرستاده‌های برای انسانها خواهد فرستاد و رسول همان فرستاده خدا برای بشر است که قوانین جامع زندگی را با تعلیم و تفسیر درست آن، در اختیار انسانها می‌گذارد و بعد از رسول نیز این مسئولیت بر

ص: ۲۰

عهدہ وصی و امام است؛ البتہ وظیفہ ماست کہ وقتی وجود چنین کسانی را با عقل خویش درک نمودیم، در پی شناخت و کسب معرفت ایشان برای دریافت آن قوانین برآییم.

امّا آیا صرف وجود قوانین جامع برای اصلاح جامعه کافی است؟ در پاسخ باید گفت کہ بتردید افزون بر وجود قوانین جامع و محکم برای اصلاح جامعه، اجرای این قوانین نیز در جامعه لازم و ضروری است و ضمانت اجرای آن، وجود حاکمی است کہ علاوه بر اشراف کامل بر قوانین، توانایی اجرای آن را هم دارا بوده و همچنین از بند هوسها و منافع خویش آزاد باشد. در توضیح اهمیت این موضوع همین بس کہ امیرالمؤمنین، علی علیه السلام فرموده‌اند: «الْأَسُّ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»^(۱)؛ مردم به امیران و حاکمان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان.

حاکم صالح جهانی تنها راه حل مشکل

اگر انسان بخواهد به سعادت و رشد برسد، به دلیل اینکه موجودی اجتماعی است، به جامعه ای صالح نیاز دارد، اما آنچه مسلم است، این است کہ هر مجموعه

۱- ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، ص ۲۰۸.

ص: ۲۱

بزرگتری، مجموعه و جامعه کوچکتر از خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با وضع کنونی جهان میبینیم که جوامع کوچکتر تحت تأثیر جوامع بزرگتر و اراده‌های فاسد حاکم بر آن قرار دارند و تنها چاره اصلی، تغییر حاکمیت ظلم به حاکمیت اصلی به رهبری انسانی صالح و مصلح است که دارای علم و عدالت سرشار بوده و شایستگی اداره جهان را دارا باشد؛ یعنی بر تمام هستی، انسان و قوانین حاکم بر آن آگاهی داشته، از قید هوسها آزاد بوده و عادلانه به مقتضای علوم خود، پایبند و به عبارت دیگر معصوم باشد. چنانکه امام صادق علیه السلام در اینبار هم میفرماید: «لَا يَصْلِحُ النَّاسُ إِلَّا بِإِمَامٍ وَلَا تَصْلِحُ الْأَرْضُ إِلَّا بِذَلِكَ»؛ مردم جز با امام اصلاح نشوند و زمین نیز بدون امام اصلاح نگردد. (۱)

بنابراین باید چنین کسی را در این جایگاه نشانند و او را در انجام خواسته‌ها یاری داد. شرط اول آن است که باید او را شناخت و به تمام ویژگی‌های عمومی او یعنی عصمت، علم و عدالت مطلق و همچنین به اسم او نیز معرفت پیدا کرد؛ زیرا این معرفت در مسیر رستگاری، امری ضروری است.

(۲)

۱- شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۹۶.

۲- برگرفته از کتاب حس حضور، حسن ملایی.

ص: ۲۲

نتیجه:

حال که هدف خلقت، عبودیت و بندگی خداست و آن، چیزی جز تسلیم شدن در برابر خدا و دستوراتش نیست و از طرفی، تنها راه رسیدن به این هدف، معرفت به خداوند و یگانه راه معرفت و اطاعت از خدا، معرفت و اطاعت از امامان معصوم است؛ بنابراین پذیرش ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و بالاخص امام زمان عجل الله در عصر ما معیار دینداری است، چنانکه در دعای عصر غیبت به مفهوم معرفت امام و چنگ زدن به ولایت وی به عنوان معیار دینداری تأکید شده است؛ «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (۱)

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

ص: ۲۳

هدف خلقت: عبودیت و بندگی خدا — معرفت به خدا: راه رسیدن به عبودیت — امام: معلم راه معرفت و عبودیت خدا — معرفت
امام: کلید عبودیت و سعادت

فصل دوم: تشریح وضعیت جهان

تشریح وضعیت جهان

ما در جهانی زندگی میکنیم که این وقایع و فجایع در حال رخ دادن است:

جنگهای صلیبی، جنگهای جهانی اول و دوم و میلیونها کشته و زخمی، نسلکشی تاریخی و کشته شدن هزاران مسلمان بوسنیایی.

جنگ ویتنام که در آن، هواپیماهای ارتش آمریکا بیش از هشتاد میلیون لیتر عامل نارنجی را بر روی جنگلهای ویتنام فرو ریختند که افزون بر ریختهشدن برگ درختان (با هدف از بین بردن امکان استتار ویتکنگها) موجب نابودی ذخایر ارزشمند جنگلهای بارانزای استوایی و آلودگی خاک این مناطق شد و آثار این ماده شیمیایی بر روی سومین نسل کودکان ویتنامی و حتی کودکانی که هنوز متولد نشدهاند، وجود دارد و خواهد داشت. همچنین

در ۳۳۶۰ روستای بخش جنوبی ویتنام که از این ماده شیمیایی استفاده شده، هم اینک حدود

ص: ۲۷

هشتصد هزار نفر، از آسیبهای مختلف جسمی رنج میبرند و باید همواره تحت مراقبتهای پزشکی باشند. از سوی دیگر، پاکسازی ماده سمی دیوکیسن در خاک این کشور، معضل دیگر زندگی مردم آن است. در زندگی روزمره مردم ویتنام، افزون بر تهدیدهای ناشی از بمبهای منفجر نشده، به دلیل آلوده شدن آب و خاک به عامل نارنجی، معضل ابتلا به سرطانهای مختلف و یا تولد کودکان ناقصالخلقه به مسأله‌های عادی تبدیل شده است.

دو عملیات اتمی در زمان جنگ جهانی دوم به دستور هری ترومن، رئیس جمهور وقت آمریکا، علیه ژاپن انجام گرفت که طی آن، دو بمب اتمی به فاصله ۳ روز بر روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی انداخته شد و باعث ویرانی و کشتار گسترده شهروندان این دو شهر گردید. حدود ۲۲۰۰۰۰ نفر در اثر این دو بمباران اتمی جان باختند که بیشتر آنان را شهروندان غیرنظامی تشکیل میدادند. از این آمار، بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر بلافاصله هنگام بمباران کشته شدند و بقیه تا پایان سال ۱۹۴۵ به سبب اثرات مخرب تشعشعات رادیواکتیو، جان خود را از

ص: ۲۸

دست دادند. با آنکه بمبارانهای اتمی هیروشیما و ناکازاکی با برجای گذاشتن نزدیک به ۲۵۰ هزار کشته، دهشتناکترین قتل عام تاریخ جهان بوده‌اند و در حافظه جمعی مردم دنیا حک شده‌اند، تا سالهای سال تصاویر این رویداد در دست نبود.

اشغال فلسطین توسط اسرائیل که در پی آن، مناطق مختلف فلسطین از هم جدا شده و هزاران فلسطینی از وطنشان آواره گشتند. همچنین دزدیده شدن آبهای زیرزمینی فلسطینیان توسط اسرائیل تا جایی که گاهی خود فلسطینیان مجبور به جیره‌بندی آب میشوند.

داغ بزرگ شهید کوچک فلسطینی، علی سعد دوابشه را چه میکنیم؟ این کودک ۱۸ ماهه فلسطینی در آتشی که نظامیان اشغالگر صهیونیستی به پا کرده بودند، زنده زنده سوزانده شد. پدرش پس از مجروحیت در اثر به آتش کشیده شدن خانه و مسدود شدن درب خانه توسط لاستیکهای سوخته، به شهادت رسید و مادرش نیز دچار مرگ مغزی شد.

جنگهای ۳۳ روزه و ۵۰ روزه اسرائیل علیه مردم غزه و محاصره آن‌ها که باعث کشته شدن هزاران زن و کودک بیگناه فلسطینی شد.

ص: ۲۹

هزاران کشته و زخمی در پی اشغال جنوب لبنان در سال ۱۹۷۸ توسط اسرائیل و جنگ ۲۲ روزه اسرائیل با حزب‌الله که در آن، صدها تن از سربازان و فرماندهان حزب‌الله به شهادت رسیدند.

آیا دیر یاسین را از یاد برده‌ایم؟ روستایی کوچک، نزدیک قدس که در سال ۱۹۴۸ شاهد هجوم سه گروه مسلح از صهیونیستها بود. در این یورش که با مقاومت ساکنان ده همراه بود، ۲۵۰ نفر که بیشتر آن‌ها را زنان، کودکان و سالمندان تشکیل میدادند، کشته شدند. همچنین در این حمله، فجایع دیگری از جمله تجاوز جنسی، مثله کردن، پاره کردن شکم زنان باردار و منفجر کردن منازل نیز رخ داد.

آیا جنایت وحشیانه صهیونیستها در روستای قانا را از یاد برده‌ایم؟ روستایی در جنوب لبنان که در سال ۱۹۹۶ و در جریان جنگ لبنان، مقر نیروهای سازمان ملل بود. با حمله جنگنده‌های اسرائیلی به جنوب لبنان، بسیاری از زنان و کودکان برای در امان ماندن از این حملات، به مقر نیروهای سازمان ملل در این روستا پناه بردند، اما نیروهای رژیم صهیونیستی با زیر پا گذاشتن تمام مقررات و حقوق بین‌المللی و

ص: ۳۰

انسانی، این منطقه و ساختمان مورد نظر را زیر آتش سنگین توپخانه ویران کردند. در این جریان بیش از ۱۰۰ نفر که ۳۳ نفر از آن‌ها کودکان زیر ۱۰ سال بودند، به شهادت رسیدند.

نزدیکتر بیاییم!

جنگ ۸ ساله عراق و حامیانش با ایران و شهید شدن هزاران فرزند این آب و خاک و فجایع انسانی و اخلاقی که در سوسنگرد، بستان و... اتفاق افتاد.

بمباران شیمیایی سردشت و حلبچه مظلوم را نیز به یاد بیاوریم. صدام به مردم کشور خودش نیز رحم نکرد؛ آنجا که حکومت بعث عراق، شهر حلبچه را در جنگ با ایران از کنترل خود خارج دید، تحمل سیاسی خود را از دست داد و به حملات شیمیایی روی آورد که در اثر آن، بیش از ۵۰۰۰ شهروند کُرد در ظرف کمتر از یک ساعت کشته و بیش از ۸۰۰۰ نفر دیگر از فرزندان شهر حلبچه مسموم شدند که تعدادی از آن‌ها در سالهای بعد بر اثر مشکلات ناشی از مواد شیمیایی، جان خود را از دست دادند. این بمباران بخشی از عملیات گسترده به نام عملیات انفال بود که بر ضد ساکنان مناطق کُردنشین عراق انجام

شد. در پی عملیات والفجر ۱۰ توسط ایران و تصرف بخشهایی از کردستان عراق در اواخر سال ۱۳۶۶ که منجر به استقبال مردم این مناطق از نیروهای ایرانی شد، صدام حسین به پسرعمویش، علی حسنالمجید، معروف به علی شیمیایی، دستور بمباران شیمیایی این مناطق را داد. حمله شیمیایی به حلبچه که به کشتار حلبچه یا جمعه خونین نیز شناخته میشود، یک نسلکشی مردم کرد بود که در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ به وسیله بمباران شیمیایی توسط نیروهای دولتی عراقی در طی روزهای پایانی جنگ ایران و عراق روی داد.

پیش از حملات شیمیایی، شهر به مدت دو روز با بمبهای متعارف بمباران شد. ظاهراً علی حسنالمجید میخواست شیشه ساختمانهای شهر را بشکند تا امکان مقاومت در مقابل گازهای سمی به حداقل برسد. نیروی هوایی عراق از انواع مواد شیمیایی علیه حلبچه استفاده کرد؛ گازهای اعصاب مانند وی ایکس، سارین، تابون و گاز خردل. شدت این سموم آنقدر زیاد بود که حتی مرغان هوا و حیوانات نیز در امان نبودند. شب هنگام که برف زیادی باریده بود، نزدیک به پنجاه

ص: ۳۲

کمپرسی و کامیون، مجروحان را به داخل خاک ایران حمل کردند و از خاک عراق به مراکز درمانی کرمانشاه و سایر شهرهای همجوار منتقل شدند. در روزهای بعد، پیکر این انسانهای مظلوم با بیل مکانیکی، جمع‌آوری و برای دفن به شهر حلبچه منتقل شد. تصاویری که هیچگاه از ذهن‌گُردها پاک نخواهد شد.

درباره بمبهای فسفوری که در دفاع مقدس توسط عراق استفاده شده بود، چیزی شنیده‌ایم؟

شاید بسیاری از ما نشنیده‌ایم که عراق در منطقه دوعیجی، بمب فسفوری می‌انداخت. فسفر با اکسیژن هوا سریع ترکیب و شعله‌ور میشود و بسیجیها زیر این بمبهای فسفوری گیر میکردند و فسفر به تن آنها می‌چسبید و با هیچ وسیله‌ای خاموش نمیشد و آنها میسوختند و صبح هنگام، باد خاکستر آنها بچه‌ها را با خودش میبرد.

و باز نزدیکتر بیاییم، سرکوب قیامهای مردمی در منطقه و کشته شدن تعداد بسیاری از مردم بیگناه به جرم انقلابی بودن.

نسلکشی مسلمانان میانمار توسط بودائیان و سوزاندن کودکان و زنان آنها در گورهای دسته جمعی.

ص: ۳۳

گرفتاریها و سختیهایی که مسلمانان کشمیر با آن دست و پنجه نرم میکنند.

کشته شدن هزاران زن و کودک و مرد غیر نظامی و بیگناه پاکستانی و افغانستانی توسط آمریکا و ناتو و مزدورانشان در این کشورها از جمله القائده و طالبان.

قاچاق اعضای بدن کودکان بیگناه افغانی و فلسطینی به بهانه کمکهای انسانی و مبارزه با تروریست.

اشغال وحشیانه سوریه توسط گروههای تکفیری تروریستی که به واسطه آل سعود وهابی و حامیانش مانند آمریکا و اسرائیل ایجاد و تقویت میشوند و نابودی بسیاری از زیرساختهای این کشور و کشته شدن هزاران زن و کودک بیگناه و به اسارت بردن زنان و فروختن آنها در بازارها به عنوان کنیز.

حمله گروههای تکفیری به عراق و کشتن غیر نظامیان و شیعیان این کشور به طرز وحشیانه، تهدید به تخریب حریمهای ائمه گرامی و تجاوز و تعدی به زنان و ناموس شیعه.

جدای از جنایتهای نیروهای تکفیری از جمله اعدام، سر بریدن، قطعه قطعه کردن بدن، دست بریدن، زنده به گور کردن، آتش زدن و دیگر جنایتهای گوناگونی

ص: ۳۴

که نیروهای تروریستی علیه مردم مرتکب میشوند، رفتارها و اقدامات غیر اخلاقی نیروهای این گروهک‌های تروریستی نیز به نوبه خود پرونده‌های متفاوت برای این گروهک‌های تکفیری به وجود آورده است.

پرونده این گروهک‌های تروریستی در زمینه‌های جنسی و غیر اخلاقی بسیار است از جمله جهاد نکاح، جهاد لواط، جهاد با محارم، فروش زنان به عنوان برده و کنیز و... این گروه‌های تکفیری با اینکه داعیه اسلام و ایمان دارند، اما حتی قوانین اسلامی را هم رعایت نمیکنند، بلکه احکام دینی را به نفع خود تغییر میدهند.

سرکوب و فشارهای زیاد آل خلیفه و آل سعود بر شیعیان بحرین.

حمله وحشیانه آل سعود به یمن و نابود کردن تمام زیرساختهای عمرانی و غیر نظامی این کشور و نسلکشی شیعیان یمنی. محاصره این کشور، نقض چندین باره آتشبس و اجازه ندادن به ورود کمکهای بشردوستانه به این کشور، قحطی و کمبود غذا و دارو و آب. آیا حمله و بمباران یک مجلس عروسی در یمن و کشتن صدها نفر از زنان و کودکان بی گناه در مرام و آیین هیچ انسانی آمده است؟

ص: ۳۵

کشته شدن زائران حرم امن الهی به فجیعترین وضع به خاطر بیکفایتی و بیتدبیری آل سعود در وادی منا، آنجا که تنها سرزمین امن الهی روی زمین است و باید حرمتش حفظ گردد، اینچنین ناامن میشود که قتلگاه مسلمانانی می گردد که فقط برای ادای فریضه حج از دیار خود هجرت کرده اند ولی در پایان، مصداق آیه... (مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ)... (۱) شدند. و همگان میدانیم که امام زمان عجل الله داغدار واقعی این کشتههای مناست.

کشتار شیعیان نیجریه، دستگیری شیخ زکزاکی، رهبر شیعیان این کشور و هم چنین شهادت همسر و پسران وی، دستگیری و اسارت رهبر شیعیان عربستان، شیخ نمر باقر النمر و سرانجام شهادت وی توسط آل سعود.

سرکوب معترضان در آمریکا و اروپا، تبعیض نژادی و نژادپرستی در آمریکا و کشتن سیاهپوستان و رنگینپوستان بیگناه حتی توسط پلیس این کشور.

سیلها و طوفانهای پی در پی و زلزلههایی که هر روز گوشهای از این جهان را در بر میگیرد و افراد زیادی کشته میشوند.

قحطی و گرسنگی شدید در آفریقا که علت اصلی آن، عدم مدیریت صحیح مواد غذایی در جهان می باشد نه کمبود غذا؛ چراکه ما در جهان کمبود غذا نداریم؛ به عنوان نمونه هر ساله آمریکا گندمهای اضافی خود را داخل دریا میریزد تا قیمت آن را بالا برده و منافع خود را تأمین نماید.

ص: ۳۶

اوضاع نابسامان اقتصادی در غرب و تقسیم ناعادلانه ثروت، آنجا که ۹۹ درصد ثروت این کشورها تنها در دست یک درصد از ثروتمندان است و تنها یک درصد از منابع و ثروت این کشورها به مردم عادی که ۹۹ درصد جوامعشان را تشکیل می‌دهد، می‌رسد.

همچنین مشکلات اقتصادی فراوانی که تمام کشورهای جهان با آن روبرو هستند و این حاکی از ناکارآمدی تمام مکاتب بشری است، حتی در کشور ایران که به نوعی حکومت اسلامی است، نیز مشکلات و مفاسد اقتصادی بیداد میکند و زندگی تمام مردم کشور را تحت تأثیر قرار داده است. این در حالی است که مبارزه جدی با این مشکل در کشور انجام نمی‌گیرد.

بیند و باری و فساد و انحطاط اخلاقی در اکثر نقاط جهان به ویژه در غرب که همه، به سبب دوری از دین و خداست. البته این موارد در کشور ما به مدد انقلاب اسلامی و به برکت خون شهیدان کمتر است ولی کشور ما هم به دلیل اینکه جزئی از این جهان است، از این فرهنگ نادرست مصون نیست.

همچنین از آنجا که ما تنها کشور شیعه و تنها حکومت اسلامی هستیم که با مستکبران سر ناسازگاری

ص: ۳۷

دارد، طبیعتاً بیشتر از سایر کشورها در معرض جنگ روانی و تخریب زیرساختهای اعتقادی و سبک زندگی هستیم. سبک زندگی ایرانی اسلامی ما به شدت در معرض خطر و تغییر است. از افزایش آمار طلاق و اعتیاد و بزهکاریهای اجتماعی و بدحجابی گرفته تا تغییر در مدل خانها و مصرف غذاهای نادرست که به شدت برای سلامتی ما ضرر دارد و مطمئناً همه این ها با توطئه غرب و استکبار وارد فرهنگ ما شده تا به فرهنگ غنی ما لطمه بزند.

حال ما را چه شده است؟! ما به عنوان شیعه علوی در این زمان که به ناموس شیعه در سراسر جهان تعدی و ظلم میکنند، هنوز زندهایم. نژادپرستان آمریکایی، زن مسلمان باردار را جلوی فرزند و همسرش در دادگاهی که نماد مبارزه با ظلم است، به قتل می‌رسانند و با سکوت تمام مجامع بینالمللی مواجه میشوند و ما مسلمانان هنوز زندهایم و به زندگی خود ادامه میدهیم درحالیکه وقتی حضرت علی علیه السلام شنیدند که خلخال از پای زنی یهودی باز کرده‌اند، فرمودند: «اگر مردی به خاطر این اتفاق جان دهد، رواست.» کودکان بیگناه را میکشند و ما هیچ دردی حس نمیکنیم حتی یک

ص: ۳۸

لحظه خود را جای مادران و پدران آن‌ها نمیگذاریم. آیا زنان سوریه، عراق، فلسطین و لبنان ناموس ما نیستند؟

آیا کودکان غزه، لبنان، سوریه و عراق را که بیگناه کشته میشوند، کودکان خود نمیدانیم؟

آیا ذبح شدن مردان را در سوریه و عراق میبینیم و هنوز شب، راحت سر بر بالین میگذاریم؟

آیا محاصره، گرفتاری، جنگ و خونریزی، قحطی و بیآبی در یمن را نمیبینیم که هر روز نهادهای بینالمللی در مورد وقوع فاجعه انسانی در این مناطق هشدار میدهند و ما هنوز آب و غذا به راحتی از گلویمان پایین میروند؟

آیا هنوز دردی حس نمیکنیم؟

آیا منتظر وضعی به مراتب بدتر از این هستیم؟

چرا این وضعیت را بدترین وضع نمیدانیم؟

اگر باور نکنیم که این وضع بدترین وضعیت ممکن در جهان است، به ناچار وضعی ناگوارتر برایمان رقم خواهد خورد.

آیا هنوز نیاز به امام زمان عجل الله و منجی و نجاتبخش جهان را حس نکرده‌ایم؟ آیا نمیدانیم این اتفاقات ناگوار که در جهان رخ میدهد، شاید دلیلش این

باشد که زمان آن دیر شده است و خداوند می‌خواهد به مردم بفهماند که تنها راه چاره، ظهور ولیّ شماس است.

ای شیعیانی که در ایران زندگی میکنید و به مدد انقلاب اسلامی و به برکت خون شهدای عزیزمان در امنیت و آرامش به سر میبرید و این جنگ و خونریزی، قحطی، تجاوز و ویرانی را که در کشورهای منطقه رخ میدهد، درک نمیکنید! ای کاش به این فکر می‌کردید که همه این اتفاقات جلوی چشمان عزیز زهرا عجل الله رخ می‌دهند. او با چشمان خویش میبیند که شیعیانش را سر میبرند، سربازانش شهید میشوند و دختران و زنان مسلمان و شیعه مورد تجاوز و تعدی قرار میگیرند.

ما درک نمیکنیم چه سخت است که امام جامعهای این اتفاقات را ببیند و نتواند کاری کند. ما میدانیم که امام زمان عجل الله چه دردی میکشند. رنجهای مردم، قلب امام را به درد میآورد. هر حقی که از فرزندان ایشان توسط ظالمی ضایع شود، حضرت را آزرده می‌کند. امام زمان عجل الله بر همه چیز واقف و عالمنده. ایشان از تمامی گرفتاریهای ما چه آنهایی که خود میدانیم و چه آنهایی که از وجودشان بیخبریم،

ص: ۴۰

آگاه هستند و به سبب آن‌ها غصه‌دار میشوند. وقتی کسی از نظر روحی تحت فشار و ناراحتی شدید باشد، جسمش نیز ضعیف میشود، لذا این همه رنجی که روح امام عصر عجل الله را می‌آزارد، ممکن است جسم ایشان را هم تحت تأثیر قرار داده و بیمارشان کند؛ بنابراین دعا برای سلامتی و فرج امام زمان عجل الله نه تنها امری بیهوده نیست بلکه کاملاً عقلانی است.

و او همچنان منتظر ماست.

منتظر ما که او را بخواهیم تا برای نجات بشر بیاید و داد مظلومان را از مستکبران بگیرد و امنیت و آسایش واقعی را برایمان به ارمغان آورد. حداقل او را برای نجات خود و دنیایمان بخواهیم؛ چرا که هنوز باور نداریم که این زندگی، آن زندگی واقعی نیست که باید داشته باشیم؛ چرا که زندگی، امنیت، آسایش و رفاه واقعی، همه در سایه ظهور امام زمان عجل الله برایمان رقم می‌خورد. او را برای رهاییمان از بند گناه و معصیت بخواهیم؛ چرا که نمیدانیم بسیاری از گناهان ما به خاطر این است که اماممان بالای سرمان نیست.

آیا هنوز هم اضطراب به امام زمان عجل الله در وجودمان شعله ندوانده و آن را حس نکرده‌ایم؟!

فصل سوم: تعریف استغاثه و مراحل وصول به آن

تعریف استغاثه و مراحل وصول به آن

استغاثه در لغت

واژه استغاثه، مصدر باب استفعال از ریشه «غ-و-ث» به معنای طلب نصرت و فریادرسخواهی و استمداد در حال شدت و محنت است. «غوث» در اصل، نجات دادن از ابتلا و محنت و قرار دادن شخص در پناه خود است. از این دیدگاه، با دو قید «نجات دادن و در پناه خود قرار دادن» فرق میان اغاثه و انقاذ (نجات دادن)، تخلیص (آزاد کردن)، اعانه (یاری کردن)، نصر (یاری و کمک)، انجاء (رهاندن) و تفریح (برطرف کردن اندوه) روشن می شود.

لفظ غوث به معنای الغیاث است و الغیاث به معنای امان و پناه بردن ازحالات شدید و گرفتاری های بزرگ و ترس از عذاب به سبب شدت اضطراب و نگرانی و بیم و هراس است. در چنین مواردی شخص ملتجی، کلمه الغوث یا الغیاث را بر زبان می آورد.

کلمه غوث، اسم خاص برای قطب عالم امکان یعنی امام زمان عجل الله است که مخصوص ایشان بوده و دیگری را نمیتوان در آن شرکت داد.

از ریشه غوث، کلماتی در قرآن وجود دارد که از زبان

ص: ۴۳

مؤمن و کافر، طلب کمک و پناه شده و پاسخ خداوند تعالی به این گروه‌ها در اجابت درخواستشان متفاوت است.

حقیقت استغاثه

حقیقت استغاثه که شرط بندگی است، استمداد از خداست؛ زیرا یگانه تأثیرگذار در عالم اوست و اگر از غیر وی (اولیای الهی) کاری ساخته است، به اذن او و به این جهت است که آنان مجاری فیض وی هستند. بر این اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «یگانه حقیقتی که بدان استغاثه می شود، خداوند است.»

عالی ترین نمونه ی دعا و استغاثه را در زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها می توان یافت. در روایات نیز میخوانیم که حضرت زهرا سلام الله علیها شب تا صبح به دعا و عبادت می پرداختند، پس نکته اول، توحید حضرت و کیفیت توحید ایشان است؛ چرا که دعا در اسلام، نشانه عبودیت و بندگی است. بنده باید فقر خود را درک کند، آن هم فقر ذاتی که با هیچ چیز برطرف نمیشود و حتی با وجود ثروت و شرایط مالی مساعد نیز از بین رفتنی نیست. چنان که خداوند می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ) (۱) وقتی شخصی مثل حضرت زهرا سلام الله علیها با آن بزرگی و کمالات و فضائل، دست به دعا بر میدارند (با توجه به اینکه ائمه علیهم السلام برای ما الگو هستند و اول، خود عامل به

ص: ۴۴

سخنان خود هستند) و از عبودیت و کوچکی خود مقابل ذات اقدس خداوند سخن میگویند، ابتدا خودشان آن را به نمایش میگذارند و به ما نشان میدهند که حضرت با آن کمالات و داشته‌های معنوی باز فقیر الی الله هستند.

آخرین آیه سوره فرقان نیز میفرماید: (قُلْ مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ؛ ...) بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگرم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند.) پس به هر میزان که به خدا توجه کنیم و او را بخوانیم، ارزش ما نزد خداوند بالاتر است.

بسیاری از افراد با وجود اینکه شرایط روحی دشواری دارند و به پریشانیها، تنگناها و گرفتاریهای بسیاری دچار شده‌اند، توفیق دعا کردن را پیدا نمیکنند این افراد بنا به گفته پیامبر صلی الله علیه و آله ضعیف ترین افراد هستند. اینان به جای اینکه از خداوند، طلب حاجت کنند، یا به افسردگی و پریشانی کشیده میشوند و یا به صورت خفتبار دست به دامان افراد دیگر و خرافات میشوند ولی قرآن، ما را به خدا دعوت میکند و میفرماید فقرتان را به خدا عرضه کنید. قرآن با این بیان از ما میخواهد که فقرمان را در برابر خدا فراموش نکنیم و منبع روزی خود را در طیف وسیع مادیات و معنویات بشناسیم.

مراحل وصول به استغاثه

اشاره

امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «شیعه دو بیست سال است که در سایه آرمانها پرورده و تربیت میشود.»^(۱) بپتدید، آرمانها قدرت بسیاری در عرصه زندگی انسان دارند؛ استعدادهای آدمی را میپروارند و او را تربیت میکنند. شیعه نیز پیوسته در سایه آرمانهای بلند، به جریان رشد و پرورش خود ادامه داده و اینگونه بار مسئولیت را در گردنهای سخت تاریخی به دوش کشیده و از حرکت باز نایستاده و همیشه به این آرمانها دلگرم بوده است. آرمان جامعه شیعی، تحقق حکومت محمد صلی الله علیه و آله و فرج مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است و تا بندگان خدا و مردم به این غایت نرسند که آرمان جامعه شیعی، تحقق ظهور حضرت مهدی عجل الله است و بر اساس این آرمان تربیت نشوند، بلوغ اجتماعی محقق نمیشود. اگر این بلوغ اجتماعی محقق شود، این آرمان با تلاش شیعیان نه تنها در سطح جامعه شیعی بلکه در سطح جوامع بشری، به دغدغه و گفتمان مسلط زمانه تبدیل خواهد شد.

بنابراین، اساسیترین مسأله در عصر غیبت، بحث بلوغ اجتماعی یعنی قابلیت یافتن بندگان خدا و عموم

۱- «انّ الشیعه تربی بالامانی منذ مأتین سنه». نعمانی، ابیمریم، الغیبه، ص ۲۹۵.

مردم است. این بلوغ اجتماعی دارای شاخصه‌های سه‌گانه زیر می‌باشد: رغبت اجتماعی به دولت کریمه، شکایت اجتماعی از وضعیت موجود و استعانت اجتماعی.

الف) رغبت اجتماعی

در طول تاریخ، بستر جهل آدمی میدان تاخت و تاز شیاطین بوده و او را به خودمحموری و خودپرستی کشانده و از بهره‌ها و هدایتهای آسمانی محروم کرده است. از همین رو، نوعاً به مدلهای حکومت آسمانی و الهی از طریق انبیا و اوصیا تن نداده و همیشه به حکومت‌های ساخته و پرداخته بشری و انسانمحمور تن داده است، به گونه‌ای که از دیکتاتوریت‌ترین تا لیبرالترین الگوهای حکومتی و مدیریتی را تجربه نموده است. اینک این بشر خسته از حکومت‌های غیر الهی آماده است تا از زمینیان و خودپرستان به خداپرستان بپیوندد. همانگونه که امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «دنیا پس از چموشیها و روگردانیهای خود به ما رو میکند، همانند مهربانی ماده شتر ناسازگار بر فرزند خویش»^(۱).

از این رو به دولت کریمه و شاخصه‌های آن می‌اندیشد و با رغبت و شوق، آن را فریاد میزند و حضور امام مهربان را حس میکند و خود را آماده لبیک گویی به

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

ص: ۴۷

او مینماید. این سرآغاز بلوغ اوست که از جلوه‌های لطف او حکایت میکند.

ب) شکایت اجتماعی

انسان تا زمانی که از وضعیت موجود ناراضی نباشد بلکه شیفته آن باشد، هیچگونه تغییر و حرکتی به سوی وضعیت مطلوب نخواهد کرد و این امر، نشانه عدم بلوغ و رشد اوست. اگر جامعهای به بلوغ برسد، به هیچ وجه به وضعیت موجود قانع نخواهد بود و شاکی از آن، برای تحقق وضعیت مطلوب به تلاش و تکاپو میافتد.

از این رو، جوامع بشری پس از تجربه تمامی مدل‌های حکومت بشری، از خود و بافتهای خود خسته میشوند، به آسمان رو میکنند و دست شکایت به سوی هستی‌آفرین میبرند و به درگاه خداوند تضرع مینمایند.

اینگونه زمینهای اضطراب به هستی‌آفرین و حجت او در دل انسان فراهم میشود و جوانه‌های آن سر میزند و به درگاه خداوند شکایت کرده و از دردها و رنجهای خود حکایت میکنند و از فقدان نبی و غیبت ولی شکایت مینمایند. «اللهم إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ بَيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ غَيْبَتِهِ وَ لَيْتِنَا...»؛ خدایا از غیبت امام زمان عجل الله به تو شکایت میکنم... (۱)

۱- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

ص: ۴۸

این همه در سایه درک انتظار و اضطرار به حجت و در صورتی است که با تمام وجود، حس نیاز به حجت خدا و ولی خدا را فریاد بزنند؛ چراکه نیاز، زمینه ساز دعاست و انسان تا به چیزی نیاز پیدا نکند، دعا نمیکند. این خستگی از حکومتها و مکاتب بشری حاکی از آن است که احساس نیاز به حکومت الهی و منجی الهی در بین انسانها زنده شده است.

ج) استعانت اجتماعی

زمانی که انسان نیاز خود را درک کرد و فهمید که بافتهایش کارساز نیست، رو به آسمان میکند و به دنبال سبب متصل بین زمین و آسمان میگردد و فریاد «أَيُّنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ» را سرمیهد. در این هنگام، آخرین مرحله بلوغ اجتماعی که همان استعانت و دعاست، در او جوانه میزند. این دعا و خواستن از هستی‌آفرین، معرفتهای عمیقی را به همراه می‌آورد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. اظهار میل به دولت کریمه و درخواست آن از درگاه الهی

۲. شکایت از وضعیت موجود به درگاه الهی

۳. استعانت و درخواست فتح و گشایش سریع از خداوند متعال

وقتی جوامع بشری به منجی و موعود میل پیدا

کنند و از وضعیت موجود شکایت نمایند و درخواست و استعانت به درگاه او فرمایند، به بلوغ اجتماعی رسیده و از خودمحوری و خودپرستی به خدامحوری و خداپرستی خواهند رسید. از آنجا که عبودیت، غایت آفرینش و نهایت رشد و بلوغ انسانهاست، با دعا که مغز و هسته عبادت است، تجلی مینماید. از این رو، دعا نماد عبودیت و نماد بلوغ است.

دعا از جمله وظایف اساسی و نماد بلوغ بشری به شمار رفته و به آن سفارش جدی میشود، زیرا بشر به این بلوغ رسیده است که «خداوندا تو وجود خود را به بینایی از همه خلق ستوده‌های و تو به بینایی از ایشان شایسته‌های و ایشان را به نیازمندی و فقر نسبت داده‌ای و در واقع آن‌ها سزاوار چنین نسبتی هستند. از این جهت، هر کس رفع نیاز خود را از جانب تو بخواهد و برگرداندن فقر را از خویشتن به وسیله تو طلب کند، حقاً که حاجتش را در جایگاه اصلی خود خواسته و به دنبال مطلبش از راه صحیح برآمده است و هر که در نیاز خود به یکی از آفریدگان تو رو کند، یا او را به جای تو وسیله برآمدن حاجت قرار دهد، بیشک خود را در معرض نومیدی آورده و از جانب تو سزاوار محرومیت از احسان گشته است.» (۱)

ص: ۵۰

قرآن میفرماید: (قُلْ مَا يَعْزِي بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ؛) بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگرم هیچ اعتنایی به شما نمیکند. در حقیقت شما به تکذیب پرداخته‌اید و به زودی [عذاب بر شما] لازم خواهد شد. (۱)

بشر پس از تجربه‌های سنگین و خستگی‌های پیاپی و تکرارهای کور خودمحو‌رانه، رو به درگاه آفریدگار میکند و در این راستا، به «سبیل‌الله»، «صراط»، «وجه الله» و «ب‌الله» که همانا امام حی و حاضر در این زمان است، رو میکند؛ همچنان که فرموده‌اند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ» (۲)؛ سلام بر آن راه الهی که سلوک بر غیر آن با هلاکت همراه است؛ یعنی سلام بر تنها راه هدایت.

«أَيْنَ يَأْبُ اللَّهُ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ» (۳)؛ کجاست آن باب الهی که از آن درگاه وارد میشوند؟ کجاست آن وجه الهی که دوستان خدا به سوی او روی می‌آورند؟

«أنتم الصراط الاقوم» (۴)؛ شماید آن راه پایدار و استوار

۱- فرقان: ۷۷.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۳- دعای ندبه.

۴- زیارت جامعه کبیره.

ص: ۵۱

از همین رو، ما در جهتگیری «توجهنا» و همراهی «و استشفعنا» و اتخاذ وسیله به سوی خداوند «و توسلنا بک إلی الله» فقط به شما خاندان پاکان هستی روی می‌آوریم.

اینگونه است که ما با رشته اتصال شما پاکان هستی، در دعا، نماز، روزه، استغفار و سایر اعمال خویش از افتادن در خطا مصون و محفوظ میمانیم و دچار اشتباه نمی‌شویم؛ «و عصمتنا بکم لدعائنا و صلاتنا و استغفارنا و سائر اعمالنا» (۱)

شاخصه‌های بلوغ اجتماعی وقتی معنا می‌یابند و اثربخش می‌شوند که در بستر اجتماعی تجلی یابند، همچنان که در توفیق شریف حضرت عجل الله به شیخ مفید آمده است:

«اگر شیعیان ما که خداوند آن‌ها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد، در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتخاذ می‌داشتند و آن‌ها را محترم می‌شمردند، سعادت دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و هرچه زودتر به سعادت دیدار ما نایل می‌شدند، در صورتی که بر اساس معرفت واقعی و راستگویی و صداقت آن‌ها به ما باشد.» (۲)

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۳۶.

۲- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

ص: ۵۲

بر این اساس، آنچه سعادت دیدار و ظهورش را به تعجیل و تأخیر میاندازد، بود و نبود اجتماع قلبی مردم است که بر معرفت و صداقت امام زمان عجل الله مبتنی است.

همانگونه که امام هادی علیه السلام فرموده‌اند:

« اگر در روزگار غیبت قائم علیه السلام عالمانی نبودند که ظهور و فرج او را یاد کنند و مردم را به سوی او راه نمایند و از دین او، با استدلالهای محکم، به دفاع برخیزند و کسانی را که ایمان سستی دارند، از تور ابلیس و پیروانش و از شکار ناصیبان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام رهایی بخشند، هیچکس باقی نمیماند، مگر آنکه راه ارتداد پیش می‌گرفت، ولی آنان زمام دلهای شیعیان را در دست می‌گیرند؛ چونان ناخدای کشتی، سکان کشتی را. اینان نزد خداوند عز و جل افضل و برترین مردم هستند.» (۱)

بدین سان، جامعه به فرهیختگان و اندیشهورزان فهیمی نیازمند است که اینگونه مسؤولیت بلوغ جامعه را بر دوش کشند و از حریم دین و امامت پاسداری نمایند؛ چراکه همه ناکامی‌های بشر از نابالغی او سرچشمه می‌گیرد.

تمامی تلاشهای عالمان دینی رنگ و بوی زمینسازی دارد و بر آن هستند که آستانه درک و بلوغ مردم را در مورد اضطراب به حجت الهی بالا ببرند. این آرمان

۱- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

ص: ۵۳

پیوسته فقها از جمله حضرت امام راحل (ره) بوده است تا با ایجاد نظام اسلامی، بسترهای فعال رشد و بلوغ اجتماعی را در جهان فراهم کنند و با توجه به آرمانهای پیوسته بشر، رشد شاخصه‌های بلوغ اجتماعی (رغبت، شکایت و استعانت اجتماعی) را نظاره نمایند و نجوای (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ)... (۱) و «این بقیه الله التي لاتخلو من العتره الهادیه» را زمزمه کنند.

مراحل بلوغ اجتماعی:

رغبت اجتماعی -- شکایت اجتماعی -- استعانت اجتماعی

۱- نمل: ۶۲.

ص: ۵۴

نتیجه:

دانستیم که استغاثه، شرط بندگی و استمداد از خداوند است و اگر انسان در گرفتاریها و شرایط ناگوار روحی حتی توفیق استغاثه به درگاه خدا را هم نیابد، ضعیفترین انسانهاست. اکنون که گاه فشار شدائد زمان بر قلب شیعه سنگینی می کند، باید اندیشه حیات طیبه حکومت حضرت مهدی عجل الله بر بستر جهلمان فائق آید و تلاش و تکاپو برای تغییر وضعیت موجود حاصل شود.

آری شکایت جمعی و همگانی ما به سمت باریتعالی، قدم دوم وصول به قله استغاثه است و قدم سوم، زیر پانهادن خودمحوریهاست تا دست نیاز همه بشریت به جلالمتین و سبب اتصال بین آسمان و زمین چنگ بزند و با استعانت از الله، بقیه الله را بخواهد و همین است سِرِّ ظهور (قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ)... (۱)

۱- فرقان: ۷۷.

ص: ۵۶

فصل چهارم: اهداف استغاثه

اهداف استغاثه

اشاره

بعد از تعریف و تبیین استغاثه لازم است بدانیم که استغاثه به چه منظور و هدفی انجام میگیرد. برای رسیدن به این مطلوب، به محضر آیات و روایات شریفه رفته، هدف از استغاثه را در پنج محور کلی سامان داده‌ایم.

رفع ظلم

استغاثه قوم بنیاسرائیل از ظلم فراعنه

گاهی افراد، مظلوم واقع میشوند و برای رفع ظلم، استغاثه میکنند مانند قوم بنیاسرائیل که از شدت ظلم فراعنه به درگاه خدا استغاثه نمودند تا خداوند پیامبرشان را برای نجاتشان بفرستد. امام صادق علیه السلام درباره این حادثه تاریخی چنین فرمودند: «هنگامی که گرفتاری بنیاسرائیل به درازا کشید و ظلم و ستم بر ایشان از هر سوی باریدن گرفت، چهل روز، صبحها به درگاه الهی روی آورده، ضجّه و گریه آغاز نموده و به دعا قیام کردند. پس از آن، دریای رحمت الهی با دعای بنیاسرائیل به خروش آمد و خداوند به حضرت

ص: ۵۷

موسی علیه السلام و هارون وحی فرستاد که با مدد غیبی، بنیاسرائیل را از شرّ فرعون نجات بخشند و ۱۷۰ سال از گرفتاری آن‌ها کاست. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: شما هم اگر مانند بنیاسرائیل به درگاه خدا دعا کنید، خداوند فرج ما را نزدیک خواهد فرمود اما اگر چنین نکنید، این سختی به نهایت مدّتش خواهد رسید.»(۱)

استغاثه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

نمونه تاریخی دیگر از استغاثه به منظور رفع ظلم، استغاثه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در گودال قتلگاه بود، آنجا که فریاد «هَلْ مِنْ ناصِرٍ یَنْصُرُنِی» سر داد تا دشمن را دفع نماید، اما کسی جواب نداد، دوباره استغاثه فرمود که کسی هست مرا از شرّ این دشمنان حفظ کند؟ «هَلْ مِنْ مُعِیْثِ یَغِیْثُنِی» اما باز هم کسی پاسخ نداد. سپس گفت: اگر یاری نمیکنید و پناه نمیدهید، آیا کسی هست که حرم رسول را به او بسپارم تا آن‌ها را به مدینه برگرداند؟ «هَلْ مِنْ ذابِّ یُدْبُّ عَنِ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ» باز هم کسی جواب نداد.

اما اگر همه تاریخ را کنکاش و بررسی کنیم و روایات ناظر به عصر غیبت را مطالعه و تحلیل نماییم،

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

ص: ۵۸

در خواهیم یافت که ظلم و ستم در هیچ دورانی به اندازه دوران غیبت نیست. دوران غیبت که ما اکنون در آن به سر می‌بریم، دوران لبریز از ظلم و ستم و قحطی عدل است و چنین دورانی بسیار سخت و طاقت‌فرساست.

اگر اخبار روز جهان را دنبال نماییم، ندای مظلومان از شدت ظلم ایادی سلطه و استکبار جهانی در گوشه و کنار جهان به گوشمان می‌رسد. مهمترین و بهترین کاری که میتوانیم انجام دهیم، استغاثه برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی عجل الله، منجی جهان و جهانیان از تمام ظلم و ستمهاست؛ چنانکه در دعای ندبه، با اضطرار و ناله ایشان را صدا چنین می‌زنیم: کجاست آنکه برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم مهیا گشته است؟ «أَيْنَ الْمَعِيْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّالِمَةِ»، کجاست آنکه منتظریم پستی و کجیها را به راستی اصلاح کند؟ «أَيْنَ الْمُنتَظِرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعَوَجِ» کجاست آنکه امید داریم اساس ظلم و عدوان را از عالم براندازد؟ «أَيْنَ الْمُزْتَجِي لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ» کجاست درهم شکننده شوکت تجاوزگران؟ «أَيْنَ قَاصِمٌ

ص: ۵۹

شَوْكِهِ الْمُعْتَدِينَ» کجاست آنکه متکبران سرکش عالم را هلاک و نابود میگردانند؟ «أَيْنَ مُبِيدِ الْعُتَاهِ وَالْمَرْدَةِ» تا آنجا که ظهور حضرت را که مساوی برپاشدن عدل در تمام جهان و ریشهکن شدن تمام ظلم و ستمهاست، درخواست کرده و میگوییم: آیا خواهی دید که ما بر گرد تو حلقه زده و تو با سپاه خود، تمام زمین را پر از عدل و داد کرده باشی و به دشمنانت خواری و عذاب چشانده باشی و سرکشان و منکران حق را براندازی و ریشه متکبران عالم و ستمگران جهان را از بیخ برکنی و ریشههای ستمگران را برکنی و ما هم بگوییم: «أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَأْتُمُّ الْمَلَأَ، وَقَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضَ عِدْلًا وَأَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعُتَاهَ وَ جَحَدَهُ الْحَقُّ، وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَشَّتْ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...»

کابوسِ بدی دیده و بیخواب شده***از آتش ظلم و جور بیتاب شده***

از اشک نگاه مردمانش پیداست***این شهر دلش برای تو آب شده

(عالیه محرابی)

رفع سختیها و مصائب

استغاثه حضرت ایوب علیه السلام

گاهی نیز استغاثه، برای رفع سختیها و مصائب انجام می‌گیرد. نمونه بارز این امر، آنجاست که حضرت ایوب علیه السلام به حسادت شیطان گرفتار می‌آید. شیطان گمان میکند که ایوب علیه السلام به سبب نعمات، خدا را سپاس می‌گوید و اگر این نعمات از او باز ستانده شود، دیگر خداوند را شکر نخواهد کرد، اما غافل از اینکه شکر ایوب علیه السلام نه به سبب نعمات بیپایان خدا بود، بلکه از آنجا بود که ایوب علیه السلام پروردگار را سزاوار شکر میدید. پروردگار عالمیان برای آنکه مقام ایوب علیه السلام را به تمام عالم نشان دهد و این ماجرا سندی برای همه رهروان راه حق باشد، به شیطان این اجازه را داد که در زندگی ایوب علیه السلام تصرف کند. ابلیس پس از این اجازه، به سراغ ایوب علیه السلام آمد و اموال و فرزندان او را یکی پس از دیگری نابود کرد، ولی این حوادث دردناک نه تنها از شکر ایوب علیه السلام نکاست بلکه شکر او افزون گردید.

ص: ۶۱

ابلیس از خدا خواست بر گوسفندان و زراعت ایوب علیه السلام مسلط شود، این اجازه به او داده شد. او همه زراعت ایوب علیه السلام را آتش زد و گوسفندان او را نابود کرد ولی ایوب علیه السلام نه تنها ناشکری نکرد، بلکه بر حمد و شکرش افزوده شد. سرانجام شیطان از خدا خواست که بر بدن ایوب علیه السلام مسلط شود و باعث بیماری شدید او گردد. خداوند به او اجازه داد و شیطان آن چنان ایوب علیه السلام را بیمار کرد که از شدت بیماری و جراحی، توان حرکت نداشت، بیآنکه کمترین خللی به عقل و درک او برسد. خلاصه، نعمتها یکی پس از دیگری از ایوب علیه السلام گرفته میشد ولی در مقابل، مقام شکر و سپاس او بالا میرفت. وقتی که شیطان ملعون از صبر و شکیبایی حضرت ایوب علیه السلام به تنگ آمد و در کار او در مانده شد، به سراغ چند تن از اصحاب و پیروان او - که در کوهها به صورت رهبانانی زندگی میکردند- آمده، به آن ها گفت: بیایید به نزد این بنده گرفتار و مبتلا- برویم و از بلا- و گرفتاری او سؤال کنیم. رهبانان سوار بر اسبهای خود شده و به نزد ایوب علیه السلام آمدند و گفتند: ای ایوب! بهتر است گناه خود را که سبب این بلای بیسابقه شده است، به ما خبر دهی؛ زیرا ما ترس آن را داریم

ص: ۶۲

که اگر از خداوند سؤال کنیم، هلاکمان سازد.

ایوب علیه السلام در پاسخ آنان فرمود: «به عزت پروردگرم سوگند، من هرگز غذایی نخوردم جز آنکه یتیمی و ناتوانی با من بود که از آن غذا میخورد و هیچگاه دو کاری که در هر دوی آن ها اطاعت پروردگرم بود، برای من پیش نیامد، جز اینکه آن را که انجامش سختتر بود، انتخاب کردم.»

در این هنگام، جوانی که همراه آنان بود، به آن ها گفت: چه زشت است کار شما که به نزد پیغمبر خدا آمده و او را سرزنش کردید تا جایی که ناچار شد آنچه را از عبادت پروردگار خود پنهان میداشت، آشکار سازد.

امام صادق علیه السلام در توصیف این واقعه میفرماید: «خدای تعالی حضرت ایوب علیه السلام را بی آنکه گناهی داشته باشد، به بلا مبتلا نمود. آن حضرت بر بلا صبر و شکیبایی کرد تا آنکه به سبب آن رنج و محنتها او را سرزنش کردند، در این موقع بود که حضرت ایوب علیه السلام پروردگار خود را چنین خواند... (أَنْتَ مَسْنِي الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ) (۱)؛ پروردگارا! شیطان مرا بسیار اذیت نموده و سخت به رنج و عذاب کشانده است. تو از کرم، نجاتم بخش. پس از خداوند طلب ترحم کرد که او را

۱- ص: ۴۱.

ص: ۶۳

نجات بخشد؛ زیرا برای پیغمبران، صبر در برابر سرزنش و زخم زبان و شماتت مردم، بسیار سخت و دشوار است.

ایوب علیه السلام هنگامی که در شدیدترین گرفتاری، استغاثه نمود و با خدا چنین سخن گفت: (وَإِيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ) (۱)؛ پروردگارا! بدحالی و مشکلات به من رو آورده و تو مهربانترین مهربانان هستی. او نگفت: خدایا تو مرا بیمار کردی و به من رحم کن بلکه با کنایه و اشاره، مقصود را بیان کرد.

طبق روایت دیگر، ایوب علیه السلام همچنان صبر و مقاومت میکرد، حتی از خدا نمیخواست که گرفتاری او را رفع کند، بلکه همان را پسندیده بود که خداوند بر او پسندیده بود، تا این که روزی همسرش، رُحْمَه، از بیرون آمد و غذایی برای ایوب آورد، ایوب علیه السلام از او پرسید: این غذا را از کجا تهیه کردی؟ او در پاسخ گفت: «مقداری از گیسوانم را فروختم و با پول آن، غذا تهیه کردم.» اینجا بود که دل ایوب علیه السلام سخت به درد آمد، چرا که پای ناموس در کار بود. عرض کرد: «خدایا! در برابر همه ناگواریها صبر کردم و این صبر را تو به من عطا فرمودی ولی اینک به من مرحمت کن.» ایوب علیه السلام این سخن را در حالی میگفت که از روی تواضع، خاک بر سر و صورت

ص: ۶۴

خود میریخت، اینجا بود که خداوند درهای رحمت را به رویش گشوده و درهای ناگواری را بر رویش بست. (فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرِّ) ... (۱)؛ ما دعای او را مستجاب کردیم و ناراحتیهایی را که داشت برطرف ساختیم...

استغاثه حضرت یونس علیه السلام

نمونه تاریخی دیگر از استغاثه به منظور رفع بلا و مصیبت، استغاثه حضرت یونس علیه السلام است. حضرت یونس علیه السلام به علت سالها تلاش و تبلیغ در میان قومش و ایمان آوردن تنها دو نفر، بر آن ها خشم گرفت و از میان آن ها بیرون رفت. از آنجا که حضرت یونس علیه السلام مأمور به این کار نبود ولی این کار را کرد و این کارش به منزله ترک اولی بود در حالیکه اولی این بود که بیش از این در میان آن ها بماند و صبر و استقامت به خرج دهد، شاید بیدار شوند و به سوی خدا آیند. سرانجام برای همین ترک اولی، خداوند او را در فشار و تنگنا قرار داد و نهنگ عظیمی او را بلعید. چنانکه قرآن میفرماید: (وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ) (۲)؛ یاد آور

۱- انبیاء: ۸۴

۲- انبیاء: ۸۷

ص: ۶۵

حال یونس را هنگامی که از میان قوم خود خشمگین بیرون رفت و چنین پنداشت که ما هرگز او را در تنگنا قرار نخواهیم داد؛ اما وقتی به کام نهنگ فرو رفت، در آن تاریکیهای دریا و شکم نهنگ فریاد برآورد: خدایا! جز تو معبودی نیست، تو از شرک و شریک و هر عیب و آلودگی، پاک و منزهی و من از ستمکارانم.

و این چنین یونس علیه السلام در شکم ماهی به پروردگار خود استغاثه نمود و خداوند او را اجابت نمود؛ چرا که کار او به قدری سنگین و مشکل بود که خداوند در اینباره فرمود: (فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ) (۱) اگر او از تسبیح کنندگان نبود، لَلْبَثُ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ) (۲)؛ تا روز قیامت در شکم ماهی زندانی بود. یعنی اگر حضرت یونس علیه السلام برای رفع سختی و مصیبتی که بدان دچار شده بود، دعا و استغاثه نمیکرد، تا آخر عمر از آن مصیبت نجات نمیافت ولی لطف خدا شامل حال او شد و دعایش به اجابت رسید و از اندوه نجات یافت؛ زیرا او مؤمن واقعی بود و خداوند مؤمنان راستین را از اندوه میرهاند. (فَأَسِئِدْ تَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ) (۳)

۱- صافات: ۱۴۳

۲- صافات: ۱۴۴

۳- انبیاء: ۸۸

ص: ۶۶

خداوند سبحان از روی لطف و کرم به خلاص و رهایی پیامبر خود بسنده نمی‌کند و اصل را تعمیم می‌دهد برای هر کسی که خداوند سبحان را از روی اخلاص دعا کند و با بیان صریح اعلام می‌کند... (وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ) همچنین همه مؤمنان را نجات می‌دهیم، اگر ما را بخوانند و به ما پناه بیاورند همانگونه که یونس ما را خواند، او را اجابت کردیم تا گمان نرود که خداوند متعال تنها دعای پیامبرانش را اجابت می‌کند. (۱)

استغاثه در دوران غیبت

اگر دقت نماییم، خواهیم فهمید که هیچکدام از این سختیها و مصائب به اندازه سختیهای دوران غیبت نمیرسد. بنابر شهادت روایات و همچنین بنابر مشاهده اتفاقاتی که در عالم در حال رخ دادن است، بیشترین سختیها و گرفتاریها در دوران غیبت واقع میشود. بار دیگر نگاهی به وضعیت جهان می‌اندازیم و برخی از این سختیها و گرفتاریها را از نظر می‌گذرانیم:

کشته شدن هزاران زن و کودک و مرد غیر نظامی و بیگناه پاکستانی و افغانستانی توسط آمریکا و ناتو و مزدورانشان در این کشورها از جمله القائده و طالبان.

۱- تاریخ انبیاء: عبرت های تاریخ از آدم تا خاتم، السوداني، موسی الشیخ جعفر، تاریخ انبیاء: عبرت های تاریخ از آدم تا خاتم، ص ۱۵۶.

ص: ۶۷

قاچاق اعضای بدن کودکان بی گناه افغانی و فلسطینی به بهانه کمک های انسانی و مبارزه با تروریست.

اشغال وحشیانه سوریه توسط گروه های تکفیری تروریستی که به واسطه آل سعود وهابی و حامیانش مانند آمریکا و اسرائیل ایجاد و تقویت می شوند و نابودی بسیاری از زیر ساخت های این کشور و کشته شدن هزاران زن و کودک بی گناه و به اسارت بردن زنان و فروختن آن ها در بازارها به عنوان کنیز.

حمله گروه های تکفیری در عراق و کشته شدن غیر نظامیان و شیعیان این کشور به طرز وحشیانه و تهدید کردن به تخریف حرم های ائمه گرامی، تجاوز و تعدی به نان و ناموس شیعه.

سرکوب و فشارهای زیاد آل خلیفه و آل سعود بر شیعیان بحرین.

حمله وحشیانه آل سعود به یمن و نابود کردن تمام زیر ساخت های عمرانی و غیر نظامی این کشور و نسل کشی شیعیان یمنی. محاصره این کشور، نقض چندین باره آتش بس و اجازه ندادن به ورود کمک های بشر دوستانه به این کشور، قحطی و کمبود غذا و دارو و آب.

جدا از جنایت های نیروهای تکفیری از جمله اعدام،

ص: ۶۸

سر بریدن، قطعه قطعه کردن بدن، دست بریدن، زنده به گور کردن، آتش زدن و دیگر جنایت‌های گوناگونی که نیروهای تروریستی علیه مردم مرتکب می‌شوند، رفتارها و اقدامات غیر اخلاقی نیروهای این گروهک‌های تروریستی نیز به نوبه خود پرونده‌ای متفاوت برای این گروهک‌های تکفیری به وجود آورده است.

پرونده اینگروهک‌های تروریستی در زمینه‌های جنسی و غیر اخلاقی بسیار است از جمله جهان نکاح، جهاد لواط، جهاد با محارم، فروش زنان به عنوان برده و کنیز و ... این گروه‌های تکفیری با اینکه داعیه اسلام و ایمان دارند اما حتی قوانین اسلامی را هم رعایت نمی‌کنند، بلکه احکام دینی را به نفع خود تغییر می‌دهند.

سرکوب معترضان در آمریکا و اروپا

تبعیض نژادی و نژادپرستی در آمریکا و کشتن سیاهپوستان و رنگینپوستان بیگناه حتی توسط پلیس این کشور.

سیلها و طوفانهای پی در پی و زلزلههایی که هر روز گوشه‌های از این جهان را در بر میگیرد و افراد زیادی کشته میشوند و...

همین است که در ادعیه ناظر به امام مهدی عجل الله

ص: ۶۹

اقرار میکنیم که بلا- و مصائب ما در دوران غیبت، بزرگ و عظیم شده و تنها ظهور و فرج حضرت حجت عجل الله راه نجات ما از این سختیهاست. «اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ وَانْكَشَفَ الْعِطَاءُ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ بِمَا وَسَعَتِ السَّمَاءُ وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ الْمُشْتَكِي... وَ عَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ» (۱) سختیها و شداید دوران غیبت، ما را بیچاره میکند و غم و غصه را بر دل ما حاکم مینماید و بیچارگی و غم و غصه ما تنها با ظهور منجی عالم بشریت، حجه‌بنا الحسن العسکری عجل الله، تمام شده و از بین میرود همانطور که در دعای عهد با ندبه و استغاثه، ظهور ایشان را که پایانبخش بیچارگی و غم و غصه‌هاست، از خداوند طلب مینماییم و میگوییم: «وَازْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ...»

(۲)

هدایت

یکی از موارد استغاثه برای هدایت، در قرآن آنجاست که پدر و مادری برای هدایت فرزندشان که به خدا و روز معاد ایمان نداشت، به درگاه خدا استغاثه کردند تا فرزندشان هدایت شود و ایمان آورد.

۱- مفاتیح الجنان، نماز حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

ص: ۷۰

سوره مبارکه احقاف، وضع انسانی را ذکر میکند که به خدا و رسول و مسأله معاد کفر میورزد، دعوت پدر و مادرش را رد میکند و با آن‌ها بدرفتاری کرده و میگوید: «اف بر شما! تا کی مرا میترسانید از اینکه دوباره زنده شوم؟ این همه مردم در گذشته مردند، کدامشان باز گشتند؟» این سخن او در حکم حجتی علیه معاد است، غافل از اینکه وعده خدای سبحان این نیست که بعضی از مردگان در دنیا زنده شوند بلکه زنده شدن مردگان به طور دسته جمعی، در آخرت است نه در دنیا.

وقتی پدر و مادرش این سخنان را از او میشنوند، از روی اضطرار به درگاه خدا پناه میبرند و از او میخواهند که فرزندشان را هدایت کند و برای هدایت فرزند، به او میگویند: «وای بر تو! به خدا و رسولش و وعده معاد ایمان بیاور و مطمئن باش که وعده معاد که خدا توسط پیامبرانش داده، به حق است و تخلف نمپذیرد.» اما او به آن‌ها میگوید: «این وعده‌ها و تهدیدهایی که مرا با آن می ترسانید، چیزی جز خرافات مردم گذشته نیست.» (۱)

۱- (وَالَّذِي قَالَ لَوْلَا إِلَهُي لَمَنْعَنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَكْبِرُونَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ) (احقاف: ۱۷)

ص: ۷۱

داستان انار

یکی از نمونه‌های استغاثه به منظور هدایت در دوران غیبت، داستان انار است. در این واقعه، علمای شیعه برای اثبات حقانیت مکتب شیعه و اثبات خلافت بلافصل امام علی علیه السلام سه شب به امام زمان عجل الله استغاثه کردند تا بالاخره شب سوم، امام زمان عجل الله مکر و نیرنگ دشمنان اهل بیت علیهم السلام را آشکار کرد و همه به حقانیت مکتب شیعه پی بردند. اگر این استغاثه به امام مهدی عجل الله اتفاق نمیافتاد، عده کثیری از مردم در عقیده خود به مکتب شیعه متزلزل میشدند. (۱)

نمونه مذکور، نمونه کوچکی از استغاثه به منظور هدایت است. از آنجا که بیشترین گمراهیها و جریانهای انحرافی و باطل در دوران غیبت سربرمیآورند، بیشترین نیاز به هدایت در این زمان احساس میشود و تنها با ظهور امام مهدی عجل الله است که این گمراهیها و انحرافات ریشهکن میگردد. او کاملترین و جامعترین هدایت را میآورد و او یاریدهنده دین خدا و مفسر احکام اوست؛ همانطور که در دعای شریف ندبه با اضطرار و ناله او را خوانده و میگوییم: «أَيْنَ الْمُدَّخِرُ

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۷.

ص: ۷۲

لِتَجْدِيدِ الْفَرَايِضِ وَالسُّنَنِ؛ کجاست آنکه برای تجدید واجبات و مستحبات ذخیره شده؟ «أَيُّنَ الْمُتَحَيَّرِ لِإِعَادَةِ الْمَلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ»؛ کجاست آنکه برای برگرداندن آیین و شریعت مقدس اسلام اختیار شده؟ «أَيُّنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ»؛ کجاست آنکه آرزومندیم کتاب آسمانی قرآن و حدود آن را احیا سازد؟ «أَيُّنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ»؛ کجاست آنکه نشانه های دین و اهل دین را زنده می گرداند؟ «أَيُّنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّْ وَالشُّقَاقِ»؛ کجاست آنکه شاخه های گمراهی و دشمنی و عناد را از زمین برمی کند؟ «أَيُّنَ طَامِسُ آثَارِ الرِّبِّغِ وَالْأَهْوَاءِ»؛ کجاست آنکه آثار اندیشه باطل و هواهای نفسانی را محو و نابود میسازد؟ «أَيُّنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ»؛ کجاست آنکه ریسمانهای دروغ و افتراء را از ریشه قطع می کند؟ «أَيُّنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضَلِيلِ وَالْإِلْحَادِ»؛ کجاست آنکه مردم معاند با حق و گمراهکننده خلق را ریشهکن می کند؟ «أَيُّنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى»؛ کجاست آنکه مردم را بر وحدت کلمه تقوی و دین گرد می آورد؟ «أَيُّنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِئُ رَايَةِ الْهُدَى»؛ کجاست صاحب روز فتح و ناشر پرچم هدایت در جهان؟ «أَيُّنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ»

ص: ۷۳

وَالرُّضَا؛ کجاست آنکه پریشانیهای خلق را جمع و دلها را خشنود میسازد؟ «أَيُّنَ صِدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»؛ کجاست بهترین مخلوقات که صاحب نیکی و پرهیزگاری است؟ همچنین در زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله چنین به حضرت سلام می‌دهیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ...»؛ سلام بر تو ای خلیفه الهی و یاریدهنده دین خدا، سلام بر تو ای حجت خدا بر خلق عالم و راهنمای بندگان به مقاصد الهی، سلام ما بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و مفسر و مبین حقایق آن.

و بنا بر فرموده آیت‌الله بهجت (ره) ما در دریای زندگی در معرض غرق شدن هستیم، دستگیری ولی لازم است تا سالم به مقصد برسیم. باید به ولی عصر عجل الله استغاثه کنیم که مسیر را روشن سازد و ما را تا مقصد همراه خود ببرد.

برگرد و چراغ ماه را روشن کن***تکلیف شب سیاه را روشن کن

این جاده پراز همهمه تاریکی است***برخیز و چراغ راه را روشن کن

(عالیه محرابی)

ص: ۷۴

نصرت

قرآن، نصرت الهی را حقی میدانند که خداوند بر خود لازم کرده است، آنجا که میفرماید... (وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصِيرُ الْمُؤْمِنِينَ) یعنی یاری مؤمنان بر ما لازم است. یا در جای دیگری می فرماید: «ما هود و مؤمنین را نجات دادیم...» (۱)

استغاثه حضرت نوح علیه السلام

یکی از موارد استغاثه برای نصرت الهی، استغاثه حضرت نوح علیه السلام است. حضرت نوح علیه السلام مبارزات زیادی با قوم بتپرست مینمود، آن‌ها را به خدا میخواند، نصیحت و موعظه میکرد و از عذاب خدا میترساند، اما هیچ یک از این‌ها در این قوم تأثیری نداشت. بالاخره صبر حضرت لبریز شد و در حق آنان نفرین نمود و به خداوند عرض کرد: «پروردگارا! این قوم، مستحق عذابند، دل‌هایشان سیاه شده و لیاقت دیدن جمال محبوب و معبود حقیقی را ندارند. من تمام حجت‌های خود را بر آن‌ها خواندم، اما کوچکترین اثری در دل سنگ آن‌ها نکرد. خدایا! به فریاد من برس که این قوم به من

۱- «و لما جاء أمرنا نجینا هودا و الذین آمنوا معه...» (هود ۵۸)

ص: ۷۵

سخت بدین شده‌اند و اذیت میکنند. بر آن‌ها عذاب بفرست و احدی از آنان را روی زمین زنده نگذار.» (۱)

بعد از آنکه نوح علیه السلام سالهای پیاپی مردم را دعوت کرد، جز گروهی اندک کسی ایمان نیاورد. خداوند به او فرمود: «جز کسانی که ایمان آورده‌اند، کس دیگری از قوم تو ایمان نخواهد آورد.» (۲) نوح علیه السلام در نفرین خود که نشان از یأس او نیز دارد، میگوید: «از اینان جز کافر فاجر متولد نخواهد شد.» (۳) عذاب نازل شد و در این هنگام حضرت نوح علیه السلام در برابر قومش که منکر رسالت الهی او بودند، به درگاه خدا استغاثه و تقاضای کمک و پیروزی کرد: (وَنوحًا اذ نادى مِن قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَاَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ) (۴)

از عبارت «الْكَرْبِ الْعَظِيمِ» این برداشت می‌شود که ندای نوح علیه السلام ندای عادی و عاری از استغاثه نبوده است. (فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ) (۵) او به درگاه پروردگار عرضه داشت: «من مغلوب این قوم طغیانگر شده‌ام، انتقام مرا از آن‌ها بگیر.»

۱- محمدی اشتهاردی، محمد، قصه‌های قرآن، ص ۱۲.

۲- (وَأوحى إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ) (هود: ۳۶).

۳- (إِنَّكَ إِن تَذَرُهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا) (نوح: ۲۷).

۴- انبیاء: ۷۶

۵- قمر: ۱۰.

ص: ۷۶

استغاثه های حضرت نوح علیه السلام سرانجام نتیجه بخشید و خداوند، وی را بر قومی که منکر رسالتش بودند، با غرق کردن آن ها پیروز کرد.

استغاثه مسلمانان در جنگ بدر

نمونه بارز استغاثه به منظور نصرت، استغاثه مسلمانان در جنگ بدر بود. قرآن کریم این حادثه بزرگ تاریخی را یاد کرده و میفرماید: (إِذِ تَسْتَعِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ) (۱) به خاطر بیاورید هنگامی را که در روز بدر از شر دشمنان به خداوند پناه بردید و از او درخواست کردید که شما را یاری کند؛ زیرا تعداد شما کم و تعداد آن ها بسیار بود. آن روز چاره ای نداشتید جز اینکه به درگاه خداوند استغاثه کنید و از او بخواهید که شما را کمک و از شر دشمن خلاص کند. خدا نیز جواب طلب یاری آن ها را داد و در این جنگ نابرابر، سپاه اسلام پیروز شد.

در تفسیر مجمع البیان، ابن عباس در توضیح این آیه شریفه میگوید: در روز بدر هنگامی که مردم صف کشیدند، ابوجهل گفت: خدایا! هر کدام از ما را که به یاری و کمک و نصرت سزاوارتریم، یاری کن. مسلمانان استغاثه کردند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به کثرت

ص: ۷۷

جمعیت دشمن نگرست، رو به قبله ایستاد و گفت: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ آتِ مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنَّ تَهْلِكَ هَذِهِ الْعِصَابَةُ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ لَا تُعِيدُ فِي الْأَرْضِ»؛ پروردگارا! وعده‌های را که به من داده‌ای، تحقق بخش. خداوندا! اگر این گروه مؤمنان نابود شوند، پرستش تو از روی زمین برچیده خواهد شد. آنقدر پیامبر صلی الله علیه و آله به این دعا و استغاثه ادامه دادند و تکرار کردند که عبا از دوششان به زمین افتاد. در این وقت این آیه نازل شد و پروردگار، جبرئیل را با هزار ملک فرستاد و او شیطان را راند و مسلمانان را کمک کرد به طوری که کفار ضرب دست آن‌ها را احساس می‌کردند.

دوران غیبت که اکنون در آن به سر می‌بریم، دوران جنگ و زورگویی حکومت‌های ظالم و سلطه‌گر بر ملت‌های مظلوم و مستضعف است.

از آنجا که حکومت‌های باطل با تکیه بر قدرت مالی و زورگویی، بر جهان مسلط شده‌اند، هر روزه در گوشه و کنار جهان شاهد جنگ و درگیری هستیم.

تنها راه‌هایی مستضعفین و مظلومین از چنگال حکومت‌های جائر و ستمگر، ظهور حضرت مهدی عجل الله و برقراری حکومت واحد عدل جهانی است؛ پس بزرگترین و برترین کاری

ص: ۷۸

که می‌توانیم برای رهایی مظلومین از این جنگ‌ها و درگیری‌ها انجام دهیم، استغاثه برای ظهور هرچه زودتر حضرت بقیه‌الله عجل الله است؛ تنها با ظهور حضرت است که دشمنان اسلام و انسانیت ذلیل و خوار شده و محبت خدا و اهل بیت عصمت علیهم السلام به جایگاه واقعی خود میرسند، همانطور که در دعای ندبه، ایشان را چنین خطاب میکنیم: «أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدِلِّ الْأَعْدَاءِ».

لازم به تذکر است که نصرت الهی به شکل اتم و اکمل در زمان ظهور اتفاق میافتد. صحنه ظهور، صحنه کاملترین و جامعترین انزال کمکهای الهی است، در حالی که در دوران سایر ائمه علیهم السلام چنین نبوده است؛ مثلاً در زمان حضرت علی علیه السلام همه عوامل دست به دست هم داد تا حضرت خاندان پیشین شوند یا در واقعه عاشورا حوادث زیادی اتفاق افتاد تا کمکها و امدادهایی به امام حسین علیه السلام برسد از جمله حبیب بن مظاهر که یک گروه ۴۰۰ نفره از قبیله خود را برای کمک به حضرت جمع کرد ولی در بین راه، سپاه عمر سعد به گروه حمله کرد و تعدادی را به قتل رساند و بقیه نیز از ترس فرار کردند، هم چنین مختار در بین راه دستگیر شده و نتوانست به کمک امام بیاید، درحالی

ص: ۷۹

که اگر مختار در جنگ حضور مییافت، مطمئناً تأثیر مثبت در سرنوشت جنگ داشت یا قتل هانی بن عروه که خود میتوانست زمینه تصرف کوفه باشد، ولی با حضور عبیداللهبن زیاد ورق برگشت، اما خداوند میخواست امام حسین علیه السلام را کشته ببیند «شاء الله أن یراک قتیلاً» ولی در دوران ظهور، اراده خدا بر اینست که حضرت عجل الله پیروز شوند و حکومت الهی بر روی زمین به طور کامل به دست حضرت تشکیل شود. همانطور که در قرآن کریم اشاره شده، آنجا که میفرماید: (وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) (۱) بنا بر همین اراده الهی، در زمان ظهور همه عوامل به کمک حضرت مهدی عجل الله میآیند. نصرتهای الهی در زمان ظهور بنا بر شهادت روایات، به صورت ایجاد ترس و دلهره در دل دشمنان یا به وسیله مؤمنین یا به واسطه امدادهای غیبی از جمله حادثه خسف بیداء میباشد؛ چراکه اراده خداوند سبحان بر آن است که به هر صورت ممکن ولو با دخالت عوامل غیرطبیعی، از جان امام مهدی عجل الله محافظت نماید.

ظهور منجی

همه استغاثه‌های فوق به شکل اتم و اکمل در استغاثه برای ظهور منجی معنا پیدا میکند. با ظهور امام زمان عجل الله است که ریشه تمام ظلمها کنده میشود. ظهور امام زمان عجل الله مردم را از چنگ ستمگران میرهاند و سایه عدالت را بر همه میگستراند و فقر و بیداد و تبعیض رخت برمیندد و حکومت واحد بر پایه قسط و عدل بر دنیا حاکم میشود. این همان گشایشی است که باید برای تحقق آن، دعا و استغاثه کرد. اگر ظهور امام عصر عجل الله که فرج نامیده میشود، پیش آید، برای مردم جهان به طور عام و برای پیروان اهل بیت علیهم السلام و شیعیان به طور خاص، گشایش و فرج پیش خواهد آمد و آن روزگار، بسیار خجسته و مبارک است. غمهای تاریخ عالم، از فرق شکافته علی علیه السلام تا پهلوی شکسته زهرا سلام الله علیها و داغ شهید کربلا و زخم اسارت زینب کبری سلام الله علیها جز با ظهور حجت خدا عجل الله مداوا نمیشود. بیشترین نصرت در صحنه ظهور است. اجابت تمام و کمال استغاثه و طلب یاری امام حسین علیه السلام در حادثه عاشورا در زمان حضرت مهدی عجل الله واقع میشود اما اگر در استغاثه برای ظهور منجی، کوتاهی و اهمال ورزیم، ممکن است بلایای بیشتری بر جهان و جهانیان وارد آید.

ص: ۸۱

نتیجه

بار الها!

اگر بنیاسرائیل از شدت ظلم به ستوه آمدند و به درگاہت استغاثه نمودند، ما شیعیان عصر غیبت از شرّ دهها فرعون و از ظلم صدها ظالم، تنها از تو طلب یاری میکنیم.

اگر ایوب خالصانه ندای «رَبِّ اَنِّیْ مَسَّنِیَ الضُّرُّ» بر لبانش جاری شد و ظلمات شکم ماهی، لبهای یونس را به (لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ) مترنم ساخت، ما نیز از تاریکیهای این دنیای تنگتر از شکم ماهی، سر بر درگاہت میساییم که «رَبِّ اَنِّیْ مَسَّنِیَ الضُّرُّ»

اگر قرآن با عظمتت از پدری دلسوز میگوید که ناهلی و کفر فرزندش، او را به استغاثه به محضرت کشاند، پدر مهربان ما شیعیان سالهاست برای هدایت ما تنها تورا می خواند....

اگر نوح در دریای «کرب عظیم» تنها از تو طلب نصرت میکرد، ما نیز از فتنههایی که پسر را از پدر و پدر را از پسر جدا میکند، تنها از تو طلب یاری میکنیم.

ص: ۸۲

و خلاصه، بار الها! ریشه همه ظلمها تنها با دستان حیدری خاتم الاوصیا عجل الله خشکانده خواهد ش؛ پس ملالی نیست جز دوری روی ماه او...

فصل پنجم: برای چه کسی استغاثه کنیم؟

استغاثه برای چه کسی؟

به طور کلی استغاثه میتواند برای خود، دیگران و امام زمان عجل الله انجام گیرد. گاه ما برای خودمان استغاثه میکنیم؛ مانند حضرت ایوب علیه السلام و حضرت یونس علیه السلام که در دام سختیها و مصائب گرفتار شده بودند و برای رهایی از سختیها و مصائب خود به درگاه خدا استغاثه کردند. حضرت نوح علیه السلام نیز هنگام گرفتار شدن به طوفان و در برابر قومش که منکر رسالت الهی او بودند، به درگاه خدا استغاثه و برای خود، تقاضای کمک و پیروزی کردند و خداوند استغاثه ایشان را اجابت نمود.

همچنین هرگاه بندگان در زندگی شخصی دچار گرفتاری و بلای سخت میشوند و هیچ چاره‌ای برای رفع آن نمیابند، سرانجام بالفطره رو به درگاه رب‌العالمین می‌آورند و برای رفع گرفتاری خود به پروردگار عظیم و قادر استغاثه میکنند؛ چراکه در این زمان، انسان درمیابد که تنها خدا و اولیای الهی که واسطه فیض بین خدا و بندگان هستند، میتوانند این دستهای افتاده و ناتوان را بگیرند و در پناه حمایت خویش ازبندگان، رفع گرفتاری نمایند.

ص: ۸۵

گاه برای دیگران از جمله اعضای خانواده، همسایه، قوم و در نهایت برای تمام امت استغاثه میکنیم. این استغاثه میتواند به منظور رفع ظلم از مظلوم، رفع سختی و مصیبت از فرد مصیبتزده، طلب هدایت برای فرد گمراه یا طلب نصرت و پیروزی برای رزمندگان اسلام انجام گیرد. نمونه خاص و بارز استغاثه برای دیگران در روایات شریفه، استغاثه به طالب خون حسین(ع)، امام زمان عجل الله است که برای خونخواهی حسین علیه السلام خواهد آمد. « أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ .»

همچنین نمود عینی استغاثه در زمان حاضر، استغاثه برای رفع ظلم و نجات و نصرت مسلمین و مظلومین از ظلم و سلطه ایادی استکبار جهانی است که این امر، جز با ظهور امام مهدی عجل الله به طور کامل تحقق نخواهد یافت.

مورد دیگر و مهمترین استغاثه، استغاثه برای امام زمان عجل الله است؛ چراکه ما در دورانی قرار داریم که بیشترین ظلم در حق مظلومان صورت می گیرد، همچنین بیشترین سختیها و مصائب بر اهل زمین در این عصر وارد میآید و نیز بیشترین گمراهیها و جریانه‌های انحرافی در این زمان سربرمیآورد. از طرفی امام زمان عجل الله

کسی است که واسطه فیض است، بلاها به واسطه او دفع میشود، محور هدایت است، همه ظلمها را از بین میبرد، محور زمین و آسمان است، عامل وحدت جهانی و همدلی در سطح جهان است، عدالت را در زمین پیاده میکند، تمام غمهای امت را از بین میبرد، شادی را برای اهل زمین و آسمان به ارمغان میآورد، اشرف و اتم کائنات است، سبب آرامش، امنیت و نجاتبخش است، طالب خون سیدالشهدا علیه السلام است؛ «أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ»، راه ورود به بارگاه قرب الهی است؛ «أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى»، عزتبخش دوستان خدا و خوارکننده دشمنان حق است؛ «أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ، وَ مُدِلُّ الْأَعْدَاءِ»، احیاکننده کتاب و حدود الهی است؛ «أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُرْدُودِهِ» امام زمان عجل الله مظهر اسماء الله (محل پذیرش اسماء الهی)؛ «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ نَاصِرَ حَقِّهِ»، امام زمان عجل الله راه رسیدن به خدا «دلیل ارادته» امام زمان عجل الله راه رسیدن به کتاب خدا؛ «تالی کتاب الله و ترجمانه» امام زمان عجل الله بهترین شرایط ارتباط با خدا؛ «فی آناء لیلک و اطراف

ص: ۸۷

نهارک» امام زمان عجل الله حقیقت جان هر انسان؛ «یا ميثاقَ الله الَّذی أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ»، امام زمان عجل الله وعده حتی خداوند؛ «یا وَعَدَ الله الَّذی ضَمِنَهُ»، کامل ترین نماز، نماز امام زمان عجل الله است؛ «السَّلَامُ عَلَیْكَ حینَ تَقُومُ» امام زمان عجل الله آینه نمایش توحید؛ «السلام علیک حین تهلل و تکبر». امام زمان عجل الله نمایش کامل ترین حمد و استغفار؛ «حین تحمد و تستغفر»، امام زمان عجل الله حامل اسماء الهی «ایها الإمام المأمون»؛ (امانت دار)

به همین دلیل است که میگوییم مهمترین استغاثه، استغاثه برای امام زمان عجل الله است؛ همه این بلاها، فجایع، مصائب و انحرافات به دلیل عدم حضور امام عجل الله در جامعه است. همین است که در دعای فرج، ملتسمانه از وضعیت جامعه نزد خداوند شکایت میکنیم و فرجش را میخواهیم: «إِلهی عَظُمَ البَلَاءُ وَ بَرِحَ الخُفَاءُ وَ انْكَشَفَ الغُطَاءُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضاقتِ الأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ...» و بدانیم که اگر شیعیان اصرار کنند و ملتسمانه از خداوند ظهور را طلب نمایند، حتماً خبری می شود؛ چرا که به فرموده نبی رحمت صلی الله علیه و آله هر کس دری را بزند و اصرار بورزد، آن در باز می شود. همانطور که برای بنی اسرائیل این

ص: ۸۸

اتفاق افتاد. در زمانی که خداوند به جهاتی بنی اسرائیل را عذاب فرمود، به این ترتیب که به مدت ۴۰۰ سال پیامبری برایشان نفرستاد. ۲۳۰ سال که گذشت، مردم دریافتند که بی‌وجود نبی، از برکت خبری نیست. گرد هم آمدند و شروع به دعای دسته جمعی، آن هم دعای خالصانه و همراه با اشک و ناله کردند. خداوند مهربان فقط به خاطر همین دعاها و خواستنها از ۱۷۰ سال باقی مانده گذشت. همان سال نبی موعودشان آمد و آن‌ها را از ظلم فرعونیان نجات داد. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: « شما هم همینگونه اید. اگر دعا کردید و گریه را همراهش نمودید، فرج حاصل می‌شود و گرنه، نه.»

البته اگر ما هم به این درک برسیم که تمام این بلاها و مصائب به خاطر غیبت امام زمان عجل الله است و برکت تنها با وجود و ظهور امام محقق میشود، رو به درگاه الهی برده و ملتمسانه ظهور حجت حق را از خداوند قادر متعال طلب میکنیم و با این کار، مطمئناً فرج حاصل خواهد شد. همچنان که خود امام مهدی عجل الله نیز در توفیق شریف خود به شیخ مفید فرمودند: «اگر شیعیان ما که خداوند آن‌ها را به طاعت و بندگی خویش

ص: ۸۹

موفق بدارد، در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتخاذ می‌داشتند و آن را محترم می‌شمردند، سعادت دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و هرچه زودتر به سعادت دیدار ما نایل می‌شدند، در صورتی که بر اساس معرفت واقعی و راستگویی و صداقت آنها به ما باشد. (۱)

و مطمئن باشیم که دعا و استغاثه ما در امر فرج و ظهور حضرت اثر دارد؛ چراکه خود خداوند حکیم، انسانها را در زمان ظهور دخیل نموده است و یقیناً دعا و استغاثه ما، زمان ظهور را نزدیک می‌کند. هرچند این امکان نیز وجود دارد که خدای مهربان به برکت دعای خالصانه یکی از بندگان، اذن ظهور امام زمان عجل الله را صادر نماید.

نمونه عینی مؤثر بودن دعا و استغاثه برای امام عجل الله مربوط به زمان امام هادی علیه السلام است، آن هنگام که عبدالرحمان برای دادخواهی از والی اصفهان، به دربار متوکل آمده بود، نزدیک بارگاه متوکل عده زیادی را دید. از مردی، دلیل ازدحام را پرسید. مرد پاسخ داد: متوکل، علی بن محمد را به بارگاه خویش فراخوانده، بعید نیست که این بار قصد جانش را نموده باشد. عبدالرحمان گفت: علی بن محمد کیست؟ مرد پاسخ داد: او از سادات علوی است. رافضیها (شیعیان)

۱- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

ص: ۹۰

امامش میخوانند. به گمانم این بار متوکل دستور قتلش را صادر نموده است. مردم راه را برای سربازان حکومتی که علی بن محمد را با خود می‌آوردند، باز کردند. ابهت امام هادی علیه السلام وجود عبدالرحمان را فراگرفت. تاکنون نه او را دیده بود و نه از او چیزی شنیده بود، اما نمیدانست چرا دلش از محبت او لبریز گشته است. به یاد حرف آن مرد افتاد که گفته بود: این بار متوکل دستور قتلش را صادر نموده است. دلش خالی شد. در دل، برای رهایی امام هادی علیه السلام دعا کرد و از خدا خواست تا شر متوکل از سر امام کم شود. امام هادی علیه السلام همانطور که پیش می‌آمد، نگاهی به عبدالرحمان انداخت. به او که رسید، فرمود: خدا دعایت را مستجاب کرد. به واسطه دعای عبدالرحمان، جان امام در امان ماند و به دنبال این اتفاق، عبدالرحمان به امامت امام هادی علیه السلام که از آنچه در نهانش میگذشت، خبر داشت، اقرار نمود و شیعه شد. (۱)

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۴۲-۱۴۱.

فصل ششم: به چه کسی استغاثه کنیم؟

به چه کسی استغاثه کنیم؟

در این فصل، به شرح این مطلب میپردازیم که برطبق قرآن و روایات به چه کسانی میتوان استغاثه کرد. به طور کلی استغاثه و درخواست کمک و یاری، گاه به صورت مستقیم و بدون واسطه از خداوند متعال انجام میگیرد؛ همانند حضرت ایوب علیه السلام و یونس علیه السلام که برای نجات از بلا و مصیبت خود به خدا استغاثه کردند و یا همانند مسلمانان جنگ بدر که برای طلب نصرت در جنگ، به خود خدا استغاثه نمودند. (۱) همچنین پدر و مادری که برای هدایت فرزند گمراه خود به درگاه خداوند استغاثه کردند. (۲) نیز از این سنخ است. نمونه بارز استغاثه به خداوند، استغاثه حضرت ابراهیم علیه السلام است. ابراهیم علیه السلام از جمله پیامبران موحدی است که در لحظه ابتلا و آزمایش فقط و فقط به درگاه خداوند، استغاثه و طلب یاری کرد. آن هنگام که ابراهیم را در آتش میافکندند، موجودات ملکوتی نگران ایشان بودند. فرشتگان آسمانها گروه

۱- إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبْ لَكُمْ أَنِّي مُّمِدُّكُمْ بِاللَّيْلِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ (انفال: ۹)

۲- وَالَّذِي قَالَ لَوْلَا إِلَهُهُ أَفْ لَكُمْ أَعْدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَكْبِرُونَ اللَّهُ وَيَلِكُ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (احقاف: ۱۷)

ص: ۹۳

گروه به آسمان اول آمدند و از درگاه خدا درخواست نجات ابراهیم علیه السلام را نمودند. جبرئیل به خدا عرض کرد: «خدایا! خلیل تو، ابراهیم، بنده توست و در سراسر زمین کسی جز او تو را نمیپرستد، دشمن بر او چیره شده و میخواهد او را با آتش بسوزاند.» خداوند به جبرئیل خطاب کرد: «ساکت باش! آن بندهای نگران است که مانند تو ترس از دست رفتن فرصت را داشته باشد، ابراهیم علیه السلام بنده من است، اگر خواسته باشم، او را حفظ می‌کنم و اگر دعا کند، دعایش را مستجاب می‌نمایم.»

ابراهیم علیه السلام در میان منجیق لحظهای قبل از پرتاب، خدا را چنین خواند: «یا اللَّهُ یا وَاَحَدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَاَمْ یُولَدْ وَاَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ نَّجِیْ مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ»؛ ای خدای یکتا و بی‌همتا! ای خدای بی‌نیاز که هرگز نزاده و زاده نشد و هرگز شبیه و نظیر ندارد، مرا به لطف و رحمت از این آتش نجات بده. همچنین مطابق برخی از روایات، امام صادق علیه السلام فرمودند: ابراهیم علیه السلام در مناجات خود، انوار پنج تن آل عبا را واسطه قرار داد و گفت: «اللهم انی اسألك بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين...» خدایا!

از درگاہت مسألت می‌نمایم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین مرا حفظ کن! (۱)

جبرئیل در نزد ابراهیم علیه السلام آمد و گفت: «آیا به من نیاز داری؟» ابراهیم علیه السلام گفت: «به تو نیازی ندارم ولی به پروردگار جهان نیاز دارم.» (۲) جبرئیل، انگشتی را در انگشت دست ابراهیم علیه السلام نمود که در آن، چنین نوشته شده بود: «معبودی جز خدای یکتا نیست، محمد رسول خداست، به خدا پناهنده شدم و به او اعتماد کردم و کارم را به او سپردم.» در همین لحظه، فرمان الهی خطاب به آتش صادر شد: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا...» ای آتش! برای ابراهیم علیه السلام سرد و سالم باش. آتش آنچنان خنک شد که دندانهای ابراهیم علیه السلام از سرما به لرزه درآمد. سپس خطاب بعدی خداوند آمد... (وَسَيَلْمًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ) (۳) بر ابراهیم سالم و گوارا باش. آن همه آتش به گلستان سبز و خرم مبدل گشت.

گاهی نیز انسان به غیر خدا استغاثه میکند. در این نوع استغاثه و کمکخواهی چه استغاثه به انسان باشد چه عامل طبیعی، اگر با این عقیده همراه باشد که آن عامل در کمکرسانی و فعل خود از قدرت و نیروی

۱- حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۸.

۲- شیخ صدوق، علل الشرائع، ص ۲۳-۲۴.

۳- انبیاء: ۶۹.

ص: ۹۵

الهی بهره گرفته، باوری عین توحید است؛ زیرا جهان آفرینش، جهان اسباب و مسببات است و فیض الهی از یک سلسله اسباب به انسان میرسد و این اسباب در کار خود، استقلال ندارند بلکه به امر الهی، افعالی انجام میدهند؛ پس بدیهی است که استغاثه به پیامبر، اولیای الهی و ائمه علیهم السلام که واسطه بین بندگان و پروردگار هستند، در واقع استغاثه به ذات مقدس خداوند یگانه و توانا است و هیچگونه تضادی با توحید و یکتاپرستی ندارد. همانطور که خداوند در قرآن کریم میفرماید: «ای کسانی که ایمان آوردهاید! پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله‌های برای تقرب به خدا انتخاب نمایید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.» (۱)

وسيله در آیه فوق، معنای گسترده‌ای دارد و هر کس و هر چیزی را که باعث نزدیک شدن به پروردگار میشود، دربر میگیرد، که مهمترین آن‌ها، پیامبران و امامان و بندگان صالح خدا میباشند.

از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است که هرگاه سختی و گرفتاری به شما روی آورد، به وسیله ما از خدای عزّ و جلّ کمک بخواهید و این است معنی کلام خداوند متعال

۱- (یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیْلَةَ وَجَاهِدُوا فِی سَبِیْلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (مائده: ۳۵).

ص: ۹۶

در قرآن کریم که میفرماید: (وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا) (۱) و نیز خداوند در یک حدیث قدسی به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «عیسی! بعد از گناه به سوی من بازگرد و بخشندگی مرا به توبه کنندگان یادآور شو و به من ایمان بیاور و همراه مؤمنین باش و به آنان دستور بده تا همراه تو مرا بخوانند.» (۲) در این حدیث قدسی نیز خداوند به پیامبر و فرستاده خود تأکید میکند که مؤمنان باید در دعا و استغاثه خود، فرستاده خداوند را واسطه قرار دهند و این کار، دعا را به اجابت نزدیکتر مینماید.

نمونه‌های بسیاری از این نوع وسیله قرار دادن در استغاثه، در تاریخ موجود است که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌نمایم:

یکی از موارد استغاثه در زمان حضور انبیاء، داستان استغاثه یکی از افراد بنیاسرائیل به موسی علیه السلام است، هنگامی که مرد بنیاسرائیلی چشمش به موسی علیه السلام افتاد، از موسی علیه السلام - که جوانی نیرومند و قویپنجه بود - در برابر دشمنش تقاضای کمک کرد. «فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ» گرچه موسی علیه السلام

۱- شیخ مفید، الاختصاص، ص ۵۲.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۸، ص ۱۳۴.

بزرگ شده کاخ فرعون بود ولی مردم مستضعف به خاطر تفکر و منش، او را حامی و رهبر خود می دانستند.

یک نمونه بارز استغاثه به امام زمان عجل الله در دوران غیبت، داستان معروف انار است که شرح آن، چنین می باشد: در قرن هفتم هجری، امیری کینهتوز و مخالف سرسخت شیعه بر بحرین حکومت میکرد که از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بود و وزیری پلیدتر و کینهتوزتر از خود داشت. روزی وزیر، اناری منقش به عبارت «لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، خلفاء رسول الله» نزد امیر آورد. آنها میخواستند با این نشانه، بیاساس بودن مذهب شیعه را اثبات کنند.

آن ها با دعوت علمای شیعه به مجلس خود، از آن ها خواستند یا بطلان ادعای وزیر را اثبات کنند یا به حکومت جزیه پردازند یا حکومت، آن ها را اعدام نموده و اموالشان را به غنیمت میبرد. آن ها سه شب مهلت خواستند و سه نفر از بین ده نفر از پارسایان شیعه را انتخاب نمودند و مقرر شد که هر کدام یکی از شبهای سهگانه را که مهلت گرفته‌اند، به بیابان روی آورد و در تاریکی شب، نیایشگرانه خدای خویش را فراخوانده و حضرت مهدی عجل الله را برای نجات از آن مشکل بزرگ، به فریادرسی بطلبند.

ص: ۹۸

شب نخست، یکی از آنان با قلبی لبریز از ایمان و محبت، به صحرا رفته و به عبادت و نیایش خداوند پرداخت و فریادرس طلبید، اما نه به دیدار حضرت مهدی عجل الله مفتخر گردید و نه برای حل مشکل راهی یافت.

شب دوم نیز مانند شب اول، دیگری رفت و با دست خالی برگشت.

شب سوم و آخرین شب از راه رسید و سومین نفر، محمد بن عیسی که پروا پیشه‌ترین و اندیشمندترین آنان بود، با سر و پای برهنه و چشمانی اشکبار، به بیابان رفته و به دعا و استغاثه و توسل به امام عصر عجل الله پرداخت و او را به فریادرسی خواند. در اوج مناجات و استغاثه متوجه شد که کسی نام او را میبرد و به گرفتاری پیش آمده اشاره میکند، او به اطمینان و اعتقاد راسخ به ایشان میگوید که شما امام مایید و میتوانید این بلا را از ما دور کنید. امام عجل الله حقیقت داستان انار را به طور کامل بیان کرده و میفرماید: محمد بن عیسی! این وزیر کینه‌توز که لعنت خدا بر او باد! در خانهاش درخت اناری دارد. او پس از شکوفه زدن درخت، هنگامی که انارهایش شروع به رشد نمود، قالب مخصوصی از گل،

ص: ۹۹

به صورت انار ساخت و آن را به دو نیم کرد و میان آن را تهی ساخت و در درون هر یک از دو نیم قالب گلی، واژه‌های مورد نظر خویش را تراشید و آنگاه آن قالب را به صورت محکم و حساب شده‌ای بر انار کوچک رو به رشد بست. هنگامی که انار کوچک بزرگ شد، به تدریج پوست ظریف آن در درون آن کلمات جای گرفت و واژه‌های مورد نظر بر پوست انار نگاشته شد.

امام عجل الله به او تذکر میدهند که به همراه امیر به خانه وزیر بروید و به محض ورود به خانه، به سمت راست خود بنگر، اطاقی در آنجاست که دره‌ایش بسته است، بگو: در درون این اطاق، پاسخ خویش را به عرض میرسانم. وزیر از گشودن درب آن اطاق سرباز میزند، اما تو باید اصرار کنی که آنجا گشوده شود و بکوشی همراه وزیر وارد اطاق گردی. هنگامیکه وارد اطاق شدی، بر دیوار آن، کمد کوچکی نصب شده است و در درون آن، کیسه‌های مخصوص قرار دارد. به سوی کیسه برو و آن را بگشا که قالب مخصوص را در درون آن خواهی یافت، قالب را بیاور و انار را در درون آن بگذار، حقیقت روشن خواهد شد.

حضرت مهدی عجل الله ادامه دادند که محمدبن عیسی! پس از آن، با قوت و اعتماد به نفس به امیر بگو که

ص: ۱۰۰

دلیل دیگر بر درستی و حقانیت راه ما و معجزه دیگر امام عصر عجل الله این است که ما از درون انار خبر می‌دهیم و آن این است که اگر شکسته شود، جز دود و خاکستر در آن نیست. اینک اگر می‌خواهید درستی این خبر را بدانید، به وزیر دستور دهید که آن را بشکند. اگر چنین کند، دود و خاکستر درون آن، بر چهره و ریش او خواهد نشست. فردای آن روز، محمد بن عیسی با جدیت تمام، آنطور که امام عصر عجل الله دستور داده بودند، عمل کرد و واقعیت برای همه روشن شد. امیر، شیعه شد و وزیر را اعدام کردند.

نکته مهم این واقعه این است که وقتی محمد بن عیسی از حضرت مهدی عجل الله سؤال کرد که چرا شب اول و دوم عنایت نفرمودید؟ امام پاسخ دادند: «اگر یک شب مهلت می‌خواستید، همان شب به مقصود میرسیدید.» از این فرمایش حضرت عجل الله برمی‌آید که اگر معرفت شیعیان به حدی برسد که همین امشب فرج را بخواهند، ظهور و فرج ایشان واقع خواهد شد.

این یک نمونه از اجابت استغاثه به امام زمان عجل الله در دوران غیبت بود. با این شواهد، این مسأله برای ما روشن میشود که در این دوران سخت و طاقتفرسای

ص: ۱۰۱

غیبت، تنها با استغاثه به امام مهدی عجل الله میتوان از رنجها و غمها رهایی یافت؛ چراکه آن حضرت عجل الله كهف و پناهگاه است، غوث و فریادرس است، گشایشگر رنجهاست، از بین برنده و زداینده غمها و برطرف کننده بلاهاست. اکنون هیچ پناهگاهی محکمتر از او و هیچ فریادرسی دلسوزتر و مهربانتر از او و هیچ گشایشگری تواناتر از او نیست.

در پایان باید اشاره کرد که استغاثه و کمکخواهی از غیر خدا اگر با این اعتقاد همراه باشد که او در فعل و کمکرسانی خود، از خدا بیناز بوده و با استقلال، انسان را یاری میکند، این نوع استغاثه قطعاً شرک است، هرچند استغاثه به اولیای الهی باشد.

ص: ۱۰۲

نتیجه:

... (اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ) (۱) پس با چشمانی اشکبار، سر و پای برهنه، قلب و دلی مضطرب و بیچاره که میدانند مشکل کارش جز به دستان یوسف زهرا عجل الله حل نمیشود، همه با هم با واسطه قرار دادن امام زمان عجل الله به درگاه خدا استغاثه کرده و فرج هرچه زودتر ایشان را از خداوند طلب می نماییم؛ پس بدانیم که اگر جز به دامان ولی الله الاعظم عجل الله چنگ زنیم، به بیراهه رفته‌ایم و تلاشهایمان بر باد است.

۱- مائده: ۳۵.

فصل هفتم: شرایط اجابت استغاثه

شرایط اجابت استغاثه

امام زمان عجل الله از ما خواستهند که برای ظهورشان دعا کنیم، پس ما نیز موظفیم امر ایشان را اطاعت نماییم و دعا برای فرج را در رأس خواسته های خود قراردهیم. اگر چنین کنیم و همچون مصیبت زده ای که بار سنگین دوری از امام و پدرش را به دوش میکشد، با عجز و اضطرار به درگاه الهی دعا کنیم و ناله و ندبه سر دهیم، بدون شک خداوند دعای ما را اجابت خواهد کرد و موانع ظهور به طور چشمگیر و با سرعت برداشته خواهد شد.

امام صادق علیه السلام درباره تأثیر دعای حقیقی در فرج امام زمان عجل الله چنین میفرماید: «خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی فرستاد که ساره به زودی فرزندی میآورد و اولادش، بنیاسرائیل، چهارصد سال گرفتار خواهند شد. وقتی گرفتاری بنیاسرائیل به طول انجامید، چهل صبح رو به درگاه الهی آورده، به گریه و زاری پرداختند. خداوند به موسی و هارون وحی فرستاد که آن ها را از شرّ فرعون نجات دهند و صد و هفتاد سال از چهار صد سال از گرفتاری آنها برداشت.

ص: ۱۰۵

سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: همچنین شما هم اگر مثل بنیاسرائیل به درگاه خداوند به گریه و زاری بپردازید، خداوند فرج ما را نزدیک خواهد کرد اما اگر چنین نباشید، این سختی تا پایان مدتش ادامه خواهد یافت.»

دعا برای حضرت عجل الله باید به تناسب شرایط ایشان و شیعیان‌شان باشد. در این عصر که هم حضرت و هم شیعیانش در سختی و اضطراب قرار دارند؛ لذا دعای ما نیز باید مانند دعای شخص مضطرب باشد نه دعای عادی و رسمی و نه دعایی که فقط لقلقه زبان باشد. دعای ما برای حضرت باید همانند دعای کسی باشد که عزیزترین کسانش گم شده یا گروگان گرفته شده‌اند و خطر مرگ، آن‌ها را تهدید می‌کند. تا مثل بنیاسرائیل با حال اضطراب و از صمیم قلب دعا نکنیم، از دعای راستین دوریم و اجابتی هم در کار نخواهد بود. پس بیاییم همه باهم از صمیم قلب و با توجه به حجم عظیم مصائب خودمان و مردم جهان دعا کنیم. بدانیم علت اینکه امام زمان عجل الله تا به حال ظهور نکرده‌اند، کوتاهی ماست؛ چون به طور جدی برای فرج، استغاثه نکرده‌ایم. نباید بگذاریم زمان بگذرد؛ هرچه ما در استغاثه برای ظهور حضرت کوتاهی و سستی کنیم، وضعیت جهان و مردم لحظه به لحظه

ص: ۱۰۶

سختتر و دشوارتر میشود و ظهور تا آخرین لحظه حیات دنیا به تأخیر میافتد. نگذاریم سرنوشتمان مانند امتهایی شود که نبی خود را تکذیب کردند و عذاب الهی بر آن‌ها نازل شد و آنگاه توبه کردند، اما دیگر توبه و استغاثه سودی برایشان نداشت. «کم أهلكنا من قبلهم من قرن فنادوا ولات حين مناص» (۱)

یا مانند استغاثه دوزخیانی که خروج از جهنم را با ناله از پروردگار خویش درخواست می‌کنند اما درخواستشان اجابت نمیشود «و الذین كفروا لهم نار جهنم لا یقضی علیهم فیموتوا و لا یخفف عنهم من عذابها كذلك نجزی كل كفور»، «و هم یصطرون فیها ربنا أخرجنا نعمل صالحا غیر الذی كنا نعمل أولم نعمر کم ما یتذکر فیہ من تذکر و جاء کم النذیر فذوقوا فما للظالمین من نصیر» (۲) و هیچ یاری و نصرتی با این استغاثه برایشان حاصل نمی‌گردد. «حتی إذا أخذنا مترفیهم بالعذاب إذا هم یجارون»، «لا تجأروا الیوم أنکم منا لا تنصرون» (۳)

نشود هنگامه ظهور و دیدار حضرت، ایشان ما را چنین خطاب کرده و از خود برانند... (: اَحْسُوا فِیْهَا وَلَا تُكَلِّمُوْنَ) (۴)

۱- (ص: ۳).

۲- (فاطر: ۳۶-۳۷).

۳- (مؤمنون: ۶۴-۶۵).

۴- مؤمنون: ۱۰۸.

ص: ۱۰۷

یا مانند فرعون زمانی که بلا بر او نازل شد، به درگاه خدا استغاثه کرد ولی دیگر فایده نداشت؛ چراکه قبل از آن هرچه حضرت موسی و هارون او را دعوت به خدا کردند، اعتنا نکرد و زمانی که پروردگار بلا را نازل کرد، فرعون متوجه اشتباهش شد که دیگر دیر بود.

حال که اهمیت و ضرورت استغاثه برای فرج را درک کردیم، باید شرایطی را فراهم کنیم تا استغاثه همان بهترین ثمره را دربرداشته باشد؛ از جمله مهمترین شرایط استغاثه عبارت است از:

رسیدن به مقام اضطرار

رسیدن به مقام اضطرار بسیار مهم و تعیین کننده است، البته نه اضطرار ظاهری بلکه رسیدن به این نقطه از درک که هیچکس و هیچچیز جز خداوند متعال توانایی حل مشکل را ندارد و تنها خداست که میتواند در این شرایط به من کمک کند. هماهنگی خواسته با دل انسان یعنی واقعاً در هنگام استغاثه، مضطرّ و مستأصل بوده و هیچ امیدی به راههای عادی و اسباب معمولی نداشته باشد. معرفت و اعتقاد به اینکه فریادرسی جز خدای متعال نمیتواند برایم مؤثر باشد، اضطرار فکری و اعتقادی است، در این هنگام این آیه

ص: ۱۰۸

از قرآن شامل حال انسان میشود که فرمود: «چه کسی (جز خدا) دعای شخص مضطرب را اجابت میکند و گرفتاری را برطرف می‌سازد.» (۱)

امام صادق علیه السلام نیز در جواب شخصی که در مورد شناخت خداوند سؤال کرده بود، فرمودند: «آیا شده است که در دریا سوار کشتی باشی و کشتیات گرفتار طوفان شود و بخواهی غرق شوی؟» گفت: بله. امام فرمود: «در آن لحظه آخر آیا به ذهنت خطور نکرد که قدرتی مافوق قدرتهاست و میتواند تو را نجات دهد.» گفت: آری. امام فرمود: «همان قدرت برتر، خداست.» (۲)

مصدق بارز اضطراب حقیقی، شخصی است که در حال غرق شدن در دریاست و در آن زمان آخر به این نتیجه میرسد که دیگر هیچکس نمیتواند به فریاد او برسد مگر قدرت بینظیری که آن هم خداوند متعال است. در آن زمان اگر خدا را بخواند و از او کمک بخواهد، خدای بزرگ هم دعایش را مستجاب میکند و نجاتش میدهد.

(۳)

۱- نمل: ۶۲.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۳، ص ۴۱.

۳- عطائی کوزانی، عنایت، دعا گنجینه عبادت، ص ۱۰۹.

ص: ۱۰۹

ایمان و اعتقاد راسخ به خدای متعال و قدرت بینهایت او در برآوردن خواستههای ما

مؤمن باید یقین کند که اگر حاجتی داشت و آن را از خداوند طلب نمود و دعا کرد، خداوند آن را اجابت میکند و در این صورت حاجتش برآورده میشود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «خدا را بخوانید درحالی که یقین به اجابت دارید و بدانید که خداوند دعای قلب غافل و بیتوجه را مستجاب نمیکند.»^(۱)

اطمینان قلبی به اجابت دعا آن قدر مهم است که بنده باید در هنگام دعا مطمئن به رفع حاجتش باشد و یقین کند که خداوند به او توجه کرده و به محض درخواست او، حاجتش را داده است.^(۲)

در بسیاری از آیاتی که در آن ها از استغاثه سخن به میان آمده، به اجابت آن از سوی خداوند نیز تصریح شده است؛ از جمله آیه ۶۲ نمل که میفرماید:

□
(أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ) ... وَ نِزَآئِهِ... (وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ)^(۳) متضمّن این وعده

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۱.

۲- عطائی کوزانی، عنایت، دعا گنجینه عبادت، ص ۱۴۸.

۳- انبیاء: ۸۸.

ص: ۱۱۰

است که خداوند، استغاثه افراد مضطرب و درمانده را اجابت می‌کند و مؤمنان را از غم و اندوه می‌رهاند.

پس مطمئن باشیم کسانی که با ایمان و اعتماد به خداوند، به او استغاثه کرده و از او طلب یاری مینمایند، حتماً اجابت خواهند شد؛ همانند استغاثه حضرت یوسف (ع)، هنگامی که برادران، او را در میان چاه آویزان کردند، او لبخندی زد. یکی از برادران به نام یهودا گفت: اینجا چه جای خنده است؟ یوسف علیه السلام گفت: روزی در این فکر بودم که چگونه کسی میتواند با من اظهار دشمنی کند، چرا که دارای برادرانی نیرومند هستم ولی اکنون میبینم خود شما بر من مسلط شده‌اید و میخواهید مرا به چاه افکنید، این درسی از جانب خداوند است که نباید هیچ بندهای به غیر خدا تکیه کند. بنابراین خنده من خنده شادی نبود بلکه خنده عبرت بود؛ از این حادثه عبرت گرفتم که باید تنها بر خدا توکل کنم.

از این رو وقتی که یوسف علیه السلام در درون چاه قرار گرفت، از همه چیز دل برید و تنها به خدا دل بست و چنین میگفت: «یا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِحِينَ يَا غَوْثَ الْمُسْتَعِيثِينَ! يَا مُفْرِجَ عَنِ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ! قد تری مکانی و تعرفُ

ص: ۱۱۱

حالی ولا- یخفی علیک شیءٌ مِنّ امری، بِرحمتک یاری»؛ ای دادرس دادخواهان! ای پناه پناه‌آوردندگان! ای برطرف کننده ناراحتیها! تو میدانی که در چه مکانی هستم، به حال من اطلاع داری، بر تو چیزی پوشیده نیست. ای پروردگار من! مرا مشمول رحمت خود قرار ده.

یوسف علیه السلام با آن سن کم، تنها و درمانده در قعر چاه، به خدا توکل کرد. خداوند نیز به او لطف نمود و فرشتگانی را برای محافظت و تسلی خاطر او نزدش فرستاد. (۱)

از امام صادق علیه السلام نقل شده هنگامی که برادران یوسف، او را در میان چاه افکندند، جبرئیل نزد یوسف علیه السلام آمد و گفت: ای نوجوان! اینجا چه میکنی؟ یوسف علیه السلام گفت: برادرانم مرا در میان چاه افکندند. جبرئیل پرسید: آیا میخواهی از این چاه نجات یابی؟ یوسف علیه السلام گفت: با خداست. اگر خواست، مرا نجات میدهد.

جبرئیل میگوید: خداوند فرموده: مرا با این دعا بخوان تا تو را از چاه نجات دهم و آن دعا این است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، أَنْ تُصَلِّيَ

۱- بروجردی، سیدمحمد ابراهیم، تفسیر جامع، ص ۲۱۴ و ۳۲۱.

ص: ۱۱۲

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِمَّا أَنَا فِيهِ فَرِحًا وَمَخْرَجًا؛ خدایا از درگاه تو مسألت مینمایم، حمد و سپاس مخصوص توست، معبود یکتایی جز تو نیست، تو نعمتبخش و آفریدگار آسمانها و زمین، صاحب عظمت و شکوه هستی، بر محمد و آلش درود فرست و برای من در اینجا راه گشایش فراهم فرما.

(۱)

بیان و به زبان آوردن حاجت و خواسته به درگاه خدا

در زمان گرفتاری، باید از خداوند متعال درخواست کمک نمود؛ زیرا تنها اوست که برای رفع هر مشکلی توانمند است و نیاز هر کس را که بخواهد، برطرف میسازد. قرآن میفرماید: «(در روز قیامت) با دیدن عذاب فقط خدا را میخوانید و اگر او بخواهد، هر مشکلی را که به خاطر آن او را خوانده‌اید، برطرف میسازد...» (۲)

اما نکته مهم اینجاست که شخص محتاج برای رسیدن به حاجتش باید آن را ذکر کند و بر زبان جاری سازد. درست است که خداوند عالم بر همه امور آگاه است، اما خداوند دوست دارد که بنده‌اش عین آن چیزی

۱- حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۱۶-۴۱۵.

۲- (بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ) (انعام: ۴۱)

ص: ۱۱۳

را که می‌خواهد، بر زبانش بیاورد و آن را به صورت خاص ذکر کند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند خیر زیاد را به بندهاش نمیدهد و می‌فرماید: به او نمیدهم تا از من بخواهد. (۱)... (ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ)... (۲) همچنین خود خداوند، بندگان را به دعا و پناه آوردن به خود تشویق و ترغیب مینماید، آنجا که می‌فرماید... (إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ)... (۳) او شنوا و اجابت کننده است و اینکه دعا را بعد از شنیدن اجابت میکند.

بنابراین از آنجا که اجابت دعا بستگی به خواست و اراده بنده دارد، باید حاجت به صورت خاص ذکر شود. در صورتی که مورد دعا اظهار نگردد، شخص دعاکننده به حاجتش نمیرسد حتی اگر آن شخص، نبی باشد.

حضرت زکریا علیه السلام فرزند نداشت و دلش میخواست فرزندی داشته باشد، ولی آن را از خدا تقاضا نمیکرد، خداوند هم به او فرزند نمود. زمانی که حضرت زکریا علیه السلام سرپرستی حضرت مریم علیه السلام را بر عهده داشت، هر زمان که او را در محراب عبادت میدید، مشاهده میکرد که غذای مخصوصی در کنارش است. روزی از او پرسید: ای مریم! این غذا از

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۴۷۶.

۲- غافر: ۶۰.

۳- ابراهیم: ۳۹.

ص: ۱۱۴

کجا برای تو می‌آید؟ مریم پاسخ داد: این از سوی خداست. خدا به هر کسی که بخواهد، روزی بی‌حساب می‌دهد. (۱) در این زمان، حضرت زکریا علیه السلام نیز از خداوند خواست که به او فرزندی عطا کند و چنین شد. (۲)

بنابراین برای دستیابی به امور خاص، در دعا و استغاثه باید به صراحت آن را ذکر نمود، تا در صورت کامل بودن شرایط استجاب دعا، مراد دعاکننده حاصل گردد. (۳)

ایمان به مقام و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

یکی دیگر از مواردی که سبب استجاب دعا و استغاثه میشود، ایمان به مقام و منزلت انبیاء و ائمه علیهم السلام است؛ چرا که آن‌ها نمایندگان الهی بر روی زمین و واسطه‌های فیض او هستند. به واسطه آن‌هاست که نعمت و رحمت به ما میرسد و بلا و گرفتاری از ما دور می‌گردد. چنانکه در احوال قوم بنی‌اسرائیل آمده است که در میان بنی‌اسرائیل، خانواده‌های زندگی می‌کردند که هر گاه یکی

۱... (-) يَا مَرْيَمُ أَنْتِ لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (ال عمران: ۳۷)

۲ (-) هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (،) فَنَادَتْهَا الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ

أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (ال عمران: ۳۸-۳۹)

۳- عطائی کوزانی، عنایت، دعا گنجینه عبادت، ص ۱۱۳-۱۱۱.

از آن‌ها ۴۰ شب تا صبح پشت سرهم به عبادت و نیایش میپرداخت، دعایش به اجابت می‌رسید. یکی از افراد آن خاندان، ۴۰ شب به عبادت و نیایش پرداخت و سپس دعا کرد ولی دعایش به استجاب نرسید. بسیار پریشان شد و نزد عیسی علیه السلام رفت و گله کرد و از او خواست که برایش دعا کند. حضرت عیسی علیه السلام وضو گرفتند و دو رکعت نماز خواندند و بعد از نماز، برای آن بنده پریشان دعا کردند. در این هنگام، خداوند به عیسی علیه السلام چنین وحی نمود: «ای عیسی علیه السلام! آن بنده، از راه صحیح خود دعا نمی‌کند، او مرا میخواند ولی در دلش در مورد پیامبری تو شک و تردید دارد؛ بنابراین اگر آن قدر دعا کند که گردنش قطع شود و سر انگشتانش بریزد، دعایش را اجابت نمی‌کنم. عیسی علیه السلام ماجرا را به آن مرد گفت. او عرض کرد: «ای روح خدا! سوگند به خدا حقیقت همان است که گفتم، من درباره پیامبری تو شک داشتم، اکنون از خدا بخواه تا این شک برطرف گردد.» حضرت عیسی علیه السلام دعا کردند و او به نبوت و رهبری عیسی یقین پیدا نمود. آنگاه خداوند توبه او را پذیرفت و مانند سایر افراد خانوادهاش، دعایش پس از ۴۰ شب عبادت به استجابت می‌رسید. (۱)

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۰۰.

ص: ۱۱۶

ما نیز در این زمان که امام و حجتان، امام مهدی عجل الله است، باید با ایمان به مقام ولایت و امامت ایشان، دست به دعا و استغاثه برداریم؛ چرا که اگر جز این باشد و ما به جانشین و خلیفه خداوند در زمین، وصی پروردگار، مخزن علوم الهی، حجت خدا، فریادرس و پناه امت، واسطه فیض و پرچم هدایت، حضرت حجت بن الحسن عجل الله ایمان و اعتقاد نداشته باشیم، دعا و استغاثه‌مان به درگاه خداوند اجابت نخواهد شد؛ چرا که به فرموده خداوند، تنها راه وصول بندگان به بارگاه الهی، اهلیت علیهم السلام هستند. همین است که در زیارت آن حضرت میخوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ»؛ سلام بر تو ای درگاه رحمت خدا که هیچکس جز از آن درگاه به سوی قرب خدا نائل نگردد، سلام بر تو ای راه خداوندی که هر کس به آن راه نرود، تباہ و هلاک میشود.

(۱)

توبه صادقانه از آلودگیها و گناهان

گناه مانع اجابت دعا میشود؛ بنابراین بنده باید در هنگام دعا استغفار کرده و از گناهان پاک باشد تا دعایش مستجاب شود. در روایتی، امام صادق علیه السلام یکی از

۱- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف در اذن دخول سرداب مطهر.

ص: ۱۱۷

شرایط پذیرش دعا را اعتراف به گناهان و استغفار از آن میدانند و میفرمایند: «هرکس اوامر الهی را اطاعت کند و خدا را از راه دعا بخواند، خداوند پاسخش را میدهد.» یکی از اصحاب پرسید: راه دعا چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: «خدا را میستایی و نعمتهای او را نزد خودت یاد میکنی و شکرش را بهجامیآوری و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود میفرستی و گناهانت را یادآور میشوی و به آن ها اقرار میکنی و از آن ها به خدا پناه میبری؛ پس این راه دعاست.» (۱)

همچنین بنا به فرموده آیتالله بهجت رحمت الله علیه باید دعا را با شرایط آن بهجا آوریم و توبه از گناهان از جمله شرایط دعاست، چنانچه فرموده‌اند: «دعا التائب مستجاب» یعنی دعای شخصی که توبه کند، مستجاب میگردد. نه اینکه برای تعجیل فرج دعا کنیم در حالی که کارهایمان موجب تبعد و تأخیر انداختن فرج آن حضرت باشد.

امام باقر علیه السلام در توصیف داستان حضرت یونس علیه السلام میفرمایند: «خداوند عذاب هیچ قوم گناهکاری را برنگرداند مگر قوم حضرت یونس علیه السلام را» (۲) زمانی که حضرت یونس علیه السلام آن ها را به تسلیم و اطاعت از دین

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۴۸۶.

۲- (فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ)

(یونس: ۹۸)

ص: ۱۱۸

خدا دعوت میکرد ولی آن‌ها نمیپذیرفتند تا اینکه تصمیم گرفت آن‌ها را نفرین کند. دو نفر از کسانی که به او ایمان آورده بودند، نیز در میان قوم بودند. یکی از آن دو، شخص عابدی به نام ملیخا و دیگری، شخص عالمی به نام روبیل بود. عابد به یونس علیه السلام میگفت که بر قومش نفرین کند ولی عالم، یونس علیه السلام را از این کار نهی میکرد و میگفت: نفرین نکن؛ چون خدا نفرین تو را اجابت میکند و آنان را هلاک مینماید در حالی که خدا دوست ندارد بندگانش را دستهجمعی هلاک کند. حضرت یونس علیه السلام کلام شخص عابد را قبول کرد و به شخص عالم توجهی ننمود؛ پس آنان را نفرین کرد.

از طرف خداوند وحی آمد که عذاب در فلان تاریخ نازل میشود. زمانی که آن تاریخ فرا رسید، حضرت یونس علیه السلام به همراه شخص عابد از شهر خارج شد ولی شخص عالم در میان مردم باقی ماند. پس زمانی که نشانه‌های عذاب آشکار شد و قوم، پشیمان شده بودند، عالم به آن‌ها گفت: به پیشگاه خداوند ناله و زاری کنید تا خداوند به شما رحم کند و عذاب را از شما رفع نماید. مردم گفتند: باید چه کنیم؟ عالم گفت: همگی جمع شوید و سر به بیابان بگذارید در حالی که

ص: ۱۱۹

بچه ها را از زنان جدا کنید و حتی میان چهار پایان و بجهه‌ایشان جدایی افکنید، سپس با گریه و زاری دعا کنید. مردم به بیابان رفتند و همان کارها را کردند و از ضجه و ناله آن‌ها، خداوند به ایشان رحم کرد و عذاب را از آنان دفع نمود، عذابی که نشانه‌های آن آشکار شده بود و نزدیک بود قوم یونس را فرا بگیرد، بر کوه نازل شد. بعد از مدتی یونس علیه السلام به سوی قومش برگشت تا ببیند خداوند چگونه آن‌ها را نابود کرده است ولی با کمال تعجب دید که شهر سالم و مانند قبل بر سر جایش باقی است. (۱)

هم چنین است داستان معروفی که درباره توبه ای است که موجب بارندگی پربرکت در عصر حضرت موسی علیه السلام شد. در عصر حضرت موسی علیه السلام مدتی باران نیامد. زراعتها خشک شد و بلای قحطی همه جا را فرا گرفت. مردم به محضر موسی علیه السلام آمدند و با التماس از او خواستند که نماز استسقاء بخواند تا باران بیاید. موسی علیه السلام با جمعیتی بالغ بر هفتاد هزار نفر به صحرا رفتند و نماز طلب باران خواندند اما هرچه دعا کردند، باران نیامد. موسی علیه السلام عرض کرد: «خدایا! با هفتاد هزار نفر، هرچه

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۸۱.

ص: ۱۲۰

دعا میکنیم، باران نمی‌آید، علتش چیست؟ مگر مقام و منزلت من در پیشگاهت کهنه شده است؟» خداوند به موسی علیه السلام خطاب کرد: «در میان شما یک نفر هست که چهل سال است مرا معصیت میکند، به او بگو از میان جمعیت خارج شود تا دعایت مستجاب گردد.» موسی علیه السلام این مسأله را در میان آن جمعیت اعلام کرد. آن مرد گنهکار دید هیچکس خارج نشد. دریافت که آن شخص خودش است، با خود گفت: اگر برخیزم و بیرون روم، رسوا میشوم و اگر بیرون نروم، باران نمی‌آید. همانجا نشست و توبه حقیقی کرد. پس از آن، بیدرنگ باران پربرکت آمد. موسی علیه السلام عرض کرد: «خدایا! کسی از میان جمعیت خارج نشد، پس چطور شد که باران آمد؟» خداوند فرمود: «سَيَقِيْتُكُمْ بِالذِّي مَنَعْتُمْ بِهِ؛ شما را به خاطر همان شخصی که به سبب او باران را قطع کرده بودم، سیراب کردم؛ یعنی توبه او باعث باریدن باران گردید.

استواری، جدیت و مأیوس نشدن از توسل و استغاثه

ما در برابر کسی هستیم که همه عالم در اختیار اوست، باجدیت و اطمینان از خدا بخواهیم و با ناامیدی دعا نکنیم. حضرت ایوب علیه السلام با تمام گرفتاریهایی که

ص: ۱۲۱

داشت، هیچگاه از رحمت الهی ناامید و مایوس نشد، به همین خاطر وقتی خداوند را صدا زد، دعایش مستجاب گردید و مشکلاتش برطرف شد. در همین رابطه، قرآن می‌فرماید: «و ایوب را به یاد آور هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت) مشکلات به من روی آورده است و تو مهربانترین مهربانانی. ما دعای او را مستجاب کردیم و ناراحتیهایش را برطرف نمودیم.» (۱)

امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند: «انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ منتظر فرج باشید و از رحمت خدا مایوس نشوید که محبوبترین اعمال نزد خدای تبارک و تعالی، انتظار فرج است. (۲)

در مثنوی معنوی نیز داستانی با همین مضمون از زبان مولوی میخوانیم: شخصی بود که نیمه‌های شب برمیخواست و در تاریکی و تنهایی، به دعا و نیایش میپرداخت و با سوز و گداز خاصی «الله، الله» میگفت. مدت‌ها به توفیقاتی دست یافته بود تا اینکه شیطان از حال و قال آن مرد خدا بسیار غمگین و خشمگین شد، در کمین او قرار گرفت تا او را بفریبد.

۱- انبیاء: ۸۴-۸۳

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۳

ص: ۱۲۲

سرانجام در قلب او القا کرد که ای بینوا چرا این قدر «الله، الله» می‌گویی؟ دعای تو به استجابت نمیرسد به این دلیل که مدت‌هاست خدا را صدا می‌زنی ولی خدا حتی یک بار هم به تو لیبیک نگفته است. همین القای شیطانی، قلب او را شکست و مأیوسانه گفت: به راستی چه فایده؟ هرچه دعا میکنم، نتیجه‌بخش نیست. شبی با همین حال و دل شکسته و روح افسرده خوابیدم. در عالم خواب، حضرت خضر پیامبر علیه السلام را دیدم. خضر علیه السلام به او گفت: چرا اینگونه مأیوس و افسرده‌ای؟ چرا راز و نیاز و نیایش با خدای خود را ترک نموده‌ای و چون شخصی پشیمان و ناامید، از مناجات با خدا کنار کشیده‌ای؟ او در پاسخ گفت: زیرا از در خانه خدا رانده شده‌ام و چنین فهمیده‌ام که این در به روی من بسته است، از این رو ناامید شده‌ام.

حضرت خضر علیه السلام به او فرمود: «ای نیایشگر بینوا! خداوند به من الهام کرد که به تو بگویم که تو خیال میکنی جواب خدا را باید از در و دیوار بشنوی؟ همین که «الله، الله» می‌گویی، دلیل آن است که جذبه الهی، تو را به سوی خودش میکشاند و دعایت را به استجابت رسانده است.»

ص: ۱۲۳

ایمان، اخلاص و حضور قلب

یکی از شرایط اجابت استغاثه، ایمان و خشوع قلبی و حضور قلب در محضر پروردگار است. خشوع به معنی حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر حقیقت مهم یا شخص بزرگی به انسان دست می دهد. (۱)

این خشوع و خشیت قلبی، هنگام عبادت باید اظهار شود و بروز اعتقاد به عجز و ضعف در مقابل خدا، با اشک ریختن معلوم میگردد. وقتی بنده در محضر خدا نهایت خشوع را اظهار کند، سبب جلب نظر رحمت خداوند میشود و درهای اجابت به رویش گشوده میگردد.

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام به زیبایی این مطلب را بیان کرده و میفرماید: «اشک ریختن چشمها و خشوع قلبها از رحمت خداوند است که نامش بلند مرتبه است؛ پس زمانی که این حالت در شما ایجاد شد، دعا کردن را غنیمت بشمارید. اگر در میان امتی، یک بنده گریه کند، به طور قطع خداوند متعال به خاطر گریه آن بنده بر آن امت رحم میکند.» (۲)

آنچه که محبوب خداست، این است که بنده در

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۴۱.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۳۶.

ص: ۱۲۴

محضر او خاضع و خاشع باشد. این روحیه سبب نزدیکی دعا به اجابت میشود. خداوند یکی از دلایل استجاب دعا حضرت زکریا علیه السلام را خشوع دانسته و میفرماید: «پس ما دعای حضرت زکریا علیه السلام را مستجاب کردیم و یحیی علیه السلام را به او دادیم و همسرش را (برای فرزنددار شدن) صالح گرداندیم؛ زیرا آنان در انجام کارهای خیر به سرعت اقدام میکردند، در حال بیم و امید ما را میخواندند و همیشه برای ما خاشع بودند.»(۱)

از دیگر شرایط، اخلاص در طلب و درخواست از خداوند است؛ همانطور که اجابت دعا و استغاثه حضرت یونس علیه السلام به دلیل اخلاص او در طلب بود. آنجا که قرآن میفرماید: (فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ)...(۲). یعنی دعای او اجابت نمودیم و او را از غم و اندوه، نجات دادیم. خداوند از لطف و کرم، به رهایی پیامبر خود بسنده نمیکند و اصل را برای هرکسی که خداوند سبحان را از روی اخلاص دعا کند، تعمیم میدهد و با بیان صریح اعلام میکند... (وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ) (۳)

۱- (فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ) (انبیاء: ۹۰)

۲- انبیاء: ۸۸

۳- انبیاء: ۸۸

ص: ۱۲۵

هم چنین هم مؤمنان را نجات میدهیم. اگر ما را بخوانند و به ما پناه بیاورد، او را نجات می دهیم؛ همانگونه که یونس علیه السلام ما را خواند و ما او را اجابت کردیم. این بیان به این جهت است که کسی گمان نکند که خداوند متعال تنها دعای پیامبرانش را اجابت میکند. (۱)

دعای دسته جمعی

دعای خالصانه و همراه با زاری و تضرع اگر به صورت دستهجمعی باشد، موجبات استجاب دعا را فراهم میآورد، همچنین استغاثه و توسل همگانی، موجب گشایش امور است. در دعاهای دستهجمعی باید خالصانه و از روی اضطرار گریه کرد. همانطور که در دعای باران مستحب است که بچهها از بزرگترها جدا شوند تا حالت حزن و اندوه افزایش یابد، در دعاهای دستهجمعی نیز باید انقطاع از دنیا و دیگران شکل بگیرد.

دین اسلام برای وظایفی که انجام آن را به صورت جمعی میپسندد، اهمیت خاصی قائل است، مثل نماز جماعت. دعا نیز به دو صورت فردی و اجتماعی میتواند انجام شود. گرچه دعای فردی و پنهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، اما گاهی اوقات نیاز است که هر مؤمنی به جامعه مسلمین توجهی کند

۱- السودانی، موسی الشیخ جعفر، تاریخ انبیاء: عبرتهای تاریخ از آدم تا خاتم، ص ۱۵۶.

ص: ۱۲۶

و حاجاتش را با توسل به جماعت برآورده نماید. قرآن نیز با اشاره به جنگ بدر، بر تأثیر دعای دسته‌جمعی در استجاب آن دلالت میکند؛ در جنگ بدر، زمانی که کم بودن تعداد مسلمانان و تسلیحات جنگی، آن‌ها را در برابر ازدیاد نفرات و امکانات نظامی دشمنان نگران ساخت و شاید کمی ترس در دل برخی رخنه نمود، به صورت دسته‌جمعی دعا کردند و از خداوند درخواست کمک نمودند، در این زمان بود که دعایشان مستجاب شد و خداوند لشکر هزار نفری فرشتگان را به کمکشان فرستاد و پیروزی نصیب مسلمانان گردید. قرآن در این رابطه می‌فرماید: «به یاد آرید زمانی را که از پروردگارتان درخواست کمک نمودید، پس خداوند دعای شما را اجابت کرد و فرمود که من با سپاهی منظم از هزار فرشته، شما را کمک خواهم کرد.» (۱)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه جماعتی گرد هم آیند و برخی دعا کنند و برخی دیگر آمین بگویند، به طور قطع خداوند دعایشان را اجابت می‌کند.» (۲)

خداوند در یک حدیث قدسی، به حضرت عیسی علیه السلام

۱- انفال: ۹.

۲- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۲، ص ۱۰۷.

ص: ۱۲۷

فرمود: «عیسی! بعد از گناه، به سوی من بازگرد و بخشندگی مرا به توبه‌کنندگان یادآور شو و به من ایمان بیاور و همراه مؤمنین باش و به آنان دستور بده تا همراه تو مرا بخوانند.»^(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرگاه یک گروه چهل نفره از مردان گرد هم جمع شوند و خدا را بخوانند، خداوند دعایشان را مستجاب می‌کند. اگر چهل نفر نباشند بلکه چهار نفر باشند و ده بار خدا را بخوانند، حتماً خداوند دعایشان را مستجاب میکند، پس اگر چهار نفر نباشند بلکه یک نفر باشد و خدا را چهل مرتبه بخواند، پس خداوند عزیز و جبار دعایش را اجابت می‌کند.»^(۲)

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نیز آمده است که قوم بنی اسرائیل در پی به درازا کشیده شدن عذاب و فراگیر شدن مشکلات و سختیها، برای آمدن منجی به صورت دسته‌جمعی دست به دعا برداشتند و سخت گریه کردند و ضجه زدند، پس از این امر، خداوند قوم بنی‌اسرائیل را که در چنگال قبطیها گرفتار آمده بودند، با فرستادن حضرت موسی علیه السلام از مشکلات رهایی بخشید

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۸، ص ۱۳۴.

۲- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۴۸۷.

ص: ۱۲۸

و همین دعای دسته جمعی مردم بنیاسرائیل سبب شد که حضرت موسی ۱۷۰ سال زودتر ظهور کند.

امام صادق علیه السلام در پایان حدیث، نکته بسیار ارزشمندی را بیان کرده‌اند که «هكذا انتم». این عبارت بیانگر این نکته است که این امر یک سنت جاری است و اختصاص به قوم بنیاسرائیل ندارد، بلکه در همه زمانها مردم میتوانند با توسل همگانی به حضرت حق موجبات گشایش امور خود را فراهم آورند.

در واقع حضرت به این نکته اشاره می‌کنند که اگر شما نیز این کار را انجام دهید، خدا فرج ما را نیز میرساند، اما اگر رغبتی به این کار نشان ندهید، امر فرج تا منتهای زمان تعیین شده خود ادامه پیدا میکند.

در میان انبیاء الهی که دارای غیبت بودند، حکایت حضرت ادریس علیه السلام مورد توجه است. آن هنگام که ایشان مورد سوء قصد حکومت طغیانگر زمان خویش قرار گرفت، از میان مردم غائب شد. در دوران غیبت او، پیروانش که در نهایت سختی و شدت قرار داشتند، تصمیم گرفتند که در پیشگاه خدا توبه کنند. این بازگشت و پشیمانی واقعی سبب شد که خداوند، دوران غیبت او را پایان بخشد.

ص: ۱۲۹

ادریس علیه السلام ظاهر شد و حاکم ستمگر در برابر او به ذلت افتاد و مردم نیز مطیع او شدند. اگر مردم در زمان غیبت نیز، به صورت دسته‌جمعی توبه کنند و قصد یاری امام علیه السلام را نمایند، امید آن می‌رود که خداوند، طومار غیبت را در هم پیچد و آن بزرگوار را ظاهر نماید. (۱)

دعا برای دیگران

دعا برای برادر دینی از جمله حقوقی است که بر عهده مسلمانان است که مرحله‌ای آن، دعا برای همه است؛ یعنی هر مسلمانی در هنگام دعا برای خودش، برای دیگران نیز دعا کند؛ مثلاً بگوید: «پروردگارا! من، پدر و مادرم و همه مؤمنین را در روز قیامت پیامرز». (۲)

دلیل این امر از زبان قرآن این است که خداوند دعای کسانی را که برای خود و سایر مؤمنین دعا میکنند، اجابت میکند و علت این اجابت را دعا برای همگان میدانند.

پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه فردی از شما دعا کرد، باید برای همه دعا کند؛ زیرا این کار، دعا را به اجابت نزدیکتر میکند». (۳)

حضرات و ائمه معصومین علیهم السلام از ما می‌خواهند که به فکر دیگران باشیم. حضرت فاطمه سلام الله علیها خود شبی را تا

۱- موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۰۷.

۲- (رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ) (ابراهیم: ۴۱)

۳- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۴۸۸.

ص: ۱۳۰

به صبح دعا میکنند اما به فرمایش امام حسن مجتبی علیه السلام برای خود دعا نمیکنند و وقتی از ایشان سؤال میکنند میفرمایند: «الجار ثم الدار»؛ بنابراین این حدیث، دیگران مقدم هستند؛ لذا اول خواسته‌های دیگران را بیان کنید.

حضرت سلام الله علیها به ما می‌آموزند که دیگران را فراموش نکنید و پیش از دعا برای خود، برای دیگران که چه بسا نیازمند باشند، دعا کنید. برای همدیگر خوب بخواهیم. این نشانگر آن است که دیگران برای ما مهم هستند؛ چون ما در جامعه زندگی میکنیم و مشترکاتی با هم داریم، پس برای حاجتهای دیگران و هدایت همه دعا کنیم.

زمان مناسب

هر زمانی که بنده حاجتی داشته باشد و آماده خواندن خدا گردد، خداوند دعایش را می‌شنود و پاسخگویی خواهد بود، اما بعضی زمانها هستند که برای دعا کردن از فضیلت بیشتری برخوردارند، به این دلیل که دعا در آن زمانها به اجابت نزدیکتر و نزد خدا از محبوبیت بیشتری برخوردار است. یکی از اوقات شریف برای دعا، سحرگاهان است. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله سؤال شد که چرا حضرت یعقوب علیه السلام طلب آموزش فرزندان را تا وقت سحر به تاخیر انداخت؟

ص: ۱۳۱

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «استغفار فرزندان را تا سحر به تأخیر انداخت برای اینکه دعا در هنگام سحر پذیرفته میشود.»^(۱)

امام صادق علیه السلام در توصیف وقت شریف سحر در اجابت دعا فرمودند: «آن، ساعتی است که در آن ساعت، ایوب علیه السلام دعا کرد و به درگاه خداوند عزوجل از بلاهایش شکایت نمود، پس خداوند سختیها و مشکلاتش را رفع کرد و در همان ساعت یعقوب علیه السلام دعا کرد و خداوند عزوجل یوسف علیه السلام را برگرداند و اندوهش را از بین برد و در آن ساعت، محمد صلی الله علیه و آله دعا کرد و خداوند اندوهش را از بین برد و او را بر همه مشرکین مسلط ساخت بعد از آنکه مأیوس شده بود...»^(۲)

نجات حضرت لوط و خاندانش از قوم فاسق و ستمکار نیز در هنگام سحر صورت گرفت، چنانکه قرآن میفرماید: «ما بر آن ها طوفانی از سنگ فرستادیم مگر آل لوط را که به هنگام سحر نجاتشان دادیم...»^(۳)

علاوه بر وقت سحر، اوقات شریف دیگری از جمله بینالطوعین، هنگام زوال خورشید، قبل از غروب، نیمه

۱- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، ج ۱ ص ۳۵۵.

۲- شیخ طوسی، الامالی، ص ۶۹۹.

۳- قمر: ۳۴ و ۳۵.

ص: ۱۳۲

شب، آخر شب، بین اذان و اقامه، بعد از نماز و... در استجاب دعا مؤثر است، خصوصاً اینکه هر کس بعد از هر نمازش، یک دعای مستجاب دارد که پیشوایان دین از ما خواستهند آن را به تعجیل فرج اختصاص دهیم که سودش به خودمان نیز میرسد. امام صادق علیه السلام در حدیث شریفی میفرمایند: «هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» نمیرد تا اینکه حضرت قائم عجل الله را درک کند.»^(۱)

برخی ایام سال نیز به دلیل ارتباط با امام زمان عجل الله اوقات و ویژه‌های برای دعای فرج هستند؛ از جمله این اوقات، شب و روز جمعه است. همانطور که در ادعیه و روایات، شب و روز جمعه متعلق به امام زمان عجل الله معرفی شده و ظهور امام زمان عجل الله در روز جمعه انتظار میرود و جمعه روزی است که در آن، به وسیله امام زمان عجل الله برای مؤمنان گشایشی ایجاد خواهد شد و کافران به وسیله شمشیر وی از بین خواهند رفت، این هنگام زمان خاص دعا و استغاثه برای فرج میباشد.^(۲)

ماه مبارک رمضان و به ویژه شب قدر از جمله اوقاتی است که دعا در آن مستجاب میگردد، خصوصاً

۱- موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۳۰.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز جمعه.

ص: ۱۳۳

شب بیست و سوم که ارتباط تنگاتنگی با ظهور دارد؛ چرا که سحر شب بیست و سوم سالی که بنا باشد حضرت عجل الله ظهور بفرمایند، منادی ندا خواهد داد و قریبالوقوع بودن ظهور را اعلام خواهد کرد. چه خوب است که این شب را به دعا و استغاثه برای فرج و ظهور حضرت مهدی عجل الله که مهمترین حاجت بشریت است، اختصاص دهیم.

همچنین شب نیمه شعبان که شب میلاد حضرت حجت‌بن‌الحسن‌العسکری عجل الله و تالی تلو قدر و برترین شبها بعد از شب قدر میباشد و در آن به احیا و دعا و استغاثه سفارش شده و استجاب دعا در آن وعده داده شده است، از جمله اوقات بافضیلت برای دعای فرج میباشد.

مکان مناسب

مکان دعا نیز مانند زمان آن محدود و معین نیست، ولی بعضی مکانها از فضیلت بیشتری برای دعا برخوردارند؛ از جمله خانه کعبه، بارگاه پیامبر صلی الله علیه و آله، حرمهای اهل بیت علیهم السلام، امامزادگان، مساجد و قبور والدین، هم چنین مسجد مقدس جمکران که خود حضرت عجل الله دستور ساخت آن را داده‌اند، بهترین مکان برای دعا و استغاثه به جهت فرج و ظهور حضرت عجل الله است.

ص: ۱۳۴

حسن بن مُثله جمکرانی که توفیق شرفیابی به محضر مبارک حضرت مهدی عجل الله را پیدا نمود، پس از دریافت دستور ساخت مسجد مقدس جمکران، امام زمان عجل الله به ایشان فرمودند: «عن حسن بن مثله الجمکرانی عن الامام المهدی (عج) انه قال: قَالَ الْأَمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ صَلَّى مِنْ صَلَّاهَا فَكَأَنَّهَا فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ.»؛ کسی که در آن مسجد نماز بگزارد، همانند این است که در خانه خدا نماز خوانده است. (۱)

علاوه بر موارد مذکور، اربعین و ایام حج، هم از نظر زمانی هم از نظر مکانی از بهترین موقعیتها و فرصتها برای دعا و استغاثه فرج است. اربعین به این دلیل که هم از نظر زمانی، ایام شریفی است و هم از نظر مکانی در بهترین مکانهاست، هم از نظر جمعیتی، خیل عظیمی از مسلمانان از ملیتها و فرقههای مختلف، در آنجا تجمع دارند، بهترین زمان برای استغاثه و دعا برای فرج کسی است که منتقم خون حسین علیه السلام است.

حج نیز بنا بر فرموده مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، واجب بیهمتا و بینظیر اسلامی است که فقط متعلق

۱- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷.

ص: ۱۳۵

به ما ایرانیها نیست؛ حج متعلق به اسلام و امت اسلامی است و ضامن تداوم اسلام است.

زمان حج، احترام دارد. مکان حج، احترام دارد. این نشان میدهد که چقدر این عملیات عظیم و مؤثر است. این‌ها نشاندهنده‌ی این امر است که این فریضه، از خصوصیات بر خوردار است که هیچ فریضه دیگری دارای این خصوصیات نیست. به این امر باید توجه داشت. حج مظهر وحدت اسلامی است. رنگها، ملیت‌ها، شناسنامه‌ها، مذاهب و سلیقه‌های مختلف همه در کنار هم و مثل هم طواف میکنند، با هم سعی به جای می‌آورند، در عرفات و مشعر وقوف میکنند. این وحدت بسیار مهم است.

همدلی اسلامی، مظهر واقعی همدلی و هم‌زبانی در حج، نه فقط برای ملت ایران، بلکه برای همه مسلمانان جهان و برای امت اسلامی است. حج مظهر تشکیل امت اسلامی و مُشتی نمونه خروار است. از همه‌جا حتی از راه‌های دور، مسلمانها کنار هم جمع میشوند. این فرصتی بزرگ است تا با هم حرف بزنند، با هم همدلی کنند، دردهای یکدیگر را بشنوند و اظهار همدردی با

ص: ۱۳۶

یکدیگر بکنند؛ این امور جز در حج، در کجا پیش می‌آید؟

حال میبینیم که حج از چند جهت، شرایط استجاب دعا را دارد؛ هم از نظر زمانی در بهترین زمانهاست، هم از نظر مکانی در شریفترین مکانها قرار دارد و چه جایی بهتر از خانه خدا. هم از نظر جمعیت، بالاترین حد جمعیتی در ایام حج در این مکان جمع میشوند و این یعنی وحدت، همدلی و اجتماع قلوب.

نتیجه:

اگر به این نقطه رسیدی که هیچکس و هیچچیز جز خداوند، توانایی حل مشکل تو را ندارد و هیچ امیدی به اسباب عادی نداشتی، پله اول را طی کرده‌ای و باید آخرین امیدت تنها به قدرت بینهایت خدایی باشد که باور داری حاجتت را خواهد داد. مراقب باش آنچه که میخواهی، در دلت مخفی نماند، زبان سخن بگشا و تنها با معبودت و البته واسطههایی چون پیامبر و اهل بیت علیهم السلام نجوا کن.

آری، تنها صاحب العصر عجل الله است که «بَابُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ» است. اکنون گاه نگاه به بالهای

ص: ۱۳۷

شکستهای است که گناهان گذشته‌ها، آن‌ها را به این حال انداخته است، پس صادقانه و خالصانه برای بیماریهای روح شفا بخواه. فراموش نکن که «الله، الله» گفتنی‌ها، نشانه جذب الهی است؛ پس القائنات شیطان، تو را در ادامه مسیر منحرف نکند. اینجا جای گردن کشیدن نیست. هرچه سربه‌زیرتر باشی، شیطان را مأیوس و خدایت را خشنود کرده‌ای؛ پس با حضور قلب و خضوع دل صدایش کن که البته هر چه دستهای بیشتری را با خود همراه کنی و به آسمان

گره بزنی، باران استجابت قویتر خواهد بود.

شب و روزهای نشاندار شده برای استجابت و مکانهای مشخص شده برای راز و نیاز فراموش نشود. این‌ها همه و همه پله‌هایی است که تو را به سرمنزل مقصود خواهد رساند.

«انشاءالله»

فصل هشتم: آثار تربیتی استغاثه برای امام زمان عجل الله

آثار تربیتی استغاثه برای امام زمان عجل الله

نیازمندی انسان به دعا در زمان حاضر، از این جهت است که به میزان افزایش مشکلات و سختیهای انسان، نیاز او به ارتباط با غیب برای تحمل مشکلات بیشتر میشود. در زمان حاضر با توجه به ظلم و ستم فراوان استکبار جهانی و در مضیقه بودن مردم در تمامی ابعاد اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و... انسان نیاز بیشتری به دعا دارد.

دعا دو اثر بیرونی و درونی دارد: اثر درونی دعا، افزایش صبر و تحمل و اثر بیرونی آن، جاری شدن برکات آسمانی و امدادهای الهی است. از سوی دیگر، به میزانی که معرفت انسان بیشتر میشود، به همان اندازه معرفت او نسبت به امام نیز بالاتر میرود. با توجه به اینکه شعور و معرفت بشر امروزی نسبت به زمانهای قبل افزایش یافته، میتوان گفت که نیازمندی او به دعا و ارتباط با مبدأ رحمانی نیز بیشتر شده است.

افزایش محبت

محور و کانون همه محبتها در نظام تربیت دینی، حب و مهرورزی به خالق هستی است و سایر محبتها

ص: ۱۴۱

باید در راستای حب و دوستی حضرت حق قرار بگیرد، همچنین محبت به پیامبر و اهلیت ایشان باید در طول محبت خداوند قرار بگیرد. محبت یک امر پوشیده و مخفی است و مانند درختی پربرگ و بار است که بعضی از آثار آن، در زبان و بعضی دیگر در اعضا و جوارح انسان آشکار میشود، همانطور که نمیتوان درخت را از بروز دادن گلها و میوهها منع کرد، شایسته نیست که انسان را از اظهار محبت و دوستی باز داشت، اما سفره محبت را نیز نباید هرجایی پهن کرد، همانطور که مولای متقیان میفرمایند: «مبادا محبت و دوستی را در غیر محل خود به کاربری.»

راههای افزایش محبت به اهل بیت علیهم السلام

محبت نسبت به پیامبر و اهلیت ایشان از طرق مختلفی شکل میگیرد:

۱. معرفت به اهلیت علیهم السلام: اولین راه افزایش محبت نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام، افزایش معرفت و شناخت و آگاهی از فضائل و شخصیت آن هاست.

حال این پرسش مطرح میشود که از چه راههایی میتوانیم نسبت به اهلیت علیهم السلام معرفت پیدا کنیم؟ در پاسخ باید گفت که اولین راه معرفت نسبت به اهلیت علیهم السلام، مطالعه سیره

ص: ۱۴۲

ایشان و تاریخ زندگی پرفراز و نشیب آن‌ها از مواضع مختلف از جمله جنگها و صلحها، غمها و شادیهها، اسارت و زندان، روابط آن‌ها با مردم و همسران و فرزندان خود و نیز رابطه آن‌ها با معبود خویش و... است. راه دیگر برای افزایش معرفت، تفکر و تأمل در گفتار حکمتآمیز این بزرگواران درباره مسائل گوناگون میباشد.

۲. اطاعت از اهل بیت علیهم السلام: یکی دیگر از راههای افزایش محبت، اطاعت و گوش به فرمان ائمه بودن است؛ زیرا نمیتوان اظهار عشق و محبت به کسی داشت، اما از اوامر و نواهی او سرباز زد. از این رو اگر میدانستیم که پیامبر و اهل بیت علیهم السلام چه عنایات و تفضلات خاصی نسبت به محبتان خویش دارند، مطمئناً با نهایت صداقت، عشق و مهر خود را نثار آن‌ها میکردیم و در مقابل، ائمه اطهار علیهم السلام در روایات متعدد فرموده اند که شفاعت کننده دوستداران و محبتان خویش در روز قیامت هستند و از احوال و حالات آن‌ها نیز باخبرند.

۳. ذکر فضایل اهل بیت علیهم السلام: از جمله راههای افزایش محبت به اهل بیت علیهم السلام این است که در زمان ولادت و شهادت این بزرگواران، با برگزاری مراسم و بیان سیره و روش آن‌ها و نقل سخنان گهربار و پرفضلیتشان علاوه

ص: ۱۴۳

بر ایجاد معرفت و آگاهی در مردم و الگو قرار دادن ائمه علیهم السلام در زندگی، سبب افزایش محبت و دوستی مردم نسبت به اهل بیت علیهم السلام شویم.

۴. تعظیم و تکریم در برابر ذکر نام اهل بیت علیهم السلام: از دیگر راههای افزایش محبت این است که نام اهل بیت علیهم السلام را همواره با تکریم و احترام یاد کنیم و با ذکر نام آن‌ها، درود و صلوات بفرستیم. همانطور که در روایات متعدد از ما خواسته شده که هرگاه نام قائم عجل الله برده میشود، از جا برخیزیم و دست بر سر نهیم یا مثلاً زمانی که نام پیامبر صلی الله علیه و آله برده میشود، صلوات بفرستیم.

۵. نامگذاری فرزندان خویش به اسامی اهل بیت علیهم السلام: یکی از سادهترین راههای افزایش محبت این است که شیعیان، نام این بزرگواران را بر فرزندان خود نهند تا از این طریق هم خیر و برکت نصیب آن فرزند و خانواده او شود، هم نام این عزیزان همواره در بین مردم زنده بوده و رونق داشته باشد؛ چرا که نام اهل بیت علیهم السلام همیشه مایه خیر و برکت زندگی ما انسانهاست. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که شخصی به نام ربیع بن عبدالله به حضور امام صادق علیه السلام رسید و پرسید: من نام فرزندانم را از نام شما و پدران شما اقتباس و نامگذاری

میکنم. آیا از این کار سودی میبرم؟ امام فرمودند: «آری، سوگند به خدا! دین جز دوستی با آل محمد نیست.» (۱)

۶. رابطه داشتن با اهل بیت علیهم السلام: از جمله راههای افزایش محبت این است که آدمی سعی کند در طول زندگی و حتی در طول روز همواره به یاد خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام باشد، همانطور که یک درخت هرچه بیشتر رشد کند، گلها و شکوفهها و ثمره بیشتری میدهد، محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام هم هرچه نیرومندتر گردد، آثار و برکات بیشتری در پی خواهد داشت. از نشانههای محبت، یاد کردن محبوب و رابطه داشتن با اوست؛ مثلاً رفتن به خانه خدا و زیارت قبور مطهر ائمه علیهم السلام که در روایات مختلف سفارش شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «زیارت باعث افزایش و توسعه مودت نسبت به اهل بیت علیهم السلام میشود.» (۲)

بنابراین ایمان در حقیقت جز محبت خدا، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان نیست.

نتیجه اینکه: ما در عصر و زمانی زندگی میکنیم که یوسف زهرا عجل الله در غربت به سرمیبرد، چه خوب است که در روزمرگیهای خود خلوتی با معبود، مولا،

۱- بروجردی، سیدمحمد ابراهیم، تفسیر جامع، ج ۱، ص ۴۱۹.

۲- ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۹۸.

ص: ۱۴۵

سرور و سالار این عصر و زمان داشته باشیم و برای اینکه محبت و مودت خود را نسبت به ایشان نشان دهیم، دست به دعا و استغاثه برداریم، ضجه بزنییم و برای غربت، تنهایی و مظلومیت ایشان دعا کنیم؛ چرا که خود حضرت فرمودند: «به شیعیان ما بگوئید برای ظهور و فرج ما دعا کنند که در اصل فرج خود آن هاست.» در واقع کمترین اثر تربیتی دعا و استغاثه برای حضرت عجل الله، افزایش محبت ما به ایشان است.

خود این افزایش محبت، بیخوابی و اشکباری را به دنبال دارد. جایی که امام صادق علیه السلام، در حالی که اشک از چشمان مبارکشان جاری بود و زانوی غم بغل گرفته بودند، فرمودند: «آقای من! غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و خاطرهم را پریشان ساخته و آرامش دل را از من سلب کرده و مصیبت های سختی بر من وارد کرده است که هرگز تسلی نمی یابد.» چرا ما شیعیان که نور دیده زهرا عجل الله هستیم، برای ایشان به درگاه خدا ندبه و زاری نکنیم؟

آن دوست که دیدنش بیاراید چشم***بی دیدنش از گریه نیاساید چشم

ما را ز برای دیدنش باید چشم***گر دوست نبیند به چه کار آید چشم؟

(ابوالحسن خرقانی)

ص: ۱۴۶

امام هادی علیه السلام در لحظات پایانی عمر مبارک خویش به امام حسین عسگری علیه السلام فرمودند: فرزندم حسن جان! سلام من را به فرزندم مهدی برسان بگو خیلی وست داشتم چهره مبارک او را می دیدم.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که درباره حضرت قائم عجل الله پر سیدند: آیا او متولد شده است؟ حضرت فرمودند: «نه، ولی اگر من او را دریابم در طول حیاتم خدمتگزار او خواهم بود.»^(۱)

وقتی ائمه اطهار علیهم السلام اینطور نسبت به امام زمان عجل الله ارادت دارند و ابراز محبت میکنند، چرا ما کاری نکنیم؟ آیا وقت آن نیست که به دنبال ریشه کن کردن همه بدبختیهای خود و جهان باشیم و همه با هم به درگاه خدا فریاد بزنیم، ضجه بکشیم، از درد دوری به خود بیچیم و بگوییم: «أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ صَالِحٍ بَعْدَ صَالِحٍ وَ صَادِقٍ بَعْدَ صَادِقٍ أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ أَيْنَ الْخَيْرِ بَعْدَ الْخَيْرِ أَيْنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ أَيْنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ...» و ناله

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۶۱.

ص: ۱۴۷

کنند و بگریند و بگویند که آن رهبران عالم انسانیت، امام حسن و امام حسین و امامان صالح و شایسته پس از آنان چه شدند؟ چرا ما که خود را انسان میدانیم، آنقدر کم درک بودیم که آن رهبران حقیقی انسانیت را از دست دادیم؟ کجاست آن باقیمانده الهی و نماینده پروردگار در بین بشر که کسی از او خبری ندارد؟ چرا در این عالم از همه چیز خبر داریم جز او؟ چرا زندگی ما انسانها پر از رفتارهای غیر انسانی است؟ چرا آن رهبر معصوم و برگزیده پروردگار را کنار گذاشتیم؟ او کجاست؟ آری «او» و تنها «او» کجاست که کلید همه قفل‌های زندگی بشر است. (۱)

کمک و یاری مظلوم

در آموزه‌های دینی، همانگونه که از ظلم و ستمگری، به شدت اعلام انزجار شده، از تن دادن به ظلم نیز نهی شده است. علاوه بر آن، دفاع از ستمدیدگان و مظلومان و یاری رساندن به آنان، به عنوان یک وظیفه و تکلیف شرعی قلمداد شده است. آیات فراوانی از قرآن کریم، ظلم و ستمگری را از زوایای گوناگون و مختلف مطرح نموده

۱- یوسفی، محمد، چگونه دعا کنیم؟ چگونه فرج را بخواهیم؟، ص ۹۳.

ص: ۱۴۸

است؛ از جمله آنجا که میفرماید... (إِنْ اسْتَنْصَيْتُمْ رُؤُوسَكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ)... (۱)؛ این آیه شریفه با کمال صراحت، مسلمانان را ملزم مینماید تا به یاری برادران دینی خود که مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند، شتافته و به وظیفه دینی خود عمل نمایند.

خداوند در جای دیگری، کسانی را که نسبت به کمک و یاری ستمدیدگان، سکوت و بیتفاوتی اختیار کرده‌اند و قیام نمیکنند، سرزنش و ملامت نموده، مورد سؤال قرار میدهد و میگوید: «و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان الذين يقولون ربنا أخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها و اجعل لنا من لدنك وليا و اجعل لنا من لدنك نصيرا» (۲) «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمیکنید؟ همان افراد (ستمدیده‌ای) که میگویند: خدایا! ما را از این شهر که اهل آن ستمگرند، بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار ده و برای ما از طرف خود، یار و یآوری تعیین فرما!»

۱- انفال: ۷۲.

۲- نساء: ۷۵.

ص: ۱۴۹

روایاتی که از حضرات معصومین علیهم السلام در این مورد نقل شده، چند دسته است:

دسته اول، روایاتی است که امت اسلامی را در جهت یاری رساندن به مظلوم و ستم‌دیده و مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، تشویق و ترغیب مینماید. همانطور که امام علی علیه السلام میفرماید: «بهترین عدالت، یاری مظلوم است.»

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است: «هیچ مؤمنی، مؤمن ستم‌دیده‌های را یاری نمیرساند، مگر اینکه عمل او، برتر از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام باشد و هیچ مؤمنی نیست که بتواند برادر خود را یاری رساند و یاری اش دهد، مگر اینکه خداوند در دنیا و آخرت او را یاری کند.»

دسته دوم، احادیث و روایاتی است که یاری مظلوم و مبارزه با ظلم و ستم را به عنوان یک وظیفه و تکلیف شرعی قلمداد مینماید. از امام باقر علیه السلام نقل شده است

ص: ۱۵۰

که وقتی در آستانه ظهور، حضرت مهدی عجل الله آن جوان هاشمی را برای اتمام حجت با اهل مکه به نزد آن ها می فرستند، به او چنین سفارش میکنند: «...به نزد مکیان برو و بگو: من فرستاده فلا نیام به سوی شما. او به شما میگوید: ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت و خانواده حضرت محمد صلی الله علیه و آله و از فرزندان پیامبریم. ما مظلوم واقع شده‌ایم، رنج کشیده‌ایم و طرد شده‌ایم. از زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله فوت کرد تا این زمان، حق ما را ضایع کردند، از شما تقاضای کمک داریم. شما هم ما را یاری کنید...» (۱)

در تشرّف مرحوم حاج اسماعیل شرفی خدمت امام زمان عجل الله ، حضرت خود را مظلوم ترین فرد عالم معرفی می کنند. آن مرحوم جریلن این تشرّف را چنین روایت می کند:

به عتبات مقدسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالای سر حرم مطهر سیدالشهدا علیه السلام مستجاب است، در آنجا از خداوند خواستم که مرا به محضر مبارک مولایم، حضرت مهدی عجل الله مشرّف گرداند. مشغول زیارت بودم که ناگهان خوشید جهانتاب، جمالش ظاهر شد. پس از سلام، از ایشان سوال کردم: آقا! شما کیستید؟ فرمودند: «من مظلومترین فرد عالم.» (۲)

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲- ترجمه صحیفه مهدیه، ص ۵۸.

ص: ۱۵۱

حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در عالم مکاشفه، به یکی از علمای قم فرمودند:

«...مهدی عجل الله ما در عصر خویش مظلوم است، تا میتوانید درباره او سخن بگویید و قلمفرسایی کنید. آنچه درباره شخصیت او بگویید، درباره همه معصومین علیهم السلام گفته‌اید؛ زیرا معصومین علیهم السلام در عصمت، ولایت و امامت یکی هستند و چون عصر، عصر مهدی عجل الله ماست، سزوار است درباره او سخن گفته شود... باز تأکید میکنم که درباره مهدی ما زیاد بگویید و بنویسید، مهدی ما مظلوم است، بیش از آنچه نوشته و گفته‌اند، باید درباره‌اش نوشت و گفت.»^(۱)

حال که فهمیدیم امام مهدی عجل الله در این زمان، مظلومترین فرد عالم است و مظلومیت ایشان بیانگر مظلومیت سایر ائمه علیهم السلام است و یکی از وظایف ما مسلمانان، کمک و یاری مظلوم است، بر ماست که به کمک و یاری ایشان برخاسته و از هر راهی که میتوانیم، ایشان را یاری نماییم. از آنجا که بزرگترین اثر دعا و استغاثه برای امام زمان عجل الله، افزایش یاد حضرت و همچنین سلامتی و تعجیل در فرج ایشان است، بزرگترین کاری که ما میتوانیم در جهت کمک و یاری به ایشان به عنوان مظلومترین فرد عالم انجام دهیم همین دعا و استغاثه است.

۱- ترجمه صحیفه مهدیه، ص ۵۹.

وفای به عهد و امانت الهی

یکی از ارزشهای اخلاق اسلامی در قرآن، وفای به عهد است. همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، نسبت به وفای به عهد و پیمان اتفاق نظر دارند.

مراد از عهد و پیمان الهی، پذیرش ولایت ائمه علیهم السلام است، پس پذیرش ولایت ائمه علیهم السلام، وفای به عهد ائمه علیهم السلام و در واقع وفای به عهد الهی است. از آنجا که ما در عصر غیبت امام معصوم عجل الله هسّتم، پس بر ماست که بر وفای به عهد و پیمان امام غائب از نظر عجل الله بکوشیم؛ چراکه همین عدم وفای به عهد ولایت سبب غیبت امام زمان عجل الله ما شده است. حضرت مولی الموحّدين، علی علیه السلام میفرماید: «و اما حقّ من بر شما، وفای شما به عهد و بیعتی است که با من دارید.» هر اندازه این نعمت والا یعنی عهد و بیعت با امام عصر علیه السلام بیشتر مورد توجه قرار گیرد و سپاس و شکر آن گزارده شود، نعمت بهره‌گیری از وجود مبارک امام عجل الله بر مردم و رعایای آن حضرت افزوده می‌گردد و انسان تحت ولایت بیشتر و تدبیر قویتر امام قرار می‌گیرد. در دعای عهد، امام صادق علیه السلام به ما اینگونه

ص: ۱۵۳

آموخته است که هر صبحگاهان قبل از هر کار و بعد از انجام فریضه صبح بگوییم:

«اللهم انی اجدد له فی صبیحه یومی هذا و ما عشت من ایامی عهدا و عقدا و بیعه له فی عنقی، لا- احول عنها، و لا- ازول ابدا..»
 پروردگارا! من در صبح امروز و هر روزی که زنده ام، با امام خود تجدید عهد و پیمان می‌کنم. بیعت آن بزرگوار را بر گردن خویش تجدید می‌نهم و از آن باز نمی‌گردم و هرگز آن را (از صفحه دل) پاک نمی‌سازم.

خود امام عصر عجل الله نیز در توقیعی به شیخ مفید، بر این امر که وفای به عهد ولایت سبب فرج و دیدار حضرت می‌گردد، تأکید نموده و فرموده‌اند:

«و لو أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا، وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهِدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا»؛ اگر شیعیان ما که خداوند آن‌ها را در طاعت خویش موفق بدارد، در وفای به عهدی که بر عهده ایشان است، یکدل و متحد اجتماع میکردند، خجستگی دیدار ما از ایشان به تأخیر نمیافتاد و سعادت دیدار ما، همراه با کمال و

ص: ۱۵۴

معرفت و درستی شناخت ما، زودتر به ایشان میرسید.

وفای به عهد یاد شده با شش امر حاصل میشود که همه این موارد، با دعا و استغاثه برای حضرت تأمین می گردد:

۱. یقین قلبی به امامت و ولایت ائمه علیهم السلام و تسلیم امر ولی بودن

۲. مودت قلبی نسبت به ائمه علیهم السلام

۳. بغض نسبت به دشمنان ولایت و غاصبان خلافت ائمه علیهم السلام

۴. اطاعت و پیروی از ائمه علیهم السلام در تمام اوامر و نواهی ایشان

۵. اظهار اعتقاد قلبی به آن ها به وسیله زبان و اعضای بدن به مقدار توانایی

۶. یاری دادن به ائمه علیهم السلام در هر حال

۷. تعظیم خدا و دین خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله. (۱)

(إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ) (۲)

ترجمه این آیات چنین است:

۱- موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم، ص ۴۵۶.

۲- نور: ۵۱ و ۵۲.

ص: ۱۵۵

«هرگاه مؤمنان را به سوی خدا و پیامبرش فرا خوانند، تا میان آن‌ها داوری کنند، سخنشان جز این نیست که می‌گویند: شنیدیم و فرمان بردیم، اینان همان رستگارانند.» و هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند و از خدا بترسد و از او پروا کند، پس آنان همان کامیابان هستند.»

این آیات در مورد پیروان راستین پیامبر اشاره کرده و می‌فرماید: مؤمن واقعی کسی است که هم در گفتار، حکم پیامبر صلی الله علیه و آله را بپذیرد و هم در عمل از آنچه او فرموده اطاعت کند. نه با زبان مخالفت کند و نه در عمل سستی ورزد.

بدیهی است که چنین روحیه‌های تنها در سایه تقوای الهی و ترس از نافرمانی پروردگار در انسان شکل می‌گیرد و او را به سعادت و رستگاری می‌رساند.

از آنجا که برخی مؤمنان با آنکه مطیع خدا هستند، اطاعت آن‌ها با نوعی کراهت و ناخشنودی همراه است، در ادامه آیات می‌فرماید: در صورتی که اگر اطاعت از فرمان حق، همراه با روحیه تسلیم و خشیت در برابر پروردگار باشد، انسان از آزمونهای سخت زندگی، پیروز بیرون می‌آید و در دنیا و آخرت به سعادت می‌رسد.

ص: ۱۵۶

براساس روایات، امام علی علیه السلام که همواره تسلیم فرمان پروردگار و رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند، از بارزترین مصادیق این آیات به شمار می‌روند که سرانجام به فوز و رستگاری عظیم دست یافتند.

از این آیات شریفه می‌آموزیم که اولاً رسیدن به رستگاری، در سایه تسلیم بودن در برابر فرمان خداست. در واقع با سنجش میزان تسلیم خود در برابر دستورات خدا و پیامبرش، می‌توانیم میزان ایمان خود را بسنجیم.

ثانیاً مسئله مهم برای مؤمن، عمل به وظیفه است؛ خواه به نفع او باشد یا به زیان او. ثالثاً شرم و حیای درونی در برابر پروردگار و پروا از مخالفت با فرمان او، انسان را در صحنه‌های مختلف زندگی حفظ می‌کند و او را به مقصد میرساند. همانطور که آیتالله مجتهدی تهرانی (ره) در بیان شریفی فرمودند: «بقای ایمان به تعظیم خداست، اگر خدا را بزرگ بشمارید، ایمان شما باقی میماند.»

بدون شک دعا کردن برای سلامتی و تعجیل فرج آن حضرت عجل الله، نوعی تعظیم و نصرت ایشان است؛ زیرا یکی از اقسام نصرت و یاری حضرت صاحب‌الزمان عجل الله، یاری کردن به زبان است که دعا برای آن حضرت، یکی از انواع یاری کردن

ص: ۱۵۷

به زبان می باشد. واضح است که دعا از بهترین انواع نیکی است، پس اگر مؤمن برای مولای خود خالصانه دعا کند، مولایش هم برای او خالصانه دعا مینماید و دعای آن حضرت، کلید هر خیر و از بین برنده هر شر است.

برخی از وظایف منتظران

انتظار فرج همان منتظر ظهور امام عصر عجل الله بودن است. فرج به معنای گشایش است و با آمدن آن حضرت، حکومت عدل الهی برقرار شده و مسلمانها به ویژه شیعیان در سایه توجهات آن حضرت عجل الله در آسایش و امنیت قرار میگیرند. البته منتظر واقعی وظایفی دارد که در این فصل، بر پایه کتاب شریف مکیال المکارم، به برخی از مهم ترین این وظایف اشاره می کنیم:

برخی وظایف منتظران

مرحوم سید محمد تقی موسوی در کتاب شریف «مکیال المکارم» به هشتاد مورد از وظایف منتظران اشاره فرموده است. اینک بطور اختصار به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

۱. دعا برای امام زمان عجل الله : یکی از وظایف مهم ما، دعا برای امام زمان عجل الله است. ائمه هدی علیه السلام نیز همواره بر این مهم تکیه داشتهاند؛ از جمله روایتی است از امام صادق علیه السلام که ایشان دعایی را به «زراره»

ص: ۱۵۸

تعلیم می دهند، محور اصلی این دعا، بر امامشناسی استوار است.

امام علیه السلام به زراره میفرماید: «...اگر زمان غیبت را درک کردی، چنین دعا کن: «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتِكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتِكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي».

همچنین دعا‌های دیگری که در کتب ادعیه و زیارات بدان اشاره شده، خصوصاً دعای معروف «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّهَ بْنَ الْحَسَنِ» بر همین مناسبت که بحمدالله در بین جامعه شیعه بسیار معروف و مشهور است.

۲. شناخت صفات و سیره امام علیه السلام: بدیهی است که عاشق دل‌باخته امام عجل الله و منتظر حقیقی باید بداند که محبوبش از چه صفاتی برخوردار بوده و سیره و روش او در زندگی چیست. در این راستا، مطالعه آیات و روایات فراوانی که در ارتباط با وجود مقدس حضرت بقیه‌الله‌الاعظم علیه السلام بیان شده، بسیار سودمند است.

۳. رعایت ادب در همه موارد: امامی که واجبالاطاعه و حجت خدا بر تمامی اهل زمین است،

ص: ۱۵۹

نامش محترم و یادش بسیار گرامی است، پیشوای همه و چشم بینای خدا در بین مخلوقات اوست، روزی اهل زمین به یمن وجود اوست و هرکس که به مرتبهای از مراتب کمال میرسد، از پرتو عنایات حضرت حق است که از مسیر امامت به او رسیده است. بنابراین رعایت ادب و احترام در پیشگاه این امام بزرگوار، در همه حال شایسته است.

۴. عشق و علاقه نسبت به حضرت عجل الله: مرحوم سید عبدالکریم کفاش که به محضر آن حضرت مشرف می شد، در ری و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی می زیست. در یکی از تشریفاتش، حضرت از او میپرسند: «سید عبدالکریم اگر ما را نبینی چه خواهد شد؟» او پاسخ میدهد: آقا حتماً میمیرم. حضرت در پاسخ می فرمایند: «اگر چنین نبودی، ما را نمیدیدی.»

۵. علاقه مند کردن دیگران به امام زمان عجل الله: طبیعی است که هرکس به چیزی علاقه مند باشد، در صدد تبلیغ و ترویج آن برآمده و آن را به دیگران معرفی خواهد کرد، چه رسد به اینکه آن محبوب، وجود مقدس خاتم الاوصیا عجل الله باشد.

۶. انتظار فرج: امام صادق علیه السلام فرمودند: «بخشی از معتقدات ائمه علیهم السلام عبارت از تقوی، پاکدامنی و

ص: ۱۶۰

خیرخواهی... و صبورانه در انتظار فرج بودن است.»

در بسیاری از روایات، پرفضیلتترین اعمال، انتظار فرج معرفی شده است.

در بسیاری از احادیث ناظر به انتظار فرج، بیان شده که هرگاه یکی از منتظران حضرت عجل الله به رحمت الهی رفت، چنان است که در میان سپاه امام و یا در میان چادر (خیمه) حضرت عجل الله به شهادت رسیده باشد. هم چنین در بعضی از روایات تعبیر شده که چنین شخصی مثل کسی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر کفر، جهاد کرده باشد.

۷. اظهار علاقه وافر برای ملاقات با آن حضرت عجل الله

۸. ذکر فضائل و مناقب آن حضرت عجل الله و شرکت در مجالس امامشناسی

۹. صدقه برای سلامتی امام زمان عجل الله

۱۰. به جا آوردن حج و عمره و زیارت مشاهد مشرفه به نیابت از امام عجل الله: اعمالی که به نیابت از امام زمان عجل الله به جا آورده میشود، در واقع هدیه‌های از جانب عاشقان و شیفتگان به یوسف زهرا عجل الله است.

۱۱. استغاثه به وجود مقدس امام عجل الله: در بعضی از روایات، از آن بزرگوار به «غیاث المضطرّ المستکین» تعبیر شده است. توسل و استغاثه به اهل بیت علیهم السلام

ص: ۱۶۱

سیره دائمی بزرگان و صلحا و علمای شیعه بوده و حتی ائمه هدی علیهم السلام نیز به وجود مقدس ایشان توسل میجستهند.

مرحوم عاملی در روایتی نقل میکند: هنگامی که زهرای مظلومه سلام الله علیها بین دیوار و در مجروح شدند، ناله «یا بنالحسن» سرمیدادند و به وجود مقدس امام عصر، حضرت حجه‌بن‌الحسن عجل الله استغاثه جستند.

۱۲. ادای اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله: دعا برای تعجیل فرج یکی از مصادیق ادای اجر رسالت است و دلیل بر این معنی، فرموده خداوند متعال است که در سوره شوری آمده... (قُلْ لَا أَشْتَكُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) ... (۱)؛ (ای پیامبر) بگو من از شما بر انجام آن (رسالت) چیزی درخواست نمی‌کنم مگر مودت و دوستی خاندانم. این که منظور از مودت واجب نسبت به امامان علیهم السلام، معرفت و ولایت آنان می‌باشد، بدین معناست که فقط ایشان، اولیای حق دانسته شوند. به هر صورت تردیدی نیست که نزدیک‌ترین ذی‌القربی در زمان ما جز حضرت صاحب‌الزمان عجل الله کسی نیست؛ پس مودت آن جناب بر همگان واجب است و باید مودت آن

۱- شوری: ۲۳.

ص: ۱۶۲

جناب شدیدتر و بیشتر از موَدّت نسبت به دیگر نزدیکان پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد.

در بیان معنی و اقسام موَدّت گفته شده که منظور از موَدّت همان محَبّت قلبی با همه آثار ظاهری آن است؛ لذا در تفسیر قمی، موَدّت به همان آثاری که لازمه محَبّت است، تفسیر شده است. در واقع اجر نبوّت آن است که آنان را اذیت نکنید، با ایشان قطع رابطه ننمایید، حقّ ایشان را به ناحق نگیرید، با آنان پیوند و ارتباط داشته باشید و پیمان الهی را در حقّ آن‌ها نشکنید...

البته واضح است که از آثار موَدّت قلبی، ابراز دوستی به زبان است؛ یعنی دعا کردن برای محبوب و درخواست خوبی‌ها برای او که این امر از مهم‌ترین آثار و نتایج محَبّت ظاهری است. هم‌چنان که در روش پدران نسبت به فرزندان‌شان می‌بینیم که محَبّت قلبی، آنان را وا می‌دارد که برای فرزندان‌شان دعای خیر کنند.

نتیجه‌ای که از این مقدمات به دست می‌آید، این است که موَدّت خاندان رسول صلی الله علیه و آله، اجر رسالت است و نزدیک‌ترین ایشان در این زمان، مولای ما،

ص: ۱۶۳

حضرت حجه بن الحسن عجل الله می باشد که دعا کردن برای آن حضرت از اقسام موذت است و به این وسیله، اندکی از اجر رسالت ادا می گردد. از آنجا که ادای اجر رسالت بر همه امت واجب است، پس بر همه واجب است که نسبت به حضرت حجت عجل الله موذت داشته باشند و به هر مقدار که می توانند آثار آن را رعایت نمایند.

اثر تربیتی این نکته این است که تو تنها نیستی که مشکل داری بلکه شاید وقتی به یاد دیگران میافتی، متوجه میشوی که مشکل آن ها از تو سختتر است و شکرگزار نعمتهای خود میشوی.

در روایات آمده است: «اَشْتَكِرُوا مِنَ الْاِخْوَانِ فَاِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً»^(۱) (بر برادران مؤمن خود بیفزایید؛ زیرا هر مؤمنی یک دعای مستجاب دارد.) این نگاه بین مسلمان و مؤمنان اخوت ایجاد میکند. هم چنین در روایات آمده است که اثر دعای دیگر مؤمنان برای فرد بیش از اثر دعای آن فرد برای خود است. اگر شما برای فردی دعا کردید، این حس همگرایی به او منتقل میشود و آن اخوت - که سفارش اکید خداوند و ائمه علیهم السلام است - و حس همگرایی و دلسوزی نسبت به همدیگر ایجاد میشود.

۱- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷.

ص: ۱۶۴

نکته مهم این است که چه دعایی کنیم؟ ما در برابر فردی هستیم که همه عالم در اختیار اوست، خوب را از خدا بخواهیم و با ناامیدی دعا نکنیم. برای همدیگر خوب بخواهیم، این نشانگر آن است که دیگران برای ما مهم هستند؛ چون ما در جامعه زندگی میکنیم و مشترکاتی با هم داریم، پس برای حاجتهای دیگران و هدایت همه دعا کنیم.

نتیجه گیری

در بسیاری از آیاتی که در آن‌ها از استغاثه سخن به میان آمده، به اجابت آن از سوی خداوند نیز تصریح شده است؛ از جمله آنجا که میفرماید: (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ ،)... نیز آیه... (وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ) (۱) این آیات شریفه متضمن این وعده‌هاست که خداوند استغاثه افراد مضطر و درمانده را اجابت می‌کند و مؤمنان را از غم و اندوه می‌رهاند.

این وعده الهی بر اجابت استغاثه، لطف و رحمت خداوند نسبت به تمام بندگان را نشان می‌دهد. حتی اگر بندگان فاسق و گناهکار، با اضطراب و خواهش رو به درگاه خداوند، استغاثه و درخواست کمک نمایند، خداوند حتماً

ص: ۱۶۵

استغاثه آن‌ها را اجابت میکند همانطور که خداوند به موسی علیه السلام درباره اجابت استغاثه فرعون سخن گفتند.

فرعون وقتی داشت غرق میشد، به حضرت موسی علیه السلام استغاثه (یاری طلبیدن) کرد. او مرتب التماس میکرد، اما حضرت موسی علیه السلام می گفت: باید غرق شوی و سرانجام فرعون غرق شد! موسی علیه السلام شب برای مناجات به درگاه خدا آمد. خداوند گفت: چرا درخواست فرعون را اجابت نکردی؟ ای موسی! تو فرعون را اجابت نکردی، چون او را خلق نکرده‌ای. اگر به من استغاثه کرده بود، او را اجابت میکردم؛ یعنی اگر تو خالق او بودی، جوابش را میدادی. اگر فرعون یک «یا الله» میگفت، او را اجابت میکردم. (۱)

خدای رحیم قصد داشت که حتی استغاثه فرعون را هم اجابت کند، ما که مسلمان هستیم و برای فرج امام زمان عجل الله و آخرین ذخیره خدا بر روی زمین و برای برپایی و تشکیل حکومت الله که همه ائمه علیهم السلام برای آن تلاش کرده‌اند، استغاثه میکنیم، باید مطمئن باشیم که دعا و استغاثه ما اجابت میشود، به شرط آنکه استغاثه ما، استغاثه واقعی و با رعایت شرایط آن باشد.

لطف و رحمت خداوند تا حدی است که قصد داشت استغاثه قارون را نیز اجابت کند. حضرت موسی علیه السلام علیه قارون دعا کرد و فرمود: ای زمین! او را بگیر. در حالی که او بر تخت و بر فرش نشسته بود، زمین او را گرفت تا اینکه تخت وی ناپدید

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ص ۵۹.

ص: ۱۶۶

گشت. هنگامی که قارون این امر را مشاهده کرد، به موسی علیه السلام سوگند یاد کرد که به او ترخم کند. حضرت موسی علیه السلام به زمین دستورداد که او را بگیر. زمین او را گرفت در حالی که او هم چنان درخواست کمک میکرد. موسی علیه السلام باز به زمین دستور داد که او را در بگیر، تا اینکه زمین او را ناپدید کرد. خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: ای موسی! از تو خواست که به او ترحم کنی و درخواست کمک نمود، اما تو از کمک کردن به او خودداری کردی. اگر مرا میخواند و درخواست کمک می کرد، حتماً به او کمک می کردم.

به لطف و مهر پروردگار بنگرید که اگر قارون و فرعون ظالم نیز او را خوانده بودند، دعا و درخواست آن ها را به اجابت میرساند تا چه رسد به بندگانی که با ایمان به او از او درخواست مینمایند. آری! فرموده حق تعالی... (اِذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ)... (۱) گویای این حقیقت است. (۲)

تاکنون چندین بار قرار بوده فرج اتفاق بیفتد و زمام امور مسلمانان به دست جانشین خدا برسد، اما با گوش نسپردن به کلام هدایت و عدم یاری امامان، باب رحمت خدا را بر خویش بستهایم، ولی باید به خاطر داشته باشیم که بسیاری از مواقع، به واسطه دعای

۱- غافر: ۶۰.

۲- السودانی، موسی الشیخ جعفر، تاریخ انبیاء: عبرتهای تاریخ از آدم تا خاتم، ص ۲۹۷.

ص: ۱۶۷

ما گشایشهایی اتفاق میافتد و از گرفتاریها و نگرانیهای حضرت عجل الله کاسته میشود. آیا آسایش خاطر امام زمان عجل الله و رفع برخی مشکلات آنقدر ارزشمند نیست که برای ظهور و فرج حضرت عجل الله به درگاه خداوند قادر دعا کنیم؟ آن هم دعا برای امام مهربانی که وقتی سید بن طاووس در سحر سیزدهم ذیالقعده سال ۶۳۸ قمری در «سیر من رأی» در سرداب مطهر، خدمت امام زمان عجل الله می رسد، آوای دلنشین امام زمان عجل الله را می شنود که این دعا را زمزمه می کنند:

«الهی بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَّاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالْتِزْوَةِ وَعَلَى مَرَضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصَّحَّةِ وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَامَةِ وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّيِّدِ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ» ؛ خدایا! شیعیان ما را از شعاع نور ما و طینت ما خلق کرده‌ای، آن ها گناهان زیادی به اتکا بر محبت و ولایت ما مرتکب شده اند. اگر گناهان آن ها گناهی است که در ارتباط با توست، از آن ها در گذر، که ما

ص: ۱۶۸

را راضی کرده‌ای و آن چه از گناهان آن‌ها در ارتباط با خودشان و مردم است، خودت بین آن‌ها را اصلاح کن و از خمسی که به حق ماست، به آن‌ها بده تا راضی شوند و آن‌ها را از آتش جهنم نجات بده و آن‌ها را با دشمنان ما در عذاب خود جمع نفرما.

ما برای فرج امامی دعا میکنیم که شب و روز، برای ما بندگان دعا میکند. آیا رسم معرفت نیست که ما نیز برای فرج و ظهور امام منتظر عجل الله که تمام دغدغه‌اش رفع گرفتاری مردم و هدایت آن‌هاست، دعا و استغاثه کنیم؟

بدانیم که به فرموده پیامبر مهربانی صلی الله علیه و آله هیچ دعایی زودتر از دعایی که انسان در غیاب کسی میکند، مستجاب نمیشود. او در غیبت است، پس دستها را در دوران غیبتش آسمانی کنیم و فرجش را بخواهیم تا در زمان ظهورش، طول عمر و سلامتی ایشان را از خداوند متعال درخواست نماییم.

ای سوره آخر سحرگاه! الغوث***ای ساقه روشنایی ماه! الغوث

متن همه روزنامه‌ها خواهد شد***یک جمله بهار آمد از راه الغوث

ص: ۱۷۱

فهرست منابع

۱. قرآن.
۲. مفاتیح الجنان.
۳. نهج البلاغه.
۴. صحیفه سجادیه.
۵. الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی، مشهد، المرتضی، ۱۳۶۱.
۶. الاختصاص، مفید، محمد بن محمد، تهران، دارالمفید، ۱۳۸۸.
۷. الاصول من الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، بیروت، دارالصعب و دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۱ ق.
۸. الامالی، شیخ طوسی، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۱۴ ق.
۹. الغیبه، نعمانی، محمد بن ابراهیم، ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

ص: ۱۷۲

۱۰. بحارالانوار، مجلسی، محمدباقر، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۱. تاریخ انبیاء: عبرتهای تاریخ از آدم تا خاتم، السوداني، موسی الشیخ جعفر، ترجمه علی نقی ایزدی، قم، مشهور، ۱۳۸۹.

۱۲. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، حسن بن علی بن شعبه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۳۶۲.

۱۳. تفسیر القمی، قمی، علی ابن ابراهیم، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳.

۱۴. تفسیر جامع، بروجردی، سید محمد ابراهیم، تهران، صدر، ۱۳۶۶.

۱۵. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۱۶. تفسیر نورالثقلین، حویزی، عبد علی بن جمعه، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.

۱۷. جلوه های حکمت، ناظم زاده قمی، اصغر، قم، بوستان کتاب، ۵۷۳۱.

۸۱. جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، علی بن موسی ابن طاووس، قم، الشریف الرضی، ۱۳۳۰.

۱۹. چگونه دعا کنیم؟ چگونه فرج را بخواهیم؟، یوسفی، محمد، قم، خورشید هدایت، ۱۳۸۹.

ص: ۱۷۳

۲۰. حس حضور، ملایی، حسن، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۳.
۲۱. دعا گنجینه اجابت، عطائی کوزانی، عنایت، قم، صحیفه معرفت، ۱۳۹۰.
۲۲. صحیفه مهدیه، مجتهدی، سید مرتضی، مشهد، بارش، ۱۳۸۹.
۲۳. صحیفه نور، موسوی خمینی، سیدروح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمت الله علیه، ۸۷۳۱.
۲۴. علل الشرائع، شیخ صدوق، قم، مؤمنین، ۱۳۸۰.
۲۵. قصه های قرآن، محمدی اشتهاردی، محمد، تهران، کتاب یوسف، ۱۳۷۹.
۲۶. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ترجمه منصور پهلوان، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
۲۷. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، متقی هندی، علی بن حسام الدین، قم، مؤسسه الرساله للطباعه والنشر والتوزیع، ۱۴۰۹ق.
۲۸. مستدرک الوسائل، نوری، حسین، قم، مؤسسه آلالیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

ص: ۱۷۴

۲۹. مشعل هدایت، حسینی قمی، محمد، قم، نوح، ۹۷۳۱.

۳۰. معانی الاخبار، شیخ صدوق، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.

۳۱. مکیال المکارم، موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، قم، اکرام، ۱۳۹۰.

۳۲. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، سروی مازندرانی، محمد بن علی بن شهر آشوب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.

۳۳. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، مؤسسه سیده معصومه سلام الله علیها، ۷۷۳۱.

۴۳. مهج الدعوات و منهج العبادات، سید بن طاووس، ترجمه محمد تقی طبسی، قم، رایحه، ۹۷۳۱.

۳۵. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، محمد، ج ۴، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.

۳۶. وسایل الشیعه، حرعاملی، محمد بن الحسن، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ق.

۷۳. مقاله مهندسی بلوغ اجتماعی و زمینه سازی ظهور، فرامرز سهرابی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

